

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

ایران رصد (۱۵۳)

---

ایران رصد (۱۵۳) 

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

تاریخ انتشار: ۹۷/۹/۲۰

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: [www.tisri.org](http://www.tisri.org)

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



## ایران رصد (۱۵۳)

### سخن اول

گروه تحریریه دوهفته نامه «ایران رصد» افتخار دارد که در میانه پنجمین سال فعالیت خود، یکصدمین شماره این نشریه را تقدیم مخاطبان گرانقدر نماید. دوهفته نامه ایران رصد حاوی مجموعه‌ای از فرآورده‌های اطلاعاتی اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی بیگانه درخصوص ج.ا.ایران است؛ فرآورده‌هایی که تولید و انتشار آن معمولاً با اهداف مشخص و مشترکی انجام می‌شود. این اهداف عبارتند از: کنترل و مهندسی تصویر ج.ا.ایران در سطح بین‌المللی؛ کنترل و مهندسی تصمیم‌سازی در کشورهای مهم و اثرگذار جهانی و منطقه‌ای درخصوص ج.ا.ایران؛ و تأثیرگذاری بر محاسبات سیاسی و راهبردی ج.ا.ایران. متأسفانه در اکثر این موارد نیروهای صهیونیستی و نیروهای معارض با ج.ا.ایران غلبه دارند؛ هرچند نمی‌توان وجود فرآورده‌های مستقل، پژوهشی و به نسبت خالی از غرض‌ورزی را یکسره انکار کرد.

با توجه به این مهم، هدف مؤسسه ابرار معاصر از تولید و انتشار این دوهفته نامه، آگاهی بخشی به مخاطبان درخصوص مراکز و عوامل و همچنین فرآورده‌های اطلاعاتی تولیدشده درخصوص کشورمان با عطف توجه به اهداف سه‌گانه فوق می‌باشد. بر همین اساس، مؤسسه ابرار معاصر انتظار دارد گیرندگان این بولتن از امکانات و ظرفیت‌های پژوهشی، رسانه‌ای و عملیات روانی خود برای مقابله با پروژه‌های ایران‌هراسی، تهدیدانگاری جهانی ایران، مخدوش ساختن تصویر بین‌المللی ایران و تغییر محاسباتی، تحلیلی و برآوردی کشورها درخصوص ج.ا.ایران استفاده نمایند. این دوهفته نامه نشان می‌دهد اصلی‌ترین اشخاص تولیدکننده محتوا، اندیشکده‌ها و مراکز فعال و پروژه‌ها و فرآورده‌های مرتبط کدامند. ضمن آنکه از درون آن می‌توان به شناسایی کارشناسان، پژوهشگران، مراکز و فرآورده‌های سودمند و قابل استفاده برای مقابله با این جریان نیز پرداخت.

طی ۷ سال انتشار، به لحاظ شکلی و محتوایی، «ایران رصد» تحولات کمی و کیفی زیاد داشته و با بهره‌گیری از نقدها و نظریات اصلاحی و پیشنهادی تلاش شده است که بر کیفیت آن افزوده شود و به صورت دوهفته‌نامه و به طور منظم در نیمه و پایان هر ماه منتشر گردد. در حال حاضر، در این دو هفته‌نامه، رصد نسبتاً جامعی از گزارش‌های راهبردی و تحلیلی، مقاله‌ها، اظهارنظرها و اقدامات، پژوهش‌ها و نظرسنجی‌هایی که درباره مسائل مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با جمهوری اسلامی ایران در آمریکا، اروپا، روسیه، خاورمیانه عربی، سرزمین‌های اشغالی، ترکیه، شبه‌قاره هند و شرق آسیا تدوین و انتشار می‌یابند، صورت می‌پذیرد. بدین منظور، تیم مجربی از کارشناسان، پژوهش‌های مربوط را از زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، عربی، روسی، و ترکی گردآوری، و ترجمه و تلخیص می‌کنند و تلاش می‌شود در کوتاه‌ترین فاصله زمانی این مطالب در اختیار مخاطبان قرار گیرد. امیدواریم با بهره‌گیری از نظرهای اصلاحی، نقدها و پیشنهادها در یافت‌کنندگان محترم در این نشریه با کیفیتی بهتر ادامه طریق بدهد.

سردبیر



## خلاصه اجرایی

مخاطبان ارجمند، ضمن تبریک ولادت حضرت محمد (ص) و هفته وحدت، یکصد و پنجاه و سومین شماره دوهفته‌نامه ایران‌رصد خدمت شما ارائه می‌گردد. در این شماره، گزیده‌ای از مهم‌ترین گزارش‌های راهبردی - تحلیلی، مقاله‌ها و پژوهش‌هایی معرفی شده‌اند که موضوع آنها مسائل امنیتی و سیاسی مرتبط با منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است. گزارش‌های تحلیلی و پژوهشی گردآوری شده در این شماره را عموماً اندیشکده‌ها، اتاق‌های فکر، مراکز پژوهشی و سایت‌های تحلیلی و رسانه‌های پرنفوذ در ایالات متحده آمریکا تهیه و تدوین کرده‌اند و مابقی به کشورهای انگلیس، فرانسه، سوئیس، روسیه، ترکیه، عربستان سعودی، قطر، بحرین، رژیم صهیونیستی، هندوستان، پاکستان، سنگاپور، چین و استرالیا مربوط می‌شوند و از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، روسی، ترکی استانبولی و عربی به فارسی برگردان و تحلیل شده‌اند. در جمع‌بندی کلی می‌توان گزارش‌های تحلیلی - پژوهشی گردآوری شده در این شماره ایران‌رصد را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

### - چالش‌های ایران و آمریکا

بعد از انقلاب اسلامی ایران، به دلیل حاکمیت گفتمان اسلامی با ارزش‌های استقلال طلبانه و استکبارستیزانه، چالش‌های ایران و آمریکا آغاز شد، به طوری که امروزه بعد از چهل سال همچنان این چالش‌ها با فراز و فرودهایی ادامه دارد. با روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷، این چالش که در زمان توافق برجام روند کاهشی به خود گرفته بود افزایش یافت؛ به نحوی که در حال حاضر به یکی از موضوعات مهم در عرصه‌های بین‌المللی سیاسی، امنیتی و اقتصادی تبدیل شده است.

در راستای همین چالش، شاهد پیگیری راهبرد فشار حداکثری در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و انرژی از سوی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران



هستیم؛ درمقابل نیز ایران با اتخاذ سیاست حفظ برجام با همکاری اروپا، چین و روسیه درصدد ایجاد مانع در برابر اجماع‌سازی بین‌المللی علیه خود است. در نیمه دوم آبان ۱۳۹۷ (نوامبر ۲۰۱۸) و با گذشت بیش از شش ماه از اعلام خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای، تحلیلگران و ناظران تحولات بین‌المللی، مقامات و دولتمردان در کشورهای مختلف عمدتاً بر شناخت و واکاوی نحوه اجرایی شدن تحریم‌های ایران‌ستیزانه کاخ سفید و کنگره علیه کشورمان و محاسبه واکنش سایر دولت‌ها، اعم از: متحدان، دوستان و رقبای این دو دولت تأکید و تمرکز کرده‌اند.

در دو هفته اخیر، با فرارسیدن ۴ نوامبر (۱۳ آبان) به‌عنوان روز کامل شدن حلقه تحریم‌ها به‌خصوص در حوزه نفت از سوی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تحلیل‌ها و اظهارنظرها در این زمینه به‌خصوص در زمینه ارائه معافیت‌ها به چند کشور و موضوع قیمت انرژی افزایش داشته است. در این باره به روال ماه‌های گذشته، اتق‌های فکر و اندیشه‌های آمریکایی دو دیدگاه متفاوت دارند: از یک سو، نخبگان سیاسی و محافل و اندیشه‌های پرنفوذ نومحافظه‌کار و بعضاً نزدیک به رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس با تأکید بر آسیب‌پذیری ساختاری اقتصاد، سیاست و محیط امنیت داخلی ایران در برابر تحریم‌ها طی سال‌های اخیر، بر تداوم و تشدید فشارها بر کشورمان اصرار می‌ورزند. درمقابل می‌توان به نگرش انتقادی فعال در برخی از مراکز اشاره کرد که در مورد پیامدهای خروج آمریکا از برجام و یکجانبه‌گرایی در مواجهه با پرونده ایران و همین‌طور در خصوص پیامدهای سیاست کنونی ترامپ علیه ایران هشدار می‌دهند؛ زیرا چنین سیاستی زمینه‌ساز جنگ دیگری در منطقه غرب آسیا خواهد شد و نتیجه آن برای ایالات متحده آمریکا خسارت‌بار خواهد بود.

## - ایران و امنیت منطقه‌ای

طی چند دهه اخیر، با افزایش توان سیاسی، امنیتی و نظامی و همین‌طور به‌دلیل حفظ بازدارندگی درمقابل تهدیدات پیش رو، جمهوری اسلامی ایران توانسته است حضور و نقش منطقه‌ای خود را در غرب آسیا گسترش دهد. این امر ضمن به‌چالش کشیدن زیاده‌خواهی برخی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه احساس تهدید ایشان را فراهم کرده است؛ به‌طوری‌که درصدد کاهش این حضور برآمده و در این راه، به ائتلاف‌سازی‌های سیاسی،



امنیتی و نظامی اقدام کرده‌اند و این موضوع به یکی از چالش‌های ایران با غرب و به تبع آن، به تمرکز مطالعاتی و یکی از مباحث اصلی برخی از مراکز و اندیشکده‌ها تبدیل شده است. مروری کلی بر مطالبی که اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر در کشورهای آمریکایی، اروپایی و کشورهای همجوار در دو هفته اخیر منتشر کرده‌اند حکایت از آن دارد که به گمان آنان، آینده نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران در غرب آسیا، همچنان تحت تأثیر نوع بازیگری ایران و راهبردهای آمریکا و روسیه و همچنین آینده بحران‌های سوریه، یمن و عراق در منطقه خواهد بود.

در دو هفته اخیر، به تبع رسانه‌های خبری، مراکز و اندیشکده‌ها نیز به موضوع قتل جمال قاشقچی ورود کرده و هریک از زاویه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند. در این شماره ایران‌رصد سعی شده است که این تحلیل‌ها به‌خصوص آنهایی که به موضوع ایران هم ربط پیدا کرده‌اند بررسی شوند؛ زیرا صرف‌نظر از نحوه قتل قاشقچی، این حادثه پیامدهای مختلفی در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است. در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، این قتل در دسرت بزرگی برای دولت آمریکا و عربستان به‌وجود آورده و فرصت‌های متعددی را در اختیار بازیگران رقیب همچون جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

## – ایران و سایر بازیگران

موضوعات مربوط به چالش ایران با آمریکا و معادلات منطقه‌ای، روابط جمهوری اسلامی ایران با سایر بازیگران را در بیشتر مراکز پژوهشی و اندیشکده‌ها به‌حاشیه رانده است و البته با چالش‌های دیگر نیز به‌نوعی همپوشانی دارد؛ ولی هنوز برخی از مراکز به‌خصوص در آسیا و اروپا به موضوعاتی اینچنینی توجه می‌کنند. در این راستا، به‌نظر می‌رسد می‌توان روابط دوجانبه و چندجانبه جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها و نیز با سازمان‌های بین‌المللی را در بخشی مستقل شرح داد.

با مروری بر این شماره ایران‌رصد می‌توان نگرانی‌های جدی دولت‌های اروپایی به‌خصوص بحث سازکارهای پیشنهادی برای حفظ مراودات اقتصادی با ایران را که در حال حاضر با ایران همکاری دارند به‌خصوص با فراسیدن اجرایی شدن دور دوم تحریم‌ها ملاحظه کرد. در این شماره، به‌غیر از اروپا، چالش‌ها و نگرانی‌های دولت‌هایی همچون ترکیه، هند و چین در مورد تحریم‌ها هم مورد بحث قرار گرفته است.



## - بررسی مسائل ایران

مروری کلی بر مطالب منتشر شده از سوی اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر نشان می‌دهد که برخی از آنها به تحلیل مسائل مختلف ایران در زمینه‌های سیاسی، نظامی، امنیتی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی برای پیشبرد اهداف راهبردی و بنیادی علاقه دارند؛ به‌همین دلیل، تحلیل‌ها و پژوهش‌هایی را در این زمینه منتشر می‌کنند. یکی از موضوعات مورد توجه این اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر، توان دفاعی و قابلیت‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران است و می‌تواند از منافع خود دفاع کند؛ و موضوع دیگر، بحران اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و برخی نارضایتی‌های ناشی از آن در ایران بوده است که همچنان مورد نظر این مراکز قرار دارد.



## فهرست مطالب تفصیلی

### چالش‌های ایران و آمریکا

۱. چه رخ می دهد اگر آمریکا به ایران حمله کند؟ چرا جنگ آسان نخواهد بود؟، رابرت فارلی، نشنال اینترست، ۵ نوامبر
۲. اگر ایران و آمریکا وارد جنگ شود چه رخ می دهد؟ این جنگ وخیم خواهد بود؟، هری کازیانیس، نشنال اینترست، ۵ نوامبر
۳. هشدار: پنج راهی که ایران می تواند به آمریکا ضربه بزند، زاگری کک، نشنال اینترست، ۵ نوامبر
۴. بدترین کابوس آمریکا: آیا ایران می تواند یک ناو هواپیمابر آمریکایی را غرق کند؟، کایل فیروکامی، نشنال اینترست، ۸ نوامبر
۵. ایران، آمریکا و خطر جنگ تصادفی، پل راجرز، گروه تحقیقاتی آکسفورد، ماه اکتبر
۶. وزارت خزانه داری آمریکا کانال‌های مورد استفاده ایران را برای دور زدن تحریم‌ها شناسایی کرده است، شهیر شهید ثالث، شورای آتلانتیک، ۱۴ نوامبر
۷. چگونه ایران در برابر تحریم‌های آمریکا خواهد ایستاد؟، افرین افضل، شورای آتلانتیک، ۱۵ نوامبر
۸. جهان باید از استراتژی ترامپ بر سر ایران پشتیبانی کند، امیلی لنداو، نشنال اینترست، ۱۳ نوامبر
۹. آزمون ترامپ در قبال ایران، فردریک کمپ، شورای آتلانتیک، ۱۱ نوامبر
۱۰. پیش‌بینی شکست؛ تحریم‌ها در مورد ایران جواب نمی‌دهد، جان





- گلاس، نشنال اینترست، ۵ نوامبر
۱۱. استراتژی ترامپ بدون متحدانش موفق نخواهد بود، جیمز کلاپر و توماس پیکرینگ، نشنال اینترست، ۹ نوامبر
۱۲. تحریم های ایران برای آمریکا هم خطرناک است، بونی کریستین، نشنال اینترست، ۱۵ نوامبر
۱۳. سیاست های معیوب تحریم های آمریکایی علیه ایران، دانیل برومبگ، لوبلاگ، ۱۴ نوامبر
۱۴. گروهک منافقین و ورشکستگی سیاست آمریکا در قبال ایران، پل پیلار، لوبلاگ، ۱۳ نوامبر
۱۵. تحریم ها علیه ایران قدرت دیپلماتیک آمریکا را مورد آزمون قرار می‌دهد، دیلو جی هنگن، نشریه آمریکایی تایم، ۸ نوامبر
۱۶. تفکر جادویی ترامپ در قبال تحریم ها علیه ایران باعث پیشبرد منافع آمریکا نمی‌شود، فیلیپ گوردون و رابرت مالی، فارین پالیسی، ۱۴ نوامبر
۱۷. آیا تحریم های ایران موفقیت آمیز خواهد بود؟، ویسل کورت، بنیاد مطالعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه، ۱۲ نوامبر
۱۸. بازتاب های فراآتلانتیک توافق هسته ای ایران بعد از روی کار آمدن ترامپ، سیبل کارابئل، مرکز تحقیقات استراتژیک فرزندان ترکیه، ۶ نوامبر
۱۹. آخرین موج تحریم های آمریکایی علیه ایران، الی گرانمایه و اسفندیار باتمانقلیچ، شورای روابط خارجی اروپا، نوامبر
۲۰. روایت های معمول و تحریم های جدید علیه ایران، محمد علوش، شبکه المیادین، ۷ نوامبر
۲۱. تأثیر تحریم های آمریکا بر ایران، لیلی نقولا، شبکه المیادین، ۷ نوامبر
۲۲. تحریم های آمریکا علیه ایران جنگ جهانی است، علی العبدالله، مرکز العربی الجدید، ۱۴ نوامبر
۲۳. آسیب شدید به عملیات سیا در ایران و چین برای سال های مدید، مورگان رایت، نشریه هیل، ۱۳ نوامبر



۲۴. کالبدشکافی نگرانی‌های بین‌المللی در مورد موشک‌های ایران، تیتی  
اراستو، لوب‌لاگ، ۱۶ نوامبر
۲۵. درشویتز ۱۲۰ هزار دلار از اندیشکده ضداسلامی گیت استون پول  
دریافت کرده است، الی کلیفتون، لوب‌لاگ، ۱۵ نوامبر

### ایران و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا

۲۶. عربستان سعودی می‌خواهد رقابت نفتی را افزایش دهد، اولیویه  
اوپرت، ایفری، ۱۳ نوامبر
۲۷. روابط عربستان سعودی و اروپا پس از قاشقجی: کاری طبق  
معمول؟، الدار مامدوف، لوب‌لاگ، ۱۳ نوامبر
۲۸. روابط پاکستان - عربستان سعودی؛ سکانداران و چالش‌ها، نظیر  
احمد میر، مؤسسه مطالعات و تحلیل‌های دفاعی، ۲۴ اکتبر
۲۹. محمد بن سلمان: رو به بهتر شدن یا بدتر شدن؟، جیمز دورسی،  
مرکز مطالعات استراتژیک بگین - سادات، ۲ نوامبر
۳۰. نزدیکی ترکیه و عراق به خاطر تحریم‌های ایران، امین طاه‌ها،  
خبرگزاری آناتولی و بلومبرگ، ۱۰ نوامبر
۳۱. اهمیت مجدد نفت عراق و کرکوک در بازار جهانی، ادریس اوودوجو،  
خبرگزاری آناتولی، ۱۲ نوامبر
۳۲. دولت عراق و رؤیای اصلاحات، عونى القلمجی، مرکز العربی الجدید، ۱۷ نوامبر
۳۳. تشکیل کابینه دولت جدید عراق، سیار الجمیل، مرکز العربی الجدید، ۲ نوامبر
۳۴. بازدارندگی مؤثر؟ جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در پی استقرار  
اس ۳۰۰ از حمله به اهداف سوریه خودداری می‌ورزند، میلیتاری واچ، ۷ نوامبر
۳۵. حماس چگونه رژیم صهیونیستی را دچار هرج و مرج انتخابات  
زودرس کرد؟، ست فرانترمن، نشنال اینترست، ۱۶ نوامبر
۳۶. ارزیابی نقش آینده ترکیه در خاورمیانه، نیکولاس مورگان، ریل کلیر  
دیفنس، ۵ نوامبر



۳۷. **قتل عام سوریه و رسانه جهانی،** میسون شقیر، مرکز العربی الجدید، ۱۸ نوامبر
۳۸. **عربستان و ایران: نزاع برای شکل دادن به غرب آسیا،** سیمون مابون، مرکز سیاست خارجی، ماه نوامبر
۳۹. **سیاست‌های تحریمی آمریکا و تأثیر آن بر منطقه خلیج فارس،** گوگهان اره لی، مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه، ۱۱ نوامبر
۴۰. **شکندگی ائتلاف‌ها در غرب آسیا،** جیمز دورسی، مؤسسه مطالعات امنیت ملی، ۱۲ نوامبر
۴۱. **حزب‌الله لبنان از پایه‌های حیاتی راهبرد ایران در منطقه است،** بهنام طالبلو، بنیاد دفاع از دموکراسی، ۱۴ نوامبر
۴۲. **تأثیرات تحریم‌های سنگین آمریکا بر منطقه،** حقی اوینور، مرکز مطالعات ایرانی آنکارا، ۱ نوامبر
۴۳. **یمن، قربانی زورآزمایی ایران و عربستان،** مهمت علی بویوک کارا، خبرگزاری آناتولی، ۱۴ نوامبر
۴۴. **استمرارپذیری سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا در نظام بین‌المللی** متحول‌شده، مراد ارجان و علی یایاتا، دوماهنامه علمی - پژوهشی نگاه آکادمیک، شماره سپتامبر - اکتبر
۴۵. **مساعی مقامات واشینگتن برای پیشبرد مذاکرات یمن،** النا دلوزیر و اگوست پلاگر، مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک، ۳۱ اکتبر
۴۶. **تحولات استراتژیک رژیم صهیونیستی در برابر سوریه و مرحله بعد** از سقوط هواپیمای روسیه، محمود جرابه، مرکز مطالعات الجزیره، ۲۸ اکتبر
۴۷. **تهدید امنیت سوریه از فرات شرقی،** باسل الحاج جاسم، مرکز العربی الجدید، ۱۷ نوامبر
۴۸. **مثلث مقاومت: آبرو، زمین و هویت سوریه،** فیصل جلول، شبکه المیادین، ۲ نوامبر
۴۹. **تا چه زمانی ایران به حوثی‌ها سلاح ارسال خواهد کرد؟،** علی عاطف حسان، مرکز مطالعات و تحقیقات العربی، ۳۱ اکتبر



## ایران و سایر بازیگران

۵۰. اروپا با تضعیف تحریم های ایران به ریسک خطرناکی دست می‌زند، جیمز فیلیپس، نشنال اینترست، ۱۳ نوامبر
۵۱. رویکرد خیال پردازانه اتحادیه اروپا نسبت به ایران، رافائل جی. بوشنیک چن و دنی شوهام، مرکز مطالعات استراتژیک بگین - سادات، ۲۴ اکتبر
۵۲. تحریم های آمریکایی علیه ایران: تأسف بر ضعف سیاسی اروپا، تیری کویل، اندیشکده ایریس، ۵ نوامبر
۵۳. آیا توافق هسته‌ای ایران می‌تواند نجات یابد؟، جودی دمپسی، اندیشکده کارنگی اروپا، ۸ نوامبر
۵۴. طرح اتحادیه اروپا برای تجارت غیردلاری و فروش نفت، جان آیریش، فرانسوا مورفی و رابین اموت، اندیشکده نیروهای متحد سلطنتی بریتانیا (روسی)، ۱۴ نوامبر
۵۵. نگاه همگرایانه ایران به سیاست خود در قبال شرق: آشتی دادن سیاست خارجی استقلال طلب و همگرایی اقتصادی، دیپیکا ساراسوات، شورای امور جهانی هند، ۳۰ اکتبر
۵۶. نقصان در تحقیقات مرتبط با حملات تروریستی آرژانتین، مایک لاسوسا، لوب‌لاگ، ۹ نوامبر
۵۷. تأثیر تحریم‌های ایران بر ترکیه و منطقه، شاهین دمیر، خبرگزاری آناتولی، ۱ نوامبر
۵۸. تأثیر تحریم‌های ایران بر ترکیه، کمال اینات، بنیاد مطالعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه، ۱۰ نوامبر
۵۹. ایران نباید پاکستان را از خود دور کند، اصلان بالجی، مرکز تحقیقات استراتژیک جنوب آسیا، ۳ نوامبر
۶۰. ایران و پاکستان (۱۹۴۷-۲۰۱۵): از جنگ سرد تا توافق هسته‌ای، کلمان ترم، دیپلوم، ۲۱ اکتبر



## مسائل ایران

۶۱. مذهب و ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران، ادوارد وستنیج، مرکز

سیاست خارجی، ۱۲ نوامبر

۶۲. حرکت‌های ضدنظام در ایران؛ مورد گروهک منافقین، یاسمین

کونوکچو، کانون پژوهشی خاورمیانه و آفریقا، ۶ نوامبر

۶۳. ایران خواهان جنگنده رادارگریز است، اما قاهر چنین جنگنده‌ای

نیست، سباستین رابلین، نشنال اینترست، ۵ نوامبر

## معرفی پژوهشی

۶۴. نقشه راه تحریم‌های بازتحمیل شده به ایران، دیوید مورت لوک و نیکی

کرون، شورای آتلانتیک، ۲۸ نوامبر

۶۵. چگونه ایران با تحریم‌های آمریکا روبه‌رو خواهد شد، هالی دگریس و

باربارا اسلاوین، شورای آتلانتیک، ۱۴ نوامبر

## جمع‌بندی پایانی



## چالش‌های ایران و آمریکا

مهم‌ترین چالش‌های میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران (مانند: پرونده هسته‌ای، تحریم‌ها و مسائل منطقه‌ای و تأثیر آنها بر مناسبات ایران و کشورهای منطقه) از موضوعات مورد توجه تحلیلگران و ناظران در کشورهای مختلف در نیمه اول آبان ۱۳۹۷ بوده‌اند که در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم:

### ۱

رابرت فارلی، استاد کالج جنگ در نیروی زمینی ارتش آمریکا، مقاله‌ای را با عنوان «چه رخ می‌دهد اگر آمریکا به ایران حمله کند؟ چرا جنگ آسان نخواهد بود؟» در ۵ نوامبر در نشریه نشنال اینترست منتشر کرد. وی در این مقاله می‌گوید: حمله به ایران و اداره تهران اشغال شده یکی از راه‌های تغییر حکومت جمهوری اسلامی ایران است. باین حال، آمریکا برای سرنگون کردن مستقیم حکومت جمهوری اسلامی از طریق نیروی نظامی دچار مشکل می‌شود. به ادعای نویسنده، طرح تغییر حکومت می‌تواند موفق باشد، اما دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد احتمال وقوع چنین تغییری اندک است. در صورت اقدام آمریکا در این زمینه، روند آن چه بسا دهه‌ها به طول انجامد، حتی اگر با موفقیت همراه باشد. به گفته نویسنده، چنین درگیری‌ای دربرگیرنده حمایتی وافر از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی مانند گروهک منافقین است. این پشتیبانی احتمالاً شامل انتقال اسلحه، اطلاعات و آموزش هر نیروی مقاومت و نیز جذب نیروهای جدید در کردستان می‌شود. با وجود این، پدید آوردن یک نیروی زمینی کارآمد سال‌ها زمان نیاز دارد. بدون نیروی زمینی قابل توجه، به منظور ضربه و احدهای نظامی ایران مشکل است تا حملات هوایی آمریکا بتواند نیروی زمینی ایران را به‌صورتی چشمگیر ضعیف کند. علاوه بر این، واحدهای بسیاری از ارتش و سپاه پاسداران ایران احتمالاً در مناطق شهری مستقر می‌شوند تا برای پرهیز از



بروز خرابی و تلفات زیاد در میان غیرنظامیان از حملات وسیع در امان باشند. به عقیده نویسنده، ایران گزینه متنوعی برای پاسخگویی به حملات آمریکا در اختیار دارد. ایران می‌تواند عراق و افغانستان را از طریق به‌کارگیری نیروهای نیابتی و ارسال اسلحه بی‌ثبات کند؛ هم‌زمان می‌تواند بکوشد نیروهای نیابتی خود را در منطقه به حمله علیه متحدان آمریکا تشویق کند و نیز از زرادخانه موشکی بالستیکی خود به‌منظور حمله علیه پایگاه‌ها و کشتی‌های آمریکایی و تأسیسات نظامی و اقتصادی متحدان واشینگتن استفاده کند؛ اما به احتمال زیاد، ایران می‌تواند با نگاهی منطقی صبر پیشه کند تا افکار عمومی بین‌المللی بر ضد تهاجم آمریکا به مقابله برخیزد. نویسنده در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند که تغییر حکومت به احتمال زیاد موفق نخواهد بود و بیشتر این احتمال وجود دارد که مشکلات را تشدید کند.

## ۲

هری کازینیس، مدیر مطالعات دفاعی در مرکز منافع ملی در واشینگتن، مقاله‌ای را با عنوان «اگر ایران و آمریکا وارد جنگ شود چه رخ می‌دهد؟ این جنگ چقدر وخیم خواهد بود؟» در ۵ نوامبر در نشریه نشنال اینترست منتشر کرد. نویسنده بر این باور است که این پرسش بسیار آسان به نظر می‌رسد که آیا آمریکا و ایران بر سر آمال و آرزوهای منطقه‌ای تهران جنگ خواهند کرد. به ادعای نویسنده، از یمن تا سوریه و لبنان و برای مدتی طولانی در عراق، به‌وضوح روشن است که واشینگتن و تهران در زمینه‌های بسیاری با یکدیگر نزاع و مشاجره دارند. به عقیده کازینیس، واقعیت‌ها ساده هستند: واشینگتن و تهران دهه‌هاست که در میان ستیزه‌های ژئوپلیتیکی طولانی‌مدت با یکدیگر در خاورمیانه گیر افتاده‌اند. در طول این مدت، کشمکش آمریکا - ایران در خاورمیانه را می‌توان به تله‌ای تشبیه کرد.

به عقیده نویسنده، ایران به‌مانند چین احساس می‌کند که در طول تاریخ، به‌ویژه از سوی قدرت‌های غربی مورد بی‌مهری قرار گرفته است. به گفته وی، تهران سعی ندارد که در منطقه خاورمیانه امپراتوری ایجاد کند، اما گروهی مدعی هستند که مطمئناً - مانند هر قدرت در حال ظهوری که به‌طور طبیعی در صدد چنین کاری برمی‌آید - بر توسعه منافع منطقه‌ای خود متمرکز شده است. دفاع طبیعی از چنین منفعی می‌تواند با فرض قبلی، ایران را به هژمون منطقه‌ای جدیدی در منطقه خاورمیانه تبدیل کند. نویسنده سپس مدعی



می‌شود درحالی‌که بسیاری در خاورمیانه و فراتر از آن از آرزوهای هسته‌ای احتمالی ایران وحشت دارند، چنین تسلیحاتی فقط بخشی از چالش ژئواستراتژیکی بسیار مفصل‌تر این کشور محسوب می‌شود.

به عقیده کازینیس، در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا آمریکا و ایران بر سر منویات منطقه‌ای ایران با یکدیگر درگیر می‌شوند؟

کازینیس سپس با استناد به گزارش «مرکز ارزیابی‌های استراتژیک و بودجه‌ای» (CSBA) درباره پیامدهای بروز جنگ میان آمریکا و ایران و تلاش تهران برای دستیابی به توانایی‌های ضد دسترسی - انکار منطقه‌ای (A2/AD) برای مقابله با متجاوزان می‌گوید: پیروزی بر ایران هنگامی که این کشور در فاصله نزدیک از سواحل خود مبارزه کند، امری ساده نخواهد بود.

### ۳

زاکری کک، سردبیر سابق نشنال اینترست، مقاله‌ای را با عنوان «**هشدار: پنج راهی که ایران می‌تواند به آمریکا ضربه بزند**» در ۵ نوامبر ۲۰۱۸ در این نشریه منتشر کرد. در این زمینه گفته می‌شود که مشخص‌ترین ابزار اجرای دکترین نظامی ایران همان فهرست بلند موشک‌های بالستیک این کشور است. از جمله این فهرست، خانواده موشک‌های بالستیک «شهاب» است که براساس طرح موشک‌های کره شمالی تولید شده‌اند. به نظر می‌رسد که به‌استثنای کره شمالی، هیچ کشوری در دوران پس از جنگ سرد به اندازه ایران برای ایالات متحده چالش پدید نیاورده باشد. از خاورمیانه تا آسیای مرکزی تا آمریکای لاتین، تهران هیچ فرصتی را برای دشمنی با آمریکا و محدود کردن نفوذ آن ازدست نداده است. به عقیده نویسنده، این یک استراتژی ذاتاً پرخطر است. نه تنها ایران با پایگاه‌های نظامی آمریکا از هر سو احاطه شده، بلکه نیروهای مسلح ظرف سال‌های اخیر دو برابر تمامی تولید ناخالص داخلی ایران بوده است.

نویسنده مدعی شد که در هر درگیری نظامی متعارفی، ایران شانس برای ایستادگی در برابر نیروهای مسلح آمریکا ندارد. به‌منظور جبران، ایران در پی تدوین یک دکترین نظامی بازدارنده‌محور برپایه سه نوع توانایی برآمد که عبارت بودند از: زرادخانه موشکی بالستیکی مفصل، جنگ دریایی نامتقارن (به‌ویژه برپایه تهدید به بستن تنگه هرمز) و نیز ارتباط





گروه‌های شبه‌نظامی غیردولتی. اگرچه بسیاری از سامانه‌های تسلیحاتی ایران براساس این دکتربین طراحی و تولید می‌شوند، پنج توانایی ایرانی‌ها در این میان مهم تلقی می‌شوند: ۱. موشک سجیل، ۲. زیردریایی کوچک کلاس غدیر، ۳. موشک ضدکشتی بالستیک خلیج فارس، ۴. گروه حزب‌الله لبنان، و ۵. موشک زمین‌به‌هوای اس ۳۰۰.

#### ۴

کایل فیروکامی، محقق و نویسنده امور دفاعی در نشریه نشنال اینترست، دیپلمات، فارین پالیسی، و اریزبورینگ و دیلی بیست، مقاله‌ای را با عنوان «**بدترین کابوس آمریکا: آیا ایران می‌تواند یک ناو هواپیمابر آمریکایی را غرق کند؟**» در ۸ نوامبر ۲۰۱۸ در نشریه نشنال اینترست منتشر کرد. فیروکامی در این مقاله می‌گوید که ساخت موشک‌های بالستیک ضدکشتی، ساخت سلاح‌های هسته‌ای، یا فناوری‌های مشابه نقطه‌عطف‌هایی در توانایی‌های یک کشور محسوب می‌شوند که به ایران اجازه می‌دهند به سرعت به سطحی از تأثیر دست یابد که با آن، قدرت نظامی آمریکا را به چالش بکشد. به گفته نویسنده، ایران در حال حاضر، توانایی غرق کردن یک ناو هواپیمابر آمریکایی را ندارد، اما این مزیتی نیست که پنتاگون بتواند برای همیشه از آن بهره‌مند باشد. به عقیده نویسنده، آمریکا و ایران در دوران بدی به سر می‌برند - به‌خصوص به دلیل میزان بیان علنی خصومت به یکدیگر - از هنگام پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹. یکی از ابزارهای اجرای سیاست‌های آمریکا و نماد پرستیژ آن در خاورمیانه، ناوهای هواپیمابر نیروی دریایی این کشور هستند. دولت ایران به خوار و حقیر شمردن این نماد قدرت دریایی آمریکا مشهور است و موضوع مذکور این پرسش را مطرح می‌کند که اگر هر دو طرف با یکدیگر درگیر شوند، آیا ایران قدرت آتشی را در اختیار دارد که به وسیله آن، ناو هواپیمابر آمریکایی را غرق کند.

به گفته فیروکامی، کارشناسان و ناظران خارجی بر این باورند که ایران توجه زیادی را مبدول کسب توانایی غرق کردن یک ناو هواپیمابر آمریکایی کرده است. در ژانویه ۲۰۱۵، دریادار علی فدوی، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران اعلام کرد که نیروی تحت امرش به چنین قابلیتی در شرایط جنگ دست یافته است. یک ماه بعد از آن و در جریان رزمایش «پایمابر اکرم ۲» در تنگه هرمز، چنین عملیاتی با به کارگیری موشک‌های ضدکشتی، مین دریایی و حملات یگان‌های ویژه دریایی علیه مدل بزرگی از یک ناو هواپیمابر تمرین شد.



نویسنده در ادامه چنین نتیجه‌گیری می‌کند: همان‌طور که کره شمالی نشان داد دشمن بالنگیزه سرانجام توانایی خود را برای دفاع از خویش در برابر ایالات متحده توسعه می‌دهد و بهبود می‌بخشد، ایران نیز که منابع بیشتری از کره شمالی در اختیار دارد، از چنین قابلیتی برخوردار است. به ادعای نویسنده، نقطه‌عطف در این توانایی می‌تواند دستیابی به موشک‌های بالستیک ضدکشتی، تسلیحات هسته‌ای و یا دیگر فناوری‌های مشابه باشد که به ایران، مقابله با ناوهای هواپیمابر آمریکایی را امکان می‌دهد. به عقیده نویسنده، موشک‌های بالستیک ضدکشتی هدایت‌شونده با رادار «هرمز ۱ و ۲» (مدل‌های مشابه موشک‌های چینی DF-21D) با برد ۲۵۰ کیلومتر و زبردایی‌های روسی کلاس «کیلو» با موتورهای دیزل ایران از جمله سلاح‌های ایران برای غرق کردن ناوهای هواپیمابر آمریکایی هستند.

## ۵

اندیشکده گروه تحقیقاتی آکسفورد یادداشتی را با عنوان «ایران، آمریکا و خطر جنگ تصادفی» به قلم پل راجرز در اکتبر ۲۰۱۸ منتشر کرده است. از دید نویسنده، ناپایداری شرایط سیاسی و امنیتی در آمریکا، ایران، عربستان، سرزمین‌های اشغالی و در بافتار بزرگ‌تر، غرب آسیا، موجب برخوردهای مسلحانه بیشتری بین طرف‌های نامبرده شده است. درحالی‌که از دید نویسنده، بعید است ایران و آمریکا فعالانه در جستجوی جنگ در این مرحله باشند، احتمال دارد که به‌شکل تصادفی وارد جنگ شوند و این مسئله می‌تواند نتایج مهم و چالش‌برانگیزی برای بریتانیا با توجه به حضور گسترده نیروهای این کشور در غرب آسیا و روابط آنها با نیروهای آمریکا در این منطقه داشته باشد.

نویسنده تأکید دارد با توجه به خطرهای پیامدهای درگیری احتمالی ایران و رژیم صهیونیستی، همچنین آثار نشست آمریکا و کره شمالی بر روابط ایران و آمریکا احتمال دارد به‌شکلی غیرعامدانه درگیری تصادفی نتیجه برخورد دو کشور باشد؛ بنابراین به باور او، به‌سبب عدم قطعیت در سیاست‌های آمریکا و ایران، به‌همراه بی‌ثباتی به‌وجودآمده در رهبری عربستان سعودی پس از کشته شدن قاشقچی و وضعیت ناپایدار در مرزهای سرزمین‌های اشغالی، بریتانیا خود را در دوره‌ای غیرقابل پیش‌بینی در نظر می‌گیرد که احتمال افزایش سطح درگیری به‌شکل ناگهانی وجود دارد. از دید این کشور، درحال حاضر، به این مسئله باید به‌عنوان نگرانی بین‌المللی مهمی توجه شود.



برای بریتانیا خطر کوتاه‌مدت این است که وضعیت دفاعی این کشور با توجه به تابعیت نیروهای آن از آمریکا مشخص نیست؛ به این معنا که باید روشن شود دولت بریتانیا تا چه اندازه از آمریکا حمایت خواهد کرد و در صورت بروز ناگهانی درگیری نظامی، تصمیم بریتانیا چه خواهد بود. ماهیت پیش‌بینی‌ناپذیر دولت ترامپ حتی بررسی این مسئله، یعنی رویارویی بیشتر با ایران را در پارلمان بریتانیا ضروری‌تر می‌کند. در شرایط فعلی حکومت اقلیت در بریتانیا، نویسنده بعید می‌داند در مجلس این موضوع مطرح شود، یا بریتانیا خودمختاری و استقلالش را از اصلی‌ترین هم‌پیمان غیراروپایی خود اعلام نماید.

## ۶

**شهباز شهید ثالث** در روز ۱۴ نوامبر در مقاله‌ای با عنوان «وزارت خزانه‌داری آمریکا کانال‌های مورد استفاده ایران را برای دور زدن تحریم‌ها شناسایی کرده است» که در شورای آتلانتیک منتشر شد، به بررسی موفقیت آمریکا در اعمال تحریم‌های علیه ایران پرداخته است. نویسنده در ابتدا با اشاره به برخی اظهارات مقامات ایران مبنی بر اینکه آمریکا با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده از ایران توانسته است در دور جدید تحریم‌ها راه‌های دور زدن ایران را در برابر تحریم‌ها شناسایی و سد نماید بر این نظر است که اگرچه شبکه‌های جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی در ایران فعال و در اقتصاد ایران نیز دارای نفوذ هستند، همیشه پیروز نبوده‌اند و موفقیت دور جدید تحریم‌ها تضمین شده نیست.

به اعتقاد نویسنده، ایران طیفی از ابزارها را برای دور زدن تحریم‌ها داشته و بسیاری از شرکای تجاری‌اش برای کمک به این کشور آماده‌اند. نویسنده در ادامه با اشاره به قطع سوئیفت و ترجیح کمپانی‌های غربی به خروج از ایران بر این نظر است که دولت‌های اروپایی مواجهه با ترامپ را انتخاب کرده‌اند. نویسنده به دو دلیل در این زمینه اشاره کرده است: اول، احساس حقارت و بی‌احترامی از سوی ترامپ و دوم، ترس آنها از ناتوانی خود در پر کردن خلأ قدرت ناشی از ناآرامی‌ها در ایران به‌خاطر تحریم‌های آمریکا؛ به طوری که آنها هراس دارند ایران به دولت ناکام دیگری در منطقه تبدیل گردد.

نویسنده در ادامه با اشاره به تلاش‌های آمریکا برای مقابله با تحریم‌های آمریکا از جمله سازکار ویژه مالی (SPV) بر این نظر است که همه شواهد نشان‌دهنده این حقیقت است که



اروپاییان برای کمک به ایران تلاش می‌کنند و ایران با کمک اروپا، چین، هند، روسیه و ترکیه قادر به حفظ خود هستند. به گفته نویسنده، اگر برنامه کوتاه‌مدت ایران، حفظ خود تا سال ۲۰۲۰ و به امید شکست ترامپ در انتخابات آمریکا باشد، در صورت پیروزی ترامپ، فروپاشی برجام و گسترش تنش میان ایران و آمریکا بیشتر می‌گردد.

## ۷

متن حاضر چکیده‌ای از مطالب ارائه‌شده در نشست است که از سوی شورای آتلانتیک در روز ۷ نوامبر برگزار و در آن موضوع چگونگی مقابله ایران با تحریم‌های آمریکا بررسی شده است. این گزارش به قلم *افرین افضل* با عنوان «**چگونه ایران در برابر تحریم‌های آمریکا خواهد ایستاد؟**» تهیه، و در روز ۱۵ نوامبر از سوی شورای آتلانتیک منتشر شده است. مهم‌ترین مطالب ارائه‌شده از سوی کارشناسان شرکت‌کننده در این نشست به قرار زیر است:

**هالی دگریس:** با توجه به خواست آشکار ترامپ برای ترک برجام، ایران از بیش از یک سال پیش خود را برای تحریم‌ها آماده کرده است. تحریم‌ها به مردم ایران پیش از حکومت آن صدمه می‌زنند. مردمی که به داروهای سرطان نیاز داشتند، حال برای دسترسی به این داروها با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهند شد. تحریم‌ها شکلی از جنگ‌اند که تولید ناخالص داخلی ایران را کاهش خواهند داد و بر بیکاری، شیوع فساد، و میزان هجرت ایرانیان از کشور خود خواهد افزود. خروج آمریکا از برجام اشتباه بود؛ این توافق می‌توانست بنیانی برای مذاکرات آتی باشد.

**باربارا اسلاوین:** همانند دگریس، خروج آمریکا را از برجام اشتباه، و سفر دو میلیون ایرانی به عراق (راهپیمایی اربعین) را فرصتی برای تغییر ریال به دلار دانسته است. به گفته اسلاوین، در بخش نفت، ایران مشتریان خود را از طریق ارائه حمل‌ونقل رایگان و استفاده از نفت‌کش‌ها و بیمه خود ترغیب خواهد کرد.

**الیزابت روزنبرگ:** تصمیم دولت ترامپ برای معافیت هشت کشور از خرید نفت ایران نشان‌دهنده نیاز آمریکا به عدم افزایش قیمت نفت است.

**مردیت سامپتر:** بعید است که هند واردات نفت خود را از ایران به صفر برساند؛ زیرا هرگونه افزایش قیمت می‌تواند به شانس ناندرا مودی در انتخابات ۲۰۱۹ آسیب برساند. علاوه‌براین، هند که روابط استراتژیک بلندمدت با ایران دارد نمی‌خواهد باعث نزدیکی ایران



به چین شود. چین شاید منتظر راهکار اروپایی یا گرفتن امتیاز از آمریکا بر سر مجادلات تجاری با این کشور باشد.

**دیوید مورتلوک:** بعید است که وضعیت سال ۲۰۱۲ برای ایران تکرار شود؛ زیرا در آن زمان، حمایت بین‌المللی از تحریم‌ها وجود داشت. کشورهای اروپایی، چین و روسیه امروز مخالف تحریم‌های آمریکا هستند.

## ۸

متن حاضر یادداشتی در نشریه نشنال اینترست از *امیلی لندتو*، با عنوان «جهان باید از استراتژی ترامپ بر سر ایران پشتیبانی کند» است که در روز ۱۳ نوامبر منتشر شده است. نویسنده در ابتدا با اشاره به تحریم‌ها و سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران بر این نظر است که دولت ترامپ انتظار دارد تحریم‌ها باعث شود تهران به پای میز مذاکره بر سر یک توافق هسته‌ای فراگیر و بی‌نقص بازگردد. به گفته نویسنده، میزان اثرگذاری تحریم‌ها در این راستا بستگی به ارزیابی نظام ایران در امکان ایستادگی در برابر فشارها دست کم تا سال ۲۰۲۰ دارد. تهران امیدوار است رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا رویکرد بهتری نسبت به ایران داشته باشد.

در این میان، به ادعای نویسنده، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ایران در برابر فشارهای شدید تسلیم می‌شود و واکنش‌های مثبتی نشان می‌دهد. بر همین اساس، نظام ایران ممکن است به این جمع‌بندی برسد که نمی‌تواند فشارها را تاب بیاورد و مجبور است برای کاهش فشارها امتیازهای هسته‌ای مضاعفی بدهد. نویسنده در ادامه به سیاست‌های ایران پرداخته و مدعی است برجام به تعادل در موضع‌گیری نظام اسلامی ایران منجر نشد و نظام در پیگیری آرزوهای منطقه‌ای‌اش در سراسر خاورمیانه، تخصصی‌تر عمل کرده است. نویسنده سپس به گزینه‌های پیش روی آمریکا در قبال ایران پرداخته و بر این نظر است که در گزینه‌های موجود در برابر ایران، از دست روی دست گذاشتن بر مبنای این توهم که توافق هسته‌ای جواب داده است تا تلاش‌های بی‌نتیجه دیپلماتیک با ایران و سناریوی تندتر اقدام نظامی، کارزار فشار اقتصادی بهترین گزینه با بهترین شانس موفقیت است. این امر برعهده کشورهاست که جدیت خود را در ارتباط با عدم گسترش جنگ‌افزار هسته‌ای نشان دهند و به‌جای تضعیف تلاش‌های دولت ترامپ، از آن حمایت کنند. اگر فشارها ایران را به میز



مذاکره بکشاند، نتیجهٔ خوب بستگی اساسی به استراتژی و تاکتیک‌های مؤثر در مذاکره و آموختن از ناکامی‌های مذاکرات منتهی به برجام دارد.

## ۹

فردریک کمپ در روز ۱۱ نوامبر مقاله‌ای را با عنوان «آزمون ترامپ در قبال ایران» در شورای آتلانتیک منتشر کرد. نویسنده در ابتدا با اشاره به برخی موضوعات مثل: افزایش هزینه‌های دفاعی کشورهای عضو پیمان ناتو، نزاع تجاری با چین، کشمکش با روسیه درباره نقض یک پیمان موشکی، خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی و نهایتاً فعالیت‌های هسته‌ای و منطقه‌ای ایران به عنوان اولویت‌های سیاست خارجی دولت ترامپ، بر این نظر است که به دو دلیل، در دو سال آینده ممکن است ایران به بزرگ‌ترین چالش تعیین‌کننده سیاست خارجی دولت ترامپ تبدیل شود: نخست آنکه، ایران مسئله‌ای است که مقامات دولت آمریکا درباره مقابله فوری با آن بیشترین همسویی را دارند و دوم، دولت ترامپ یک استراتژی سه‌وجهی را برای اجرای کارزار «فشار حداکثری» علیه ایران آغاز کرده است؛ از جمله: کسب حمایت بین‌المللی بیشتر و اجرای تحریم‌ها، افزایش بازدارندگی در قبال رفتارهای تهاجمی ایران و آگاهی افکار عمومی از فساد رهبران و سوءهزینه‌های آنها برای امور خارجی.

به اعتقاد نویسنده، در بهترین حالت، مقامات دولت ترامپ مایل‌اند ایران را به‌منظور تعمیق و گسترده کردن برجام به میز مذاکره بازگردانند. ترامپ هم ترجیح می‌دهد که یک معاهد جامع با ایران امضا کند که همه جنبه‌های یک رابطه دوجانبه را پوشش دهد؛ اما در آینده قابل پیش‌بینی آمریکا نخواهد توانست ایران را به میز مذاکره بازگرداند و از آن امتیازات گسترده بگیرد. ایران ممکن است در پاسخ به فشار تشدیدشده آمریکا به اقدامات مسلحانه و نظامی دست بزند.

به گفته نویسنده، مدافعان ترامپ استدلال می‌کنند که روش‌های او غیرمعمولی است. دو سال اول یک دوره ریاست‌جمهوری معمولاً صرف تعیین راه‌حل مسائل موردنظر می‌شود؛ بنابراین، بدیهی است که در دو سال بعدی باید محصول توافقات مسائل سیاست خارجی گوناگون که اکنون در جریان هستند برداشت شود. به باور نویسنده، در این میان، توسعه سیطره جمهوری‌خواهان بر سنا و تسلط دموکرات‌ها بر مجلس نمایندگان، زمینه را برای یک نبرد ویرانگر داخلی بین دو حزب درباره تحقیقات مولر و سایر مسائل مهیا می‌کند.



این نوع تفرقه سیاسی باعث می‌شود که رؤسای‌جمهور برای کسب موفقیت به خارج نگاه کنند؛ در خارج است که اختیارات رئیس‌جمهور بیشتر است. اما از میان همه موضوعات، این فضا توجه ویژه‌ای را به سمت ایران جلب خواهد کرد. در رابطه با ایران، ریسک‌ها بسیار زیاد و گستره نتایج، از جنگ منطقه‌ای گرفته تا تغییر نظام، بسیار وسیع است؛ با این حال، به اعتقاد نویسنده، احتمالاً این نزاع، بدون یک راه‌حل واضح، برای چندین سال ادامه می‌یابد. نویسنده در پایان با بیان اینکه نظام ایران در برابر تهدیدات داخلی و خارجی انطعاف‌پذیر است تصریح کرده: دولت ترامپ عزم خود را جزم کرده و ایران را دشمن درجه یک خود قرار داده است. به گفته کمپ، عاقلانه نیست که ایران این عزم را دست کم بگیرد.

## ۱۰

جان گلاسر در روز ۵ نوامبر مقاله‌ای را در نشنال اینترست با عنوان «پیش‌بینی شکست؛ تحریم‌ها در مورد ایران جواب نمی‌دهد» منتشر کرد. وی در این مقاله می‌گوید: دونالد ترامپ هیچ راهبرد واقعی‌ای در خصوص ایران ندارد و سیاست فشار حداکثری او در مقابل ایران، زاییده بغض و کینه‌اش برای پیشی گرفتن از رؤسای‌جمهور پیشین، تهدید ایران و فرمانبرداری از متحدان منطقه‌ای است. نویسنده در ابتدا با اشاره به طوفان خیالی ترامپ در مورد تهدید ایران و اقدامات وی علیه ایران بر این نظر است که تحریم‌ها رفتار ایران را بهتر نمی‌کند؛ زیرا کشورهای تحریم‌کننده سابقه بسیار بدی در تغییر رفتار کشور موردنظر از طریق اعمال تحریم‌ها دارند.

به گفته نویسنده، کاخ سفید بر این باور است که تحریم‌ها ایران را به اندازه‌ای تضعیف می‌کند که دیگر قادر به تأمین منابع لازم برای انجام سیاست‌های خود نخواهد بود؛ اما نویسنده با استناد به مطالعه اخیر گروه بین‌المللی بحران در مورد تحریم‌ها علیه ایران معتقد است که بین تأمین منابع ایران و رفتار منطقه‌ای آن رابطه چندانی وجود ندارد. بنا به گزارش گروه بین‌المللی بحران، حدی که در آن جمهوری اسلامی احساس تهدید یا فرصت کند، رفتار آن را تعریف می‌کند؛ بنابراین، سیاست‌های تهاجمی دولت ترامپ بیش از آنکه مانع فعالیت‌های منطقه‌ای ایران شود، آن را تشدید می‌کند، ضمن اینکه تحریم‌های اعمالی به مردم عادی از جمله از طریق دامن زدن به بیکاری، فقر، تورم، کمبود دارو و غیره آسیب می‌زند. به اعتقاد نویسنده، به‌طور قطع، سیاست دولت ترامپ از اعمال فشار حداکثری بر ایران،



وادار کردن این کشور برای ازسرگیری توافق هسته‌ای نبوده است؛ زیرا اگر اینگونه بود، ترامپ هیچ‌گاه از توافق بین‌المللی هسته‌ای که یکی از قوی‌ترین موافقت‌نامه‌های منع گسترش سلاح در تاریخ است خارج نمی‌شد. ازسوی دیگر، درحالی که ترامپ رفتار منطقه‌ای ایران را توجیه سیاست سختگیرانه خود علیه این کشور می‌داند، به‌سختی کسی می‌تواند باور کند که این سیاست رفتار ایران را تغییر می‌دهد. براین اساس، نویسنده معتقد است هدف ناگفته دولت ترامپ از تحریم‌ها این است که فشار را تا اندازه‌ای بر ایران افزایش دهد که ایران درنهایت پای میز مذاکره بیاید و به توافقی یکجانبه متعهد شود و حاکمیت خود را در ازای ذره‌ای مزایای اقتصادی و امتیاز از واشینگتن تسلیم کند.

## ۱۱

جیمز کلایپر و توماس پیکرینگ در روز ۹ نوامبر در وبگاه نشنال اینترست مقاله‌ای را با عنوان «**استراتژی ترامپ بدون متحدانش موفق نخواهد بود**» منتشر کردند. نویسندگان در این مقاله بر این نظردند که فقط فشارهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک چندجانبه با همکاران متعدد و متنوع می‌تواند نتایجی را که آمریکا به‌دنبال آن است محقق کند. نویسنده در ابتدا با اشاره به رمان معروف آگاتا کریستی به نام «و سپس هیچ‌کس آنجا نبود» که در آن افرادی که در یک مهمانی شرکت کرده‌اند، یکی پس از دیگری کشته می‌شوند، بر این نظر است که سیاست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، درقبال ایران هم چنین نتیجه‌ای داشته است. متحدان آمریکا که برای محدود کردن ایران از واشینگتن حمایت می‌کردند، مانند مهمانان داستان کریستی یکی پس از دیگری ناپدید می‌شوند.

نویسندگان در ادامه نشان می‌دهند که چگونه عربستان به‌عنوان بازیگر اصلی استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا به‌دنبال رسوایی قاشقچی از ایفای نقش خود عقب‌نشینی کرد و امارات نیز به همین سمت رفت. به باور نویسندگان، این روند به کاهش حمایت‌های بین‌المللی از آمریکا منجر شده و دولت ترامپ به‌گونه‌ای خطرناک منزوی شده است. به گفته آنها، خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای ایران حمایت از سیاست آمریکا را پایان داد.

نویسندگان می‌گویند: متحدان اروپایی آمریکا نیز نگران فعالیت‌های ایران در منطقه هستند، اما به‌شدت با اعمال تحریم‌های ثانویه علیه این کشور مخالف‌اند. آنها تحریم‌های جدید دولت ترامپ را نقض توافق هسته‌ای و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل می‌دانند و





از نظر آنها این اقدام تلاش برای تأثیرگذاری بر رفتار ایران را تضعیف می‌کند. در این میان، مقابله روزافزون آسیا و اروپا با نفوذ آمریکا نگرانی‌های عمیقی را درباره سلطه خزانه‌داری آمریکا و قدرت دلار در نظام اقتصادی جهان ایجاد کرده است و متحدان اروپایی آمریکا برای نخستین بار فعالانه تلاش می‌کنند خزانه‌داری آمریکا، تحریم‌ها و دلار را دور بزنند. نویسندگان در پایان بر این نظرند که روسیه، چین و کشورهای دیگر هم از فروپاشی اتحاد غرب و از بین رفتن سلطه آمریکا خوشحال می‌شوند. دولت ترامپ بدون حمایت بین‌المللی از استراتژی ایران نمی‌تواند به اهدافش در خاورمیانه دست یابد. نه اقدامات پنهانی و نه اقدامات نظامی به آمریکا برای رسیدن به اهدافش درباره ایران کمکی نمی‌کند. افزایش دشمنی و فشار شدید و یکجانبه دولت آمریکا بر ایران راه به جایی نمی‌برد. این فشار شدید مردم ایران و کشورهای دیگر منطقه را جسورتر کرده است و این پویایی به نفع آمریکا نیست. آمریکا نمی‌تواند نظام ایران را تغییر دهد و باید درباره تلاش برای تجاوز نظامی به ایران محتاط باشد.

## ۱۲

**بونی کریستین** در روز ۱۵ نوامبر مقاله‌ای را با عنوان «**تحریم‌های ایران برای آمریکا هم خطرناک است**» در نشنال اینترست منتشر کرد. وی در این مقاله به تبعات تحریم ایران برای آمریکا پرداخته است. نویسنده در ابتدا با اشاره به اجرایی شدن تحریم‌های آمریکا علیه ایران بر این نظر است که واشینگتن تلاش می‌کند به این وسیله ایران را وادار کند که در برابر خواسته‌هایش کوتاه بیاید، اما این انتظاری است که احتمالاً ناامیدی به دنبال خواهد داشت؛ زیرا این اقدامات به اندازه کافی سختگیرانه نیستند.

به اعتقاد کریستین، تحریم‌ها معمولاً بی‌اثرند و به‌ندرت می‌توانند قدرت را تحمیل کنند، ضمن اینکه شهروندان عادی و نه حکومت را تحت تأثیر قرار خواهند داد. نویسنده با تأکید بر اهمیت همکاری سازنده با ایران بر این نظر است که تهدید سلامت مردم، آسیب به روابط آمریکا با هم‌پیمانانش و درگیر شدن در جنگ سوم خلیج فارس از پیامدهای این تحریم‌ها هستند. چنین اقدامات تنبیهی بدون اینکه هیچ نتیجه مثبت قابل قبولی به دنبال داشته باشد، مسیری به سمت تقابل هرچه بیشتر است و در راستای همکاری سازنده، صلح و یا منافع آمریکا نخواهد بود. نویسنده در ادامه به بررسی نقش تحریم‌ها در پیشبرد سیاست خارجی آمریکا پرداخته و



بر این نظر است که تحریم‌ها در بهترین حالت ناپایدارند و نتایج مثبت و قابل اعتمادی به‌دنبال ندارند. به گفته کریستین، آنچه که یک‌بار کارایی داشته است، لزوماً بار دیگر هم کارایی نخواهد داشت و تکیه بر تحریم‌های سنگین‌تر خطر جنگ‌های غیرضروری و اجتناب‌پذیر را افزایش می‌دهد. همین‌طور بی‌شک، اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا علیه ایران موجب افزایش احساسات ضدآمریکایی در ایران خواهد شد.

در این میان، به‌کارگیری چنین سیاستی برای امنیت آمریکا خطرناک است؛ زیرا علاوه‌بر منزوی کردن این کشور در برابر هم‌پیمانانش، گزینه‌های آن را هم محدود می‌کند که احتمال تقابل نظامی را هم به‌دنبال دارد. به اعتقاد نویسنده، تنها گزینه این است که به‌وضوح از درگیری و بحران غیرضروری جلوگیری شود. خوشبختانه پایبندی ایران به توافق نشان می‌دهد که مذاکرات، امنیت آمریکا را در معرض خطر قرار نمی‌دهد.

### ۱۳

*دانیل برومبگ*، از اعضای ارشد غیرمقیم در مرکز عربی مستقر در واشینگتن در یادداشتی در تارنمای تحلیلی لوب‌لاگ با عنوان «سیاست‌های معیوب تحریم‌های آمریکایی علیه ایران» (۱۴ نوامبر) می‌نویسد: تصمیم دولت ترامپ برای اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران ناشی از استراتژی نادرست و درک به‌شدت ناقصی است که از سیاست ایران برداشت شده است. یک استراتژی صحیح با رویاهای تغییر نظام در ایران محقق نخواهد شد. به‌جای وادار کردن ایران به تسلیم در ماه‌های آتی، دولت آمریکا با نقشه‌ای پرسروصدا در منطقه و جهان روبه‌رو خواهد شد که توسط سه جریان پیش می‌رود: نخست، توسط آمریکا؛ دوم، توسط جمهوری اسلامی؛ و سوم، توسط گروهی از کشورها که به‌دنبال حفظ توافق برجام هستند.

مادامی که این سه نیروی رقیب به بازی خود می‌پردازند ایران به تلاش‌های خود برای شکل‌دهی به نقشه ژئواستراتژیک منطقه ادامه خواهد داد تا بتواند منافع خود را هرچه بیشتر حفظ و امن کند. نویسنده در ابتدا به نقد دیدگاه‌های هیئت حاکمه کاخ سفید پرداخته است که معتقدند: دقیقاً راه و روش ریگان درقبال شوروی را این بار درقبال ایران پی گرفته‌اند، درحالی‌که اشتباه می‌کنند. ترامپ مانند ریگان، و ایران نیز مانند شوروی نیست؛ چه‌بسا رفتاری که ریگان درقبال شوروی درپیش گرفته بود متفاوت با رفتار فعلی دولت کنونی درقبال تهران است. اکنون نیز با اعمال تحریم‌های نفتی علیه ایران و با درنظر گرفتن



مشکلات عدیده اقتصادی در کشور خیلی سخت بتوان پیش‌بینی کرد که در برابر خواسته‌های آمریکا و شروط موردنظر این کشور تسلیم شود.

نویسنده چند عنصر را در تضعیف راهبرد تحریمی آمریکا علیه ایران مؤثر می‌داند: اول، اتحاد و انسجام نیروهای سیاسی در داخل ایران در قبال راهبرد مقابله و مقاومت در برابر آمریکاست. این راهبرد از نگاه ایران نه جنگ و نه مذاکره با آمریکاست؛ دوم، تلاش‌های ایران برای دور زدن تحریم‌ها و فروش نفت به مشتریان خود از طریق سازکارهایی است که در دور پیشین تحریم‌ها نیز وجود داشت؛ عنصر سوم نیز ادامه پایبندی ایران به برجام است که باعث شده است اروپا، روسیه و چین را در کنار خود داشته باشد.

مسئله ایجاد سازکار ویژه اروپا با ایران نیز بازی انتظار است از جانب ایران و اروپا، که برون‌داد و نتیجه آن را خیلی سخت بتوان پیش‌بینی کرد. تا ماه‌های آینده، بازیگران کلیدی در این عرصه بازی انتظار پیچیده‌ای را پی خواهند گرفت که مشخصه آن، عدم قطعیت و شگفتی است. از جانب اروپا باید به تهران این اطمینان خاطر داده شود که طرح سازکار مالی کار خود را آغاز خواهد کرد.

## ۱۴

پل بیلار، کارشناس ارشد در مرکز مطالعات امنیتی دانشگاه جورج تاون در یادداشتی در تارنمای تحلیلی لوب‌لاگ با عنوان «گروهک منافقین و ورشکستگی سیاست آمریکا در قبال ایران» (۱۳ نوامبر) می‌نویسد: در میان بسیاری از سیاست‌های نادرست دولت ترامپ در قبال ایران، یکی از واضح‌ترین آنها خاطرخواهی گروهک منافقین است. افشاگری‌های اخیر نشان می‌دهد که بولتون برای سخنرانی در نشست این گروه در پاریس چهل هزار دلار و همچنین تاکنون ۱۸۰ هزار دلار از منافقین برای نمایش‌های متعددش در نشست‌ها و سخنرانی‌های این گروه پول دریافت کرده است.

نویسنده ادامه می‌دهد: اما منافقین بودجه لازم برای چنین هزینه‌هایی را چگونه تأمین می‌کنند؟ پاسخ این پرسش تا حدودی در سایه ابهام است، هرچند سرنخ‌های جدید نشان می‌دهد که رقبای منطقه‌ای ایران منبع درآمدهای این گروهک هستند.

نویسنده در ادامه می‌نویسد: باید تأکید کرد استفاده از گروهی همچون منافقین برای پیشبرد سیاست‌های ضدایرانی، ورشکستگی سیاست آمریکا را نشان می‌دهد؛ به عبارتی، اگر



منافقین در این بازی باشند، این بازی نمی‌تواند براساس دموکراسی، حقوق بشر یا حقوق مردم عادی ایران باشد. بولتون و دست‌کم برخی افراد دیگری که از این گروه حمایت می‌کنند به اندازه کافی باهوش هستند که از ماهیت واقعی این گروه خبردار شده باشند. این گروه بی‌شک علاقه‌ای به دموکراسی ندارند، بلکه در خرابکاری، تخریب و ترور در ایران توانمندند؛ توانایی‌ای که هنوز منافقین آن را رها نکرده‌اند.

## ۱۵

**دبیلو جی هنینگن**، از نویسندگان نشریه آمریکایی تایم در یادداشتی با عنوان «**تحریم‌ها علیه ایران قدرت دیپلماتیک آمریکا را مورد آزمون قرار می‌دهد**» (۸ نوامبر) می‌نویسد: دونالد ترامپ با وجود مخالفت تمام قدرتهای بزرگ جهان، طی شش ماه گذشته، نظام مالی بین‌المللی را به سلاحی علیه تهران بدل کرده است و از این کار دارد نتیجه می‌گیرد. این سیاست به خروج شرکت‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی از ایران منجر شده است. آنها ترجیح می‌دهند از سرمایه‌گذاری‌هایشان در ایران دست بکشند و هدف تحریم‌های وزارت دارایی آمریکا قرار نگیرند.

نویسنده ادامه می‌دهد: با اینکه پول آمریکا حرف اول و آخر را می‌زند و بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهان هم از آن تبعیت می‌کنند، معلوم نیست ترامپ به هدف نهایی‌اش از کارزار فشار حداکثری یعنی تضعیف نفوذ ایران در خاورمیانه برسد. آمریکا در تعیین اهدافی برای سنجش موفقیت سیاست‌هایش ابایی نداشته است. بیش از نهصد فرد، شرکت و بانک ایرانی تحریم شده‌اند. شرکت نفتی توتال، کشتیرانی مرسک و اتومبیل‌سازی پژو از شرکت‌های بزرگی هستند که تجارت با ایران را متوقف کرده‌اند.

به گفته نویسنده، با وجود تمام فشارهای اقتصادی، ایران برای یک دلیل ساده ممکن است پیروز بیرون بیاید: بخش عمده‌ای از جهان با حرکات آمریکا همراه نیست. بسیاری از کشورها، از چین گرفته تا بریتانیا، با ترک برجام به‌منظور مجازات رفتار بد منطقه‌ای ایران مخالف بوده‌اند. دولت ترامپ می‌گوید که مستثنا کردن هشت کشور از تحریم‌های نفتی نشانگر زیرکی دیپلماتیک آمریکاست و کارت‌هایی برای مانور در اختیار دولت می‌گذارد. باوجوداین، حتی حامیان دولت می‌گویند عدم حمایت بین‌المللی می‌تواند تلاش‌های آمریکا را برای به زانو درآوردن تهران ضعیف کند.



فیلیپ گوردون، دستیار ویژه اوباما رئیس‌جمهور سابق آمریکا در امور خاورمیانه، و رابرت مالی، رئیس گروه بین‌المللی بحران، در یادداشتی مشترک در تارنمای نشریه فارین پالیسی با عنوان «تفکر جادویی ترامپ در قبال تحریم‌ها علیه ایران باعث پیشبرد منافع آمریکا نمی‌شود» (۱۴ نوامبر) می‌نویسند: برخلاف تفکر شبه‌جادویی ترامپ، تحریم‌های کم‌رشدکن به سود منافع ملی آمریکا هم نیستند و نه تنها تهران را به همکاری متقاعد نخواهند کرد، بلکه اقدامات جدید آمریکا احتمال همکاری را از بین می‌برند. از دیدگاه ترامپ، تحریم‌ها شبه‌جادویی و ابزاری چندمنظوره هستند و ایران را به پذیرش یک توافق هسته‌ای اصلاح شده مجبور خواهند کرد. علاوه بر این، تحریم‌ها ممکن است باعث ناآرامی در ایران شوند.

از نگاه نویسندگان، خواسته‌های ترامپ آرزوهایی است که مطلقاً قابل تحقق نیستند؛ زیرا چیزی در تاریخ جمهوری اسلامی وجود ندارد که نشان دهد ایران در برابر خواسته‌های آمریکا، حتی با وجود فشار سنگین اقتصادی تسلیم می‌شود. دولت ترامپ با اعمال تحریم‌های جامعی که رفع آنها منوط به اجرای همه درخواست آمریکا است، تضمین می‌کند که ایران هیچ کدام از خواسته‌هایش را اجرا نخواهد کرد.

نویسندگان ادامه می‌دهند: رویکرد کنونی دولت ترامپ به منافع آمریکا در عراق هم آسیب می‌زند. با انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر جدید و عمل‌گرا در عراق، چشم‌اندازها برای تشکیل یک دولت فراگیر و مؤثر بیشتر شده است؛ امری که می‌تواند هم منافع آمریکا و هم منافع ایران را تأمین کند؛ اما اگر ایران متقاعد شود که آمریکا قصد دارد اقتصادش را نابود کند، ممکن است در جایی انتقام بگیرد که بیشترین نفوذ را دارد. احتمالاً این انتقام در عراق اتفاق بیفتد؛ جایی که نیروهای شیعی نزدیک به ایران ممکن است به راحتی نیروهای آمریکایی را هدف قرار دهند. حتی اگر این امر اتفاق نیفتد، تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی بر ایران، تأثیر ویرانگری بر اقتصاد ضعیف عراق خواهند داشت.

نویسندگان در پایان بر این نظرند که مقامات دولت ترامپ در هفته‌های اخیر به خودشان تبریک گفته و پیشاپیش بازگشت تحریم‌ها را موفقیت قلمداد کرده‌اند؛ زیرا سرمایه‌گذاری در ایران و صادرات نفت آن کمتر شده است؛ اما مسئله این نبوده است که آمریکا می‌تواند به ایران درد و رنج تحمیل کند یا خیر؛ بلکه موضوع این بوده است که آیا این درد، به تأمین منافع آمریکا کمک می‌کند یا خیر. در این زمینه، تحریم‌های ترامپ نه تنها



باعث همکاری ایران نشد، بلکه ایالات متحده در حال به‌دست آوردن نتیجه عکس است.

## ۱۷

ویسل کورت، کارشناس مسائل منطقه و ایران در بنیاد مطالعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه، در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۸ یادداشتی را در این مرکز منتشر کرده است با عنوان «آیا تحریم‌های ایران موفقیت‌آمیز خواهد بود؟» که در آن، ضمن توضیح اقدامات تحریم آمریکا درباره کشورهای دیگر، بر اثربخش بودن تحریم‌های ایران تأکید دارد. وی در این زمینه تحریم عراق در زمان صدام حسین را مثال می‌زند و معتقد است: هرچند آمریکا نتوانست با تحریم اقتصادی صدام را به پای میز مذاکره و قبول شرایط خود وادار کند، همین تحریم‌ها قدرت ارتش عراق را بسیار کاهش داد و در نتیجه، در زمان حمله آمریکا به عراق، صدام در واقع ارتش آنچنانی در اختیار نداشت. ویسل کورت در ادامه در خصوص موفقیت‌آمیز بودن تحریم‌های آمریکا علیه ایران معتقد است: از نظر اقتصادی، این تحریم‌ها با موفقیت همراه خواهد بود؛ زیرا شرکت‌ها اصولاً به دنبال تحلیل هزینه - فایده هستند و اکثر کشورهای معترض به تحریم‌ها مانند چین، فرانسه و غیره در عمل آمریکا را همراهی می‌کنند.

از نگاه این کارشناس، آینده این تحریم‌ها تا اندازه زیادی نامشخص است؛ زیرا درک هدف اصلی ترامپ از آنها کاملاً روشن نیست. به اعتقاد کورت، دولت ترامپ دو هدف متفاوت می‌تواند از این تحریم‌ها داشته باشد که اولی، محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای و قدرت منطقه‌ای ایران است که دولت آمریکا نیز اگر به دنبال این هدف باشد، قصدش تحمیل شرایط جدید به ایران است و در این صورت، باید طرف‌های خارجی هرچه سریع‌تر وارد مذاکره با ایران شوند؛ ولی اگر ترامپ به‌خاطر پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰ در آمریکا دست به این کار زده باشد می‌توان گفت این تحریم‌ها عمر دوساله‌ای خواهد داشت.

## ۱۸

سییل کارائیل، کارشناس مسائل آمریکا و اروپا در مرکز تحقیقات استراتژیک فرزنانگان ترکیه که مسئول هماهنگی تحقیقات در این مرکز نیز هست، در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب‌های فراآتلانتیک توافق هسته‌ای ایران بعد از روی کار آمدن ترامپ» که خلاصه آن



در پایگاه اینترنتی مرکز یادشده به تاریخ ۶ نوامبر ۲۰۱۸ درج شده است، وضعیت توافق هسته‌ای را در روابط آینده ایران و اتحادیه اروپا، و اهداف آمریکا را در خروج یک‌طرفه از این توافق بعد از روی کار آمدن ترامپ مورد ارزیابی قرار داده است.

هرچند متن کامل مقاله هنوز در دسترس عموم قرار نگرفته، آنچه از خلاصه این مقاله می‌توان استنباط کرد این است که از نگاه این کارشناس، آمریکا به‌خاطر به‌دست آوردن منافع حداکثری در دوران ترامپ و مجبور کردن ایران به انعقاد قرارداد جدید که تضمین‌کننده حداکثر منافع برای واشینگتن باشد، به خروج یک‌طرفه از برجام اقدام کرده است و این سیاست یکجانبه‌گرایانه آمریکا علاوه‌بر آثار و تبعات منفی در نقاط مختلف جهان، از یک‌سو ممکن است سبب ایجاد شکاف میان آمریکا و اتحادیه اروپا در آینده شود و از سوی دیگر، مناسبات ایران و اتحادیه اروپا را وارد مرحله جدیدی نماید که دو طرف به‌صورت مستقل از آمریکا، روابط متقابل را بازتعریف کنند.

کارابنل شکاف احتمالی بین آمریکا و اتحادیه اروپا به‌خاطر خروج آمریکا از توافق هسته‌ای را نوعی شکاف فرآتلاتتیکی می‌داند که در صورت وقوع این شکاف، ماهیت مناسبات آمریکا و اروپا وارد روند جدیدی خواهد شد که ممکن است در آینده سایر ابعاد همکاری‌های فرآتلاتتیکی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

## ۱۹

اندیشکده شورای روابط خارجی اروپا یادداشتی را با عنوان «**آخرین موج تحریم‌های آمریکایی علیه ایران**» به قلم *الی گرانمایه و اسفندیار باتمانقلیچ* در نوامبر ۲۰۱۸ منتشر کرده است. با تحمیل بخش نهایی تحریم‌ها علیه ایران که شامل صادرات نفت، بانکداری، بیمه و کشتیرانی می‌شود، اگرچه آمریکا مدعی بود این تحریم‌ها هیچ‌گونه فضای تنفسی برای ایران باقی نمی‌گذارد، از دید نویسندگان، هنوز امیدهایی برای دور زدن تحریم‌ها یا عبور از آنها وجود دارد.

نویسندگان به معافیت‌های صادرات نفتی ایران به‌عنوان یک نقطه امید نگاه می‌کنند که نشان می‌دهد آمریکا هدف پیشین خود را که به صفر رساندن صادرات نفتی ایران بود، به نفع قیمت جهانی نفت کنار گذاشته است. از طرف دیگر، دسترسی ایران به سوئیت محدود شده، اما مسدود نشده است. به گفته نویسندگان، برخی از بانک‌های ایرانی هنوز در معرض



تحریم قرار نگرفته‌اند و احتمال دارد که ارتباط آنها با سوئیفت همچنان برقرار بماند. در مرحله کنونی، فقط برخی از بانک‌های ایرانی از نظام جهانی مالی طرد شده‌اند. از سوی دیگر، همچنان به همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی در موارد محدود اجازه داده شده است. به گفته نویسندگان، طرح ساز کار اقدام ویژه مالی یا اس‌پی‌وی پیشنهادی اروپا، به‌عنوان ساز کاری که تجارت با ایران را تسهیل می‌کند، نقطه‌ای امیدوارکننده برای تجارت بین ایران و دیگر کشورهاست.

باین‌حال، از نظر نویسندگان، اقدامات آمریکا علیه بانک‌های ایرانی، تجارت بشردوستانه را محدود می‌کند که این مسئله بر زندگی عادی ایرانیان اثرگذار خواهد بود. در این دور جدید تحریم‌ها، هواپیماهای غیرنظامی و وسایل نقلیه دریایی نیز تحریم شده‌اند. آمریکا تلاش می‌کند ساز کار اس‌پی‌وی اروپا را با دقت مورد نظارت و کنترل قرار دهد و این نگرانی وجود دارد که علی‌رغم احتیاطی که اروپا و دیگر حامیان برجام برای حفظ بعد اقتصادی این توافق در نظر دارند، آمریکا درصدد مجازات کشورهایی برآید که به دور زدن تحریم‌های ایران کمک می‌کنند. باین‌حال، برای اروپا حیاتی است نشان دهد توانایی اجرای اس‌پی‌وی و انجام اقدامات لازم برای حفظ سیاسی و اقتصادی برجام را دارد و به آمریکا نشان خواهد داد برجام در طوفان آمریکایی نیز پابرجا می‌ماند.

## ۲۰

متن حاضر یادداشتی است با عنوان «روایت‌های معمول و تحریم‌های جدید علیه ایران» که به قلم محمد علوش در ۷ نوامبر ۲۰۱۸ در تارنمای شبکه المبادین منتشر شده است. به باور نویسنده، بسیاری از متحدان آمریکا از جمله رژیم صهیونیستی معتقدند که تحریم‌های کنونی علیه ایران منجر به سقوط نظام جمهوری اسلامی در این کشور می‌شود. نویسنده بیان می‌دارد که سیاست‌های ایران در راستای گسترش تشیع و حمایت از جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، حزب‌الله لبنان، تشکیل شبه‌نظامیان مسلح در عراق و همچنین برهم زدن امنیت کشورهای حاشیه خلیج فارس است. وی در ادامه بیان می‌دارد کشورهایی که بیشترین ضرر را در تحریم‌ها می‌بینند و کمترین دشمنی را با ایران دارند، انگلستان، آلمان، فرانسه، روسیه و ترکیه هستند. به باور نویسنده، اتهاماتی که آمریکا با استفاده از آنان خروج خود را از توافق‌نامه





هسته‌ای با ایران توجیه کرده، سال‌هاست که پابرجاست. در همین راستا، هیچ‌یک از کشورهای پنج‌گانه ذکر شده، توافق‌نامه هسته‌ای با ایران را به ضرر جامعه بین‌المللی ندانسته‌اند. اکنون آمریکا در تلاش است که توافق‌نامه جدیدی با ایران امضا کند، اما چه تضمینی وجود دارد که بعد از تغییر رئیس‌جمهور این کشور، آمریکا باز هم به تعهدات خود به ایران پایبند باشد؟

علوش معتقد است که وضع تحریم‌های جدید علیه ایران به دلیل استمرار دشمنی این کشور با آمریکا و رژیم صهیونیستی است. ایران اکنون دارای قدرت و تأثیر فراوانی در منطقه، پیشرفت‌های نظامی، بی‌نیازی تقریبی از خارج برای تولید کالاهای مورد نیاز خود و نسبت به کشورهای عربی توسعه‌یافته‌تر است. نویسنده بیان می‌دارد که تحریم‌ها قبلاً موفق به تغییر موضع ایران نشده‌اند. آیا اکنون به راحتی می‌توان موضع این کشور را در مقابل آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان تغییر داد؟

## ۲۱

متن حاضر یادداشتی است با عنوان «تأثیر تحریم‌های آمریکا بر ایران» که به قلم لیلی نقولا در ۷ نوامبر ۲۰۱۸ در تارنمای شبکه‌های میادین منتشر شده است. نویسنده بیان می‌دارد که دوره دوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران پس از خروج رئیس‌جمهور آمریکا از توافق‌نامه هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران، علیه این کشور وضع شده است. به اعتقاد نویسنده، با آغاز دور جدید تحریم‌ها، اقتصاد ایران با مشکلات بیشتری روبه‌رو خواهد شد. همچنین با وجود تأثیر منفی تحریم نفت بر اقتصاد این کشور، اهداف آمریکا از وضع این تحریم‌ها به دلایل زیر محقق نخواهد شد:

۱. اقتصاد ایران سال‌هاست که با تحریم‌های گوناگون روبه‌روست. گفتنی است که این تحریم‌ها منجر به افزایش خودباوری و تکیه بر تولیدات داخلی شده است؛  
۲. وضع دوباره تحریم‌ها علیه ایران و خروج آمریکا از توافق‌نامه هسته‌ای با این کشور، آمریکا را به عنوان یک متحد غیرقابل اعتماد به همگان نشان داده است. این امر منجر می‌شود که در داخل ایران گروه‌های مختلف مردمی خواستار مقابله با آمریکا شوند و از موضع جمهوری اسلامی حمایت کنند؛

۳. معافیت هشت کشور از تحریم نفتی ایران توسط آمریکا نشانگر این مسئله است که



نفت ایران مانند گذشته به فروش خواهد رسید؛

۴. عملکرد رئیس‌جمهور آمریکا موجب مقاومت کشورهای اروپایی در برابر این کشور شده است. این شرایط برای ایران فرصتی است که خود را پایبند به قوانین بین‌المللی معرفی کند. نویسنده معتقد است که تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی نمی‌تواند منجر به تسلیم شدن ایران شود؛ زیرا این کشور سال‌هاست که راه فرار از تحریم‌ها را به‌خوبی می‌داند. همچنین ایران از قدرتی استراتژیک در منطقه برخوردار است که تاکنون از آن استفاده نکرده است.

## ۲۲

علی‌الله در یادداشتی با عنوان «تحریم‌های آمریکا علیه ایران جنگ جهانی است» که در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸ در تارنمای مرکز العربی‌الجدید منتشر شده است بیان می‌دارد: خروج رئیس‌جمهور آمریکا از توافق نامه هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران و از سرگیری تحریم‌ها علیه این کشور، کشورهای سرمایه‌گذار در ایران را متوجه بی‌نتیجه بودن تصمیمات بین‌المللی خود کرد. در همین راستا، نویسنده اذعان دارد که تحریم‌های آمریکا بیشتر از آنکه متوجه نظام این کشور شود، مردم ایران را تحت فشار قرار می‌دهد.

تحریم‌های آمریکا علیه ایران شامل دو دوره است: ۱. در ماه اوت آغاز شده و بخش غیرنفتی را مورد هدف قرار داده است؛ از جمله: معاملات با دلار، معاملات مربوط به اوراق بهادار ایرانی، تجارت طلا، نقره، معادن گرانبها و غیره. ۲. در ماه نوامبر آغاز شده است و هدف آن نفت و پتروشیمی است. شایان ذکر است که طبق اعلام مایک پامپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، هدف دور دوم تحریم‌ها ممانعت از صادرات نفت ایران به‌طور کامل است.

به باور نویسنده، اقدامات ایران در برابر تحریم‌های آمریکا شامل دو اصل اساسی است: ۱. عدم تسلیم در برابر تصمیمات آمریکا؛ ۲. تکیه بر اقتصاد داخلی که آن را به نام اقتصاد مقاومتی نام‌گذاری کرده‌اند. در همین راستا، برخی اقدامات ایران در برابر آمریکا عبارت است از: تلاش برای تحقق خودکفایی، تقویت مقاومت و انعطاف‌پذیری در برابر تحریم‌ها، پیشرفت برنامه موشکی از طریق افزایش برد موشک‌ها، تأثیر در کشورهای عربی از جمله لبنان و عراق، مقابله با نفوذ آمریکا در شرق فرات، همکاری با روسیه و چین و افزایش فشار بر کشورهای عضو اتحادیه اروپا.

العبدلله معتقد است که هدف اصلی آمریکا از ایجاد ممانعت در صادرات نفت ایران،



محروم کردن این کشور از منبع درآمد فراوانی است که در برنامه‌های موشکی و ایجاد نیروهایی خارج از مرزهای خود استفاده کرده است. همچنین معافیت هشت کشور از تحریم‌های ضدایرانی و تلاش محافظه‌کاران آمریکایی برای باقی ماندن ایران در شبکه بانکی سوئیفت نشانگر این مسئله است که در تحریم‌های آمریکا راه فرار هم هست که ایران می‌تواند از آن استفاده کند.

## ۲۳

مورگان رایت، کارشناس استراتژی امنیت سایبری و تروریسم سایبری، مقاله‌ای را با عنوان «آسیب شدید به عملیات سیا در ایران و چین برای سال‌های مدید» در نشریه هیل وایسته به کنگره آمریکا در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۸ منتشر کرد. وی مقاله خود را با طرح این پرسش‌ها شروع می‌کند که: آیا سازمان سیا ابزار نفوذ خود را برای جاسوسی از دست داده است؟ و آیا ممکن است این سازمان اطلاعاتی که بسیاری از تجهیزات و دستگاه‌های الکترونیکی را اختراع و ابداع کرده، پیشاهنگ فناوری نوین دستگاه‌هایی مانند تلفن‌های همراه آیفن و بلک‌بری بوده باشد؟

بنا به اعلام نویسنده، سیا ده‌ها جاسوس و مأمور خود را بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ در چندین کشور مختلف جهان از طریق جستجوهای ساده در گوگل از دست داده است. به گفته رایت، فاجعه‌بارترین ناکامی سیا در دو کشور ایران و چین رقم خورده است. به گفته یکی از مقامات بلندپایه اطلاعاتی آمریکایی، سازمان سیا همچنان درگیر پیامدهای این شکست بوده و ده‌ها نفر از مأموران سیا در سراسر دنیا به همین دلیل جان خود را از دست داده‌اند.

به عقیده نویسنده، این شکست‌ها البته قابل پیش‌بینی بود و جان رییدی، مسئول پیشین استخدام عوامل اطلاعاتی سیا در داخل ایران، در سال ۲۰۰۶ در این مورد هشدار داده بود. وی آسیب‌پذیری فراوان سازکار ارتباطی مخفی عوامل سیا با مرکز این سازمان را گوشزد کرد و حتی گفت: احتمالاً هفتاد درصد از عملیات‌ها به‌همین دلیل لو رفته است؛ اما سازمان سیا به‌جای رفع این نواقص و محافظت از مأمورانش که از این روش‌ها استفاده می‌کردند، «رییدی» را به بهانه اینکه در روند کاری اختلال ایجاد کرده است برکنار کرد.

نویسنده سپس اذعان می‌کند که بیش از سی نفر از عوامل اطلاعاتی سیا در ایران، لبنان و چین به‌همین دلیل کشته شدند. به گفته رایت، ایران نخستین کشوری بود که



توانست شبکه ارتباطی سیا را باز کند. ایرانی‌ها این کار را از طریق یک نتیجه‌گیری ساده انجام دادند. آنها جستجوی گسترده‌ای را آغاز کردند و با بررسی اینکه چه کسانی از اطلاعات بخش‌های حساس خود استفاده می‌کردند، موفق به شکار اهداف خود شدند؛ به عبارت دیگر، ایران با استفاده از یک جستجوی ساده در گوگل همه سایت‌های دیگری را که سیا از آنها استفاده می‌کرد شناسایی نمود.

در ادامه این مقاله آمده که مقامات اطلاعاتی آمریکایی از توانمندی بسیار زیاد ایران برای مقابله با جاسوسی سایبری کاملاً اطلاع داشتند؛ اما این موضوع که ایرانی‌ها توانستند با استفاده از تکنیکی که یک مقام اطلاعاتی آمریکا آن را شیوه‌ای پیش‌پاافتاده توصیف کرده بود، تمامی شبکه جاسوسی آمریکا را کشف و آمریکایی‌ها را متعجب کند. ظاهراً، ایران این تجربه در شناسایی شبکه جاسوسی آمریکا را در سال ۲۰۱۱ در اختیار چین قرار داد و در نتیجه، ده‌ها عامل سیا نیز در چین شناسایی شدند.

## ۲۴

تینی اراستو، محقق مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم در یادداشتی در تارنمای تحلیلی لوب‌لاگ با عنوان «کالبدشکافی نگرانی‌های بین‌المللی در مورد موشک‌های ایران» (۱۶ نوامبر) با اشاره به تحولات چند ماه اخیر در روابط میان ایران و غرب و به‌خصوص آمریکا و خروج آمریکا از برجام می‌نویسد: فارغ از مسئله برنامه هسته‌ای، مسئله برنامه موشک‌های بالستیک ایران نیز از جمله نگرانی‌های آمریکا و مورد اشاره ترامپ برای خروج از برجام بود. اروپا نیز در یک سال اخیر علی‌رغم مخالفت‌های خود با اقدام یکجانبه آمریکا برای خروج از برجام و تلاش برای محافظت از تحریم‌های اعمال شده از جانب واشینگتن، در مورد مسئله موشک‌های ایران و برنامه روبه‌گسترش آن نیز به‌مانند آمریکا نگرانی‌های خود را ابراز کرده است.

نویسنده ادامه می‌دهد: ایران همواره مخالف انجام مذاکره بر سر برنامه موشکی خود بوده است. برنامه موشکی ایران را باید عنصری مهم در قالب اقدامات بازدارنده این کشور در قبال تهدیدات آن دانست. با فرض اینکه فضای سیاسی میان طرفین بهبود یابد، بازهم امید کمی وجود دارد به اینکه ایران بر سر این مسئله با غرب مذاکره کند؛ زیرا با خروج یکجانبه آمریکا از برجام، ایران اعتمادی به این کشور ندارد. با این حال، در چند ماه اخیر، ایران در آزمایش موشک‌های برد بلند خود خویشتنداری نشان داده است و در مواردی نیز با موشک‌های برد کوتاه خود اهدافی را در سوریه مورد حمله قرار داده است.



به عقیده نویسنده، اتحادیه اروپا می‌تواند به دنبال برقراری ارتباط و ایجاد تعامل با کشورهای منطقه غرب آسیا باشد تا براساس آن، درمورد فعالیت‌های منطقه‌ای و موشکی ایران مذاکره کنند. به‌جای شروع مسئله حساسیت‌برانگیز مذاکرات موشکی با ایران، این گفتگوها می‌تواند بر مبنای ایران‌هراسی با ادعای تهدیدات ایران برای منطقه و اقدامات اعتمادساز آغاز شود. در راستای این گفتگوها می‌توان به مسیری برای مذاکرات مرتبط با مناقشات منطقه‌ای و درنهایت، رسیدن به قانون مشترک برای کنترل تسلیحات (نه تنها تسلیحات موشکی ایران، بلکه قابلیت‌های نظامی دیگر در منطقه نظیر نیروهای مقاومت) دست یافت.

## ۲۵

*الی کلیفتون، فعال سیاسی، در یادداشتی در تارنمای تحلیلی لوب‌لاگ با عنوان «درشویتز ۱۲۰ هزار دلار از اندیشکده ضداسلامی گیت استون پول دریافت کرده است» (۱۵ نوامبر) می‌نویسد:* پروفیسور آلن درشویتز، استاد بازنشسته بخش حقوق دانشگاه هاروارد، دو سال اول دولت دونالد ترامپ را به دفاع از وی در برابر هرگونه اعلام جرم و احضار به دادگاه گذراند و به منتقدان کاخ سفید حمله کرد و از برت کاوانا برای عضویت در دیوان عالی حمایت کرد. وی که از منتقدان سرسخت برنامه هسته‌ای ایران نیز هست، به دلیل کارهایی که در راستای سیاست‌های ضد مهاجرتی و ضداسلامی ترامپ کرده بود، فقط در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۲۰ هزار دلار پول از اندیشکده گیت استون دریافت کرد. نویسنده در ادامه به معرفی مؤسسه گیت استون و مواضع و رویکردهای اسلام‌هراسانه آن پرداخته است: گیت استون به رهبری جان بولتون و آلن درشویتز، جریانی دائمی از نظریه‌های توطئه‌آمیز علیه مسلمانان، اشتباهات مربوط به پناهندگان و هشدارهای وحشت‌آوری درمورد اسلام در اروپا را رواج می‌دهد. این اندیشکده تلاش دارد مهاجران و پناهندگان مسلمان را به‌عنوان تهدیدی برای موجودیت اروپا و ایالات متحده نشان دهد و ادعا می‌کند مهاجران بیماری‌های عفونی بسیار شدید و تروریسم را به هر کشوری که آنها را می‌پذیرد می‌برند. این اندیشکده سال‌ها با انتقاد از دولت اوباما از سیاست‌های متعصبانه و سنتی وی درباره مسلمانان در برابر مسیحیان انتقاد می‌کرد. ناگفته نماند درشویتز علاوه‌بر مشاوره دادن به گیت استون، برای بزرگ‌ترین حامی مالی ترامپ یعنی شلدون ادلسون یکی از ثروتمندترین حامیان یهودی کارزار انتخاباتی ترامپ از ۲۰۰۱ تا مارس ۲۰۱۶ فعالیت می‌کرده است.



## ایران و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا

در مجموعه گزارش‌های راهبردی - تحلیلی و مقاله‌های گردآوری‌شده در این بخش، مهم‌ترین ارزیابی‌ها و رویکردهای تحلیلی‌گران و کارشناسان کشورهای مختلف درخصوص آخرین تحولات جمهوری اسلامی ایران و امنیت منطقه‌ای غرب آسیا بیان شده است.

### ۲۶

اندیشکده فرانسوی ایفری یادداشتی را با عنوان «**عربستان سعودی می‌خواهد رقابت نفتی را افزایش دهد**» به قلم/ولویوه/اوپرت در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۸ منتشر کرده است. به گفته اوپرت، عربستان سعودی تصمیم گرفته است با توجه به کاهش قیمت نفت از ۸۵ دلار به هفتاد دلار در شش هفته گذشته، برای نظارت بر بازار، صادرات خود را کاهش دهد. از دید او، علت این تصمیم عربستان ظهور سردی در روابط عربستان و آمریکا است که با توجه به آن، تعهد پیشین ریاض مبنی بر افزایش تولید نفت با خروج ایران از بازار نادیده گرفته شده است. از نظر این کارشناس، در بازار نفت نیز شرایط تغییر کرده و افزایش تولید پیش‌بینی‌شده از سوی اوپک برای جبران کاهش صادرات نفت ایران پس از تحریم‌های واشینگتن با اعطای معافیت به برخی کشورها فراهم شده است. بنابراین، تا چند ماه آینده همچنان می‌توان از بازار ایرانی بهره‌مند شد؛ در نتیجه، در ماه آینده، ذخایر انبارها با تورم روبه‌روست و قیمت نفت بیست درصد کاهش خواهد یافت. تصمیم عربستان سعودی تمایل اوپک برای ممانعت از بروز شرایط سال ۲۰۱۴، پیش از سقوط شدید قیمت نفت را نشان می‌دهد. از دید نویسنده، پس از اعلام ریاض برای کاهش تولید، واکنش بازار فوری بوده است. باین حال، عربستان هنوز باید شرکای خود را در اوپک و همچنین در روسیه برای انطباق با این رویکرد متقاعد کند تا تأثیر بیشتری را بر قیمت شاهد باشد. در آمریکا بسیاری از



تحلیلگران تردید دارند که ظرفیت تولیدکنندگان نفت شیل بتواند لجستیکی کافی را فراهم آورد و اگر اوپک به توافق برسد، نفت شیل یارای رقابت با آن را ندارد؛ تصمیم عربستان برای مصرف‌کنندگان خبر خوشی است.

## ۲۷

*الدار مامدوف*، مشاور سیاسی کمیته روابط خارجی پارلمان اروپا، در یادداشتی در تارنمای تحلیلی لوب‌لاگ با عنوان «**روابط عربستان سعودی و اروپا پس از قاشقجی: کاری طبق معمول؟**» (۱۳ نوامبر) می‌نویسد: علی‌رغم گذشت بیش از یک ماه از قتل جمال قاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد حکومت عربستان توسط عوامل سعودی در استانبول، موضوع همچنان در اذهان زنده است.

به گفته مامدوف، اعضای پارلمان اروپا در جریان رأی‌گیری برای محکوم کردن قتل قاشقجی، نه‌تنها به مسئله قتل این روزنامه‌نگار، بلکه به طوماری از سوءرفتارهای سعودی اشاره کردند و از گسترش وهابیت تا جنگ علیه یمن و بازداشت دسته‌جمعی فعالان زن و سایر مخالفان پادشاهی را نیز از نظر گذراندند. گفتنی است که پارلمان اروپا به‌ندرت درباره موضوعات مرتبط با سیاست خارجی به نظر واحدی می‌رسد؛ اما قتل قاشقجی باعث شد که خشم انباشته‌شده اعضای پارلمان اروپا از رفتارهای نامطلوب عربستان به‌یک‌باره فوران کند. نویسنده در ادامه این سؤال را مطرح می‌کند که آیا خشم ناشی از قتل قاشقجی در نهایت منجر به اقدامات تنبیهی اتحادیه اروپا علیه ریاض خواهد شد. تاکنون، پیام‌های سیاسی تند مجلس اروپا باعث نشده است که دولت‌های عضو اتحادیه موضع یکپارچه‌ای درمقابل عربستان اتخاذ کنند؛ مانند آنچه در واکنش به موضوع کریمه انجام دادند.

نویسنده نتیجه می‌گیرد سیاست خارجی مشترک اروپایی همچنان بیش از آنکه واقعیت باشد یک آرزوست: منافع ۲۸ عضو همیشه هماهنگ نیست و رقابت میان آنها از بین نرفته است؛ در نتیجه، آنها در موارد اندکی به اشتراک می‌رسند. حتی اگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بخواهند خواسته‌های پارلمان اروپا را نادیده بگیرند، ممکن است عوامل دیگری آنها را مجبور به تغییر مواضع خود کند.

افشاگری‌های دنباله‌دار ترکیه درمورد جزئیات قتل قاشقجی و فشار روبه‌افزایش در واشینگتن برای توقف حمایت بی‌قیدوشرط از عربستان سعودی به این معناست که این



بحران برای محمد بن سلمان بی‌عواقب نخواهد بود و ادامه روابط به‌شکل معمول را بسیار دشوار و خطرناک کرده است. دولت‌های عضو اتحادیه اروپا هرچه زودتر این واقعیت را درک و از این رژیم دوری کنند، کمتر احتمال دارد که در بحران بعدی که بن سلمان ایجاد خواهد کرد درگیر شوند.

## ۲۸

نظیر/ احمد میر، تحلیلگر پژوهشی مقیم در مؤسسه مطالعات و تحلیل‌های دفاعی در مقاله «**روابط پاکستان - عربستان سعودی؛ ساکناناران و چالش‌ها**» که روز ۲۴ اکتبر توسط این اندیشکده هندی منتشر شده، ضمن آسیب‌شناسی روابط پاکستان و عربستان سعودی، نقش و تأثیر ایران را در دوری و نزدیکی آن دو بررسی کرده است.

از دید نویسنده، انتخاب سعودی به‌عنوان مقصد اولین سفر عمران خان نشان داد که او برخلاف وعده انتخاباتی خود مبنی بر نداشتن سفر خارجی طی سه ماه نخست مسئولیتش، تمایلی به نقض سنت نخست‌وزیران پیشین پاکستان ندارد؛ اما عمران خان در این سفر، علاوه بر تبرک جستن از حرمین شریفین، چند هدف دیگر را دنبال می‌کرد:

۱. وی همچون اسلاف خود با سفر به عربستان بر جایگاه این کشور در سیاست و اقتصاد پاکستان تأکید کرد؛ ۲. بی‌اعتنایی عملی به دعوت رسمی آقای روحانی از عمران خان برای انتخاب ایران به‌عنوان نخستین مقصد خارجی خود؛ ۳. نیاز مبرم پاکستان به تداوم کمک‌های مالی ریاض که آخرین آن، پرداخت دو میلیارد دلار برای برگرداندن ثبات به اقتصاد روبه‌زوال پاکستان بود؛ ۴. حدود دو میلیون مهاجر پاکستانی در عربستان سالیانه پنج میلیارد دلار به کشورشان می‌فرستند؛ ۵. با توجه به تراز منفی تجارت دو کشور به سود سعودی به‌دلیل واردات انبوه نفت این کشور به پاکستان، عمران خان سعی دارد این تراز را با افزایش صادرات غیرنفتی و محصولات شیمیایی به عربستان، تاحدی به نفع اسلام‌آباد متوازن کند؛ ۶. درخواست تداوم حمایت لجستیکی و مالی سعودی از برنامه‌های دفاعی پاکستان در چهارچوب همکاری‌های دفاعی و امنیتی طرفین و در ازای واردات روزانه پنجاه هزار بشکه نفت از عربستان.

درعین‌حال، به باور نویسنده، روابط اسلام‌آباد - ریاض با محدودیت‌های خاصی روبه‌روست که ایران در کانون آنها قرار دارد و می‌تواند چالش‌های جدی‌ای را در این روابط





ایجاد کنند. از جمله تلاش اسلام‌آباد برای بی‌طرف ماندن در رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان که این اقدام با صدور اجازه پذیرش مقام فرماندهی ائتلاف نظامی اسلامی برضد تروریسم به رهبری سعودی در جنگ یمن برای ژنرال شریف، فرمانده پیشین ارتش پاکستان از سوی حکومت این کشور پیش از روی کار آمدن عمران خان به شکست انجامید. دیگری، نگرانی پاکستان از روابط روبه‌گسترش هند با دولت‌های غرب آسیا، به‌خصوص عربستان است. به گفته نویسنده، درحالی‌که اسلام‌آباد همزمان برای رفاقت با ریاض و تهران تلاش می‌کند، سعودی‌ها میل‌اند پاکستان حامی آنها باشد. باوجوداین، طرف پاکستانی نگران همکاری‌های سیاسی دهلی نو - ریاض و نزدیکی هند به ایران است. مانورهای نظامی مشترک با عربستان در اوایل سال ۲۰۱۸ پیمای روشن به تهران در زمینه احتمال نقض بی‌طرفی ادعایی پاکستان بود و به سعودی نشان داد که ارتش این کشور برای همکاری آماده است.

## ۲۹

مرکز مطالعات استراتژیک بگین - سادات در مقاله «محمد بن سلمان: رو به بهتر شدن یا بدتر شدن؟» به قلم جیمز دورسی، پژوهشگر غیرمقیم در این اندیشکده صهیونیستی، احتمالات را درمورد آینده ولیعهد سعودی پس از ماجرای قتل قاشقچی بررسی کرده است.

به ادعای نویسنده، عملکرد بن سلمان در قتل این روزنامه‌نگار سعودی نشان داد که هرچند شهرت ولیعهد جوان در این ماجرا آسیب دید، او نه‌تنها راحت سرنگون نمی‌شود، بلکه راه‌های گریز از مشکلات را خوب بلد است. از دید دورسی، واگذاری مسئولیت بازسازی سازمان اطلاعات سعودی از سوی ملک سلمان به محمد بن سلمان، همزمان با پذیرش موضوع قتل قاشقچی در کنسولگری عربستان در استانبول نشان داد فعلاً اختیارات کلی ولیعهد سعودی محدود نشده است.

نویسنده به‌ویژه به این مسئله از نظر تأثیرات منفی آن بر روابط ریاض با آمریکا و اروپا توجه کرده و احتمال داده است که افشا یا اعلام رسمی شواهد قتل قاشقچی توسط ترکیه، مجموعه‌ای از تحریم‌های تسلیحاتی و غیره از طرف کنگره آمریکا و پارلمان اروپا را برای سعودی به‌دنبال خواهد داشت. حتی دونالد ترامپ خواهان رسیدگی به موضوع این قتل و



بررسی دروغ‌ها در این زمینه شد. این مسائل با واکنش ترکی الدخیل، از نزدیکان بن سلمان مواجه شد و او به غرب در مورد احتمال نزدیکی ریاض به روسیه و چین در صورت وضع تحریم‌ها از سوی غرب هشدار داد.

در این میان، به باور دورسی، یکی از پیامدهای آسیب دیدن روابط سعودی - آمریکا در بحران قاشقچی، پذیرش توصیه کارشناسان از سوی ترامپ و تجدیدنظر او در استراتژی آمریکا در غرب آسیا با محوریت عربستان است؛ استراتژی‌ای که تمرکز آن بر منزوی کردن اقتصاد ایران از طریق تحریم‌های گسترده است و به گفته مارتین ایندیک، فرستاده ویژه پیشین آمریکا در امور غرب آسیا، هرگونه مخدوش شدن شهرت جهانی بن سلمان فرصتی برای کسب منافع در اختیار تهران خواهد گذاشت.

دورسی می‌افزاید: یکی از شگردهای بن سلمان برای مهندسی شرایط اخیر، دامن زدن به تنش‌ها با ایران با هدف تحت‌الشعاع قرار دادن قتل قاشقچی به‌خصوص در آمریکا بود که برخی رفتارها و تاکتیک‌های متغیر ایران از جمله در موضوع قرار گرفتن جمهوری اسلامی در فهرست سیاه کارگروه اقدام مالی (FATF) نیز بدان دامن می‌زد؛ اما به اذعان نویسنده، حمایت ضمنی رهبر معظم ایران از تصویب لایحه الحاق کشورش به این کارگروه و تأکید آشکار رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی بر لزوم حفظ کانال ارتباط دیپلماتیک با آمریکا، موجبات نگرانی بن سلمان از به‌حاشیه نرفتن بحران قاشقچی را فراهم کرد.

به گفته دورسی، ولیعهد سعودی برای رهایی از این خطر بالقوه سعی کرد با ایجاد ناآرامی قومی در ایران، این کشور را مشغول کند؛ اما ایران در تله نیفتاد و در حالی که بن سلمان و آل سعود به‌شدت تحت فشار بحران قاشقچی بودند، تهران با خرسندی فقط نظاره‌گر بود. با این حال، اگر بن سلمان به وعده سال ۲۰۱۷ خودش در کشاندن جنگ به داخل ایران عمل کند، شرایط می‌تواند تغییر نماید.

### ۳۰

امین طاهها، رئیس شورای همکاری ترکیه - عراق در شورای عالی روابط اقتصادی خارجی ترکیه، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری آناتولی ترکیه که متن آن در پایگاه اینترنتی بلومبرگ نیز به تاریخ ۱۰ نوامبر منتشر شده گفته است: ترکیه و عراق به‌خاطر تحریم‌های ایران بیش‌ازپیش به هم نزدیک می‌شوند و بعد از تحریم‌ها بازارهای عراق که از کالاهای ایرانی



خالی می‌شوند مستعد ورود کالاهای ترکیه هستند. به اعتقاد وی، قبل از این، واردکنندگان عراق به‌خاطر ارزان بودن کالاهای ایرانی در حوزه‌های مواد غذایی، مصالح ساختمانی و مواد پلاستیکی و نیز خدمات پیمانکاری، از این کالاها و خدمات ایرانی بیشتر استفاده می‌کردند، ولی بعد از اعمال تحریم‌های جدید، به‌دلیل سخت شدن شرایط همکاری با ایران، شرکت‌ها و بازرگانان عراقی ترکیه را ترجیح خواهند داد. وی همچنین معتقد است: دولت جدید عراق نیز در این زمینه با دولت ترکیه هم‌عقیده است و فقط مانع اصلی اکنون موانع گمرکی و تسهیل ورود کالا به عراق است که باید برطرف شود.

وی همچنین گفته است: ظرفیت مبادلات تجاری ترکیه و عراق بسیار بیشتر از حجم کنونی است و در صورت خواست دو کشور، این ظرفیت به‌راحتی پر می‌شود. در این نوشته، همچنین به نقل از شریف دیلک، مسئول بخش اقتصادی در بنیاد مطالعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه در خصوص تصرف بازارهای عراق توسط ترکیه گفته می‌شود که شرکت‌های ترکیه‌ای باید سریع وارد عمل شوند و در حوزه‌های مواد غذایی، مصالح ساختمانی، مواد پلاستیکی، قطعات خودرو و خدمات پیمانکاری ظرفیت‌های خالی شده ایران در بازار عراق را پر کنند.

وی همچنین در این مبادلات به منطقه اقلیم شمال عراق هم اشاره کرده و گفته است: بعد از ماجرای رفراندوم استقلال در شمال عراق و مخالفت شدید ترکیه با این موضوع که منجر به سردی روابط ترکیه و حکومت محلی شمال عراق شد، دولت ترکیه باید در جهت توسعه مجدد روابط با این منطقه بکوشد.

## ۳۱

*ادریس اوودوجو در مطلبی با عنوان «اهمیت مجدد نفت عراق و کرکوک در بازار جهانی» که در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۸ توسط خبرگزاری آناتولی منتشر شده است به پررنگ شدن نقش نفت عراق به‌ویژه منطقه کرکوک بعد از اعمال تحریم‌های اخیر علیه ایران اشاره دارد. به اعتقاد نویسنده، پس از تحریم‌های آمریکا علیه ایران، نفت عراق به‌عنوان گزینه‌ای برای جبران کمبود بازار و صادرات دوباره نفت کرکوک از راه ترکیه اهمیت فراوانی یافته است.*

در این یادداشت گفته می‌شود: پس از بروز اختلافات میان بغداد و اربیل، حدود یک



سال است که نفت کرکوک صادر نمی‌شود؛ اما پس از تحریم ایران از طرف آمریکا، نفت این منطقه اهمیت فراوان یافته است و در صورتی که دولت مرکزی عراق بخواهد نفت کرکوک را صادر کند، گذرگاه دیگری غیر از ترکیه مشاهده نمی‌شود. دولت واشینگتن نفت کرکوک را جایگزین مناسبی برای کمبود نفت ناشی از تحریم ایران در بازار می‌داند. رسانه‌های بین‌المللی و عراقی اعلام می‌کنند که ایالات متحده به‌زودی فشارهایی را به بغداد برای صادرات نفت خام کرکوک از طریق ترکیه اعمال خواهد کرد. با اینکه برخی مقامات عراقی چنین ادعاهایی را رد می‌کنند، وزیر نفت عراق چند روز پیش اعلام کرد این کشور قصد دارد با تمرکز بر میدان‌های نفتی در جنوب عراق، میزان تولید و صادرات نفت خود را در سال ۲۰۱۹ افزایش دهد و به‌منظور دستیابی به این هدف، در حال انعقاد قراردادهایی با شرکت‌های بین‌المللی است.

اوودوجو در ادامه می‌گوید: با توافق ایران و عراق در اکتبر ۲۰۱۷، روزانه سی هزار بشکه نفت خام از طریق تانکرها به ایران صادر می‌شود. ایران با تصفیه این نفت خام، آن را مجدداً به عراق صادر می‌کرد. عراق همچنین بنزین و گاز طبیعی برای فعالیت نیروگاه‌های خود را از ایران وارد می‌کند. پس از تحریم‌های آمریکا علیه ایران، عراق فقط ۴۵ روز از این تحریم‌ها معاف شده است و دولت واشینگتن می‌خواهد کمبود نفت در بازار جهانی را که ناشی از تحریم‌های ایران است، از طریق نفت کرکوک جبران کند. وزیر نفت عراق نیز چند روز پیش اعلام کرد این کشور قصد دارد میزان تولید و صادرات نفت خود را در سال ۲۰۱۹ افزایش دهد و نقش بیشتر در جبران کمبودهای نفت داشته باشد. صادرات نفت از میداین کرکوک نیز در چهارچوب این اهداف قرار دارد.

## ۳۲

عونی القلمجی در متنی با عنوان «دولت عراق و رؤیای اصلاحات» که در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸ در تارنمای مرکز العربی الجدید منتشر شده است بیان می‌دارد: وعده‌های عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر جدید عراق، مبنی بر تشکیل دولتی بدون احزاب و فساد، ادعایی بی‌اساس است. در همین راستا، علی الیبدری، نماینده حزب اصلاح و بازسازی بیان کرده است «در صلاحیت تعداد زیادی از وزیرانی که رأی اعتماد گرفته‌اند جای تأمل است. همچنین این وزیران در دستگاه قضایی و دیگر سازمان‌های نظارتی رونده دارند».



به باور نویسنده، عبدالمهدی و هیچ‌کس دیگر قادر به مقابله با نظام حزبی و مذهبی عراق نیست. گفتنی است که در عراق رئیس‌جمهور از میان کردها، رئیس مجلس نمایندگان از میان اهل سنت و نخست‌وزیر از میان شیعیان انتخاب می‌شود. این امر در میان وزیران نیز وجود دارد؛ بدین صورت که وزیر دفاع از اهل سنت، وزیر کشور از شیعیان و وزیر دارایی از کردهاست. به اعتقاد وی، این مسئله به‌وسیله آمریکا و با هدف تقسیم عراق و نابودی این کشور برنامه‌ریزی شده است و اکنون در عراق اجرا می‌شود.

هدف آمریکا از اشغال عراق تأمین نفت و منابع موردنیاز برای حمایت از رژیم صهیونیستی بوده است. دولت‌های دست‌نشانده، اتحادها و توافقات سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی امضا شده، عراق را مستعمره آمریکا کرده است. بدین صورت، هر زمان که آمریکا اراده کند، می‌تواند به عراق بازگردد. به باور نویسنده، عراق برای آمریکا هسته مرکزی تشکیل امپراتوری است که طبق نظریه پایان تاریخ فوکویاما جهان پس از این امپراتوری به پایان می‌رسد.

نویسنده معتقد است که با وجود احزاب و ائتلاف‌های فاسد، تشکیل دولتی عاری از هرگونه فساد، رؤیایی بیش نیست. به اعتقاد وی، آمریکا، هم‌پیمانانش و ایران انجام اصلاحات را در عراق اجازه نمی‌دهند؛ اما درمقابل، مردم عراق با کمترین امکانات نظامی در برابر تجاوزگران ایستاده‌اند و در صورت نیاز، بازهم مقاومت خواهند کرد. اراده، قدرت و مقاومت هر ملتی از هواپیما و توپ و تانک قوی‌تر است.

### ۳۳

متن حاضر یادداشتی است با عنوان «تشکیل کابینه دولت جدید عراق» که به قلم *سیار الجمیل* در ۲ نوامبر ۲۰۱۸ در تارنمای مرکز العربی الجدید منتشر شده است. به اعتقاد نویسنده، عراق به دولتی ضعیف که امروزه دولت شکست‌خورده نامیده می‌شود تبدیل شده است. کشور عراق برای بهبود شرایط نیازمند سیاستمداران قدرتمند، وزیران و مسئولان توانا و قدرت بالای تصمیم‌گیری است.

نویسنده اذعان دارد که عراق و مردم آن بعد از گذشت شانزده سال از اشغال این کشور نیازمند تغییر اساسی و تبدیل حکومت دیکتاتوری به حکومت دموکراتیک هستند. دخالت‌های بیگانگان، بی‌کفایتی مسئولان، تلاش‌های احزاب و قبیله‌ها برای تصاحب



قدرت، منجر به بدتر شدن اوضاع این کشور شده است. برکناری حیدر العبادی و نخست‌وزیری عادل عبدالمهدی و سیاست دور ماندن از ائتلاف‌ها و احزاب سیاسی، مردم عراق را به تشکیل دولتی قدرتمند امیدوار کرده است.

در راستای تشکیل کابینه دولت از طریق سامانه اینترنتی، عبدالمهدی در جلسه مجلس عراق اذعان داشت «چگونه می‌توان به جوانی که چند سال بیشتر از فارغ‌التحصیلی او نمی‌گذرد و تجربه‌ای هم ندارد، برای سمت وزارت عدل رأی اعتماد داد؟». به اعتقاد نویسنده، این سخن مشکلات انتخاب وزیران دولت جدید عراق را آشکار کرده است.

نویسنده معتقد است که فرایند تشکیل کابینه و انتخاب وزیران اولین شکست عبدالمهدی است. همچنین به باور وی، مجلس عراق قانونی نبوده و توانایی تعیین صلاحیت وزیران را ندارد. به اعتقاد نویسنده، عادل عبدالمهدی در میان احزاب و گروه‌های سیاسی‌ای قرار دارد که خواستار سرنگونی او و کسب قدرت هستند. اگر او موفق به تشکیل کابینه و حفظ دولت جدید نشود، در چهار سال آینده شکستش حتمی است.

## ۳۴

وبگاه تحلیلی - دفاعی میلیتاری واچ در ۷ نوامبر، مقاله‌ای را با عنوان «بازدارندگی مؤثر؟ جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در پی استقرار اس ۳۰۰ از حمله به اهداف سوریه خودداری می‌ورزند» منتشر کرد. در این مقاله گفته می‌شود: با تکمیل تحویل سکوهای پرتاب موشک‌های زمین‌به‌هوای اس ۳۰۰ از نوع PMU-2 از سوی روسیه به پدافند هوایی سوریه، این سامانه توانسته است به‌عنوان ابزار مؤثر و بازدارنده در برابر حملات احتمالی باموفقیت عمل کند. کسپا اسوتلووا، عضو کمیته دفاعی کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) اعلام کرده که جنگنده‌های نیروی هوایی این رژیم از هنگام استقرار موشک‌های اس ۳۰۰ سوری وارد حریم هوایی این کشور نشده‌اند. وی افزود: حتی یک مأموریت هوایی نیز پس از رسیدن این موشک‌ها در سوریه انجام نگرفته است. به عقیده شماری از نشریات خاورمیانه، موشک‌های اس ۳۰۰ توازن قوا در منطقه را تغییر داده‌اند. به گفته آنها، این سامانه‌های تسلیحاتی جدید سوری به‌طور مؤثر مانع از اجرای حملات صهیونیست‌ها شده‌اند. به گفته اسوتلووا، هواپیماهای رژیم صهیونیستی حتی از آسمان لبنان و یا بلندی‌های جولان نیز مبادرت به شلیک به سوی خاک سوریه نکرده‌اند و فقط در



نزدیکی مرز سوریه به پرواز درآمده‌اند. در ادامه مقاله آمده است که خبرگزاری رویترز به نقل از یکی از مقامات رژیم صهیونیستی که نخواست نامش فاش شود اعلام داشته که تل‌آویو پس از سقوط هواپیمای ایلوشین ۲۰ روسی در ۱۷ سپتامبر گذشته نیز به هدف‌هایی در سوریه حمله کرده‌اند. اما این اخبار متعاقباً تکذیب شد.

به گفته نویسندگان مقاله، در کنار توانایی‌های سامانه پیشرفته اس ۳۰۰، رژیم صهیونیستی همچنین به دلایل سیاسی قادر به واکنش به هرگونه شلیک اس ۳۰۰ و یا تلاش برای خنثی کردن سکوهای پرتاب آنها نیست. چنین اقدامی از سوی رژیم صهیونیستی می‌تواند به مرگ نظامیان روس که وظیفه به‌کاراندازی این سامانه را در سوریه، تا هنگام تکمیل آموزش خدمه سوری برعهده دارند منجر شود. به عقیده نویسندگان مقاله، حسگرهای قدرتمند سامانه اس ۳۰۰، سرعت بالای موشک به هنگام درگیر شدن با هواپیماهای دشمن و سرعت بالای استقرار و جابه‌جایی سکوهای متحرک این سامانه، توانایی زیادی به سوریه داده تا به تهدیدات سریع واکنش نشان دهد و در همین حال، چالشی را برای نیروی هوایی رژیم صهیونیستی ایجاد کرده که بسیار مهم‌تر از تسلیحات موجود در پدافند هوایی سوریه است.

### ۳۵

ست فرانتزمن، کارشناس و نویسنده امور رژیم صهیونیستی، مقاله‌ای را با عنوان «حماس چگونه رژیم صهیونیستی را دچار هرج و مرج انتخابات زودرس کرد» در ۱۶ نوامبر در نشریه نشنال اینترست منتشر کرد. به عقیده نویسنده، حماس به پیروزی نظامی درگیری با رژیم صهیونیستی دست نیافت؛ اما استعفای آویگدور لیبرمن، وزیر دفاع، نوعی پیروزی برای حماس به‌شمار می‌آید؛ زیرا نشان‌دهنده توانایی این جنبش در شکل بخشیدن به سیاست داخلی رژیم صهیونیستی در بالاترین سطح است. به گفته فرانتزمن، استعفای لیبرمن در ۱۴ نوامبر، در نتیجه توافق آتش‌بس با حماس در غزه رخ داد. استعفای وی اکنون موجب کشانده شدن سیاست‌های داخلی رژیم صهیونیستی به آستانه هرج و مرج شده است و بنیامین نتانیاهو باید با تردستی برای حفظ دولت ائتلافی شکننده خود تلاش کند، درحالی‌که نفتالی بنت، رهبر حزب خانه یهودی، خواهان انتصاب خود به مقام وزارت دفاع است. حماس که رژیم صهیونیستی را با شش ماه تظاهرات و پرتاب راکت از غزه به چالش کشیده، اکنون



به‌نظر می‌رسد که به پیروزی دست یافته است. به اذعان نویسنده، علی‌رغم ناتوانی حماس در نفوذ به حصار امنیتی دور باریکه غزه، این جنبش احتمالاً موفق به ساقط کردن دولت رژیم صهیونیستی می‌شود.

به گفته فرانزمن، اکنون نتانیاهاو با چند گزینه پیچیده روبه‌روست. نفتالی بنت، رهبر حزب خانه یهودی، خواهان به‌دست آوردن مقام وزارت دفاع است؛ اما مانند لیبرمن، استقلال عمل در سمت خود را نیز می‌خواهد. این موضوع می‌تواند بار دیگر نتانیاهاو را دچار چالش‌های بیشتر در نوار غزه کند. نخست‌وزیر همچنین می‌تواند خود سمت وزارت دفاع را برعهده بگیرد. این شرایطی بود که نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی نیز از آن برخوردار بود؛ اما نتانیاهاو از پیش و به‌طور همزمان مقام وزارت امور خارجه را نیز برعهده دارد و این پرسش مطرح می‌شود که وی چگونه می‌تواند سه شغل مهم را که نیازمند تمرکز زیاد است به‌صورت همزمان در دست داشته باشد.

به اعتقاد نویسنده، چنانچه نتانیاهاو قادر به رفع بی‌ثباتی کنونی نباشد، رژیم صهیونیستی به سمت انتخابات زودهنگام پیش خواهد رفت. با توجه به علاقه نتانیاهاو به پیگیری استراتژی منطقه‌ای فعلی خود، انتخابات مذکور می‌تواند پریشانی و تشتت دیگری را پدید آورد. این دقیقاً همان مفهومی است که وی خواهان اجتناب از آن در غزه بود؛ اما اکنون با شکل دیگری از این معضل مواجه شده است. پس از تقریباً ده سال در مسند قدرت بودن، نتانیاهاو اکنون برای بردن انتخابات بعدی دچار مشکل است. او می‌خواهد میراث خود را حفظ کند و مجبور شدن به برگزاری انتخابات زودهنگام و احتمال ازدست دادن مقامش، یک تحقیر برای او به‌شمار می‌آید. لیبرمن سیاست رژیم صهیونیستی را به هرج‌ومرج آنی، آن‌هم در زمانی خطیر برای منطقه کشاند. حماس تصور می‌کند که برتری را از آن خود کرده و ممکن است اگر به این تصور برسد که می‌تواند با بی‌ثبات کردن دولت ائتلافی نتانیاهاو به دستاوردی برسد، بار دیگر برای بهره‌برداری بیشتر و یا تلاش برای مداخله در وضعیت فشار وارد کند.

## ۳۶

نیکولاس مورگان، کارشناس امور روسیه و سیاست پساتحاد شوروی در دانشگاه لندن، مقاله‌ای را با عنوان «ارزیابی نقش آینده ترکیه در خاورمیانه» در ۵ نوامبر در وبگاه





«ریل کلیر دیفنس» منتشر کرد. نویسنده در این مقاله می‌گوید: ترکیه به‌عنوان نتیجه‌ای از گزینه‌های سیاست خارجی یکجانبه خود و نیز به‌دلیل به‌درازا کشیدن بحران مالی در این کشور ناچار خواهد بود بسیاری از سیاست‌های جاری مربوط به خاورمیانه خود را مورد ارزشیابی مجدد قرار دهد. با تهدید موجود ناشی از خشونت‌های بیشتر در مرزهای ترکیه و افزایش انزوای دیپلماتیک و رکود اقتصادی، اشتیاق این کشور برای نفوذ منطقه‌ای بیشتر به‌صورتی جدی کاهش یافته است. ترکیه در حال حاضر با مشکلات روبه‌افزایش در داخل و خارج روبه‌روست. به عقیده مورگان، موضع ترکیه در خاورمیانه در نتیجه پویایی‌های منطقه‌ای ناشی از ناآرامی‌های داخلی و یا دسیسه‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ که همسایگان این کشور را بی‌ثبات کرده مورد چالش قرار گرفته است. در طلوع بهار عربی، رهبران ترکیه احساس کردند که با فرصتی برای برعهده گرفتن رهبری این انقلاب سیاسی روبه‌رو شده‌اند و آن را حمایت و تأیید دیگران از مدل سیاسی خود تلقی کردند، هرچند ورود ترکیه در موضوعاتی مانند جنگ داخلی سوریه و اختلاف با قطر و محاصره این کشور توسط عربستان سعودی و امارات متحده عربی، هزینه‌هایی سیاسی را برای آنکارا در میان همسایگانش به‌همراه دارد. بحران مالی جاری، تغییرات سیاسی داخلی و منازعات مسلحانه در مرزها فقط موجب ضعیف شدن موضع ترکیه در خاورمیانه می‌شود.

به گفته مورگان، به‌سبب درتنگنا قرار گرفتن ترکیه بعید می‌نماید که این کشور در عرصه‌های وسیع‌تری در خاورمیانه که با ریسک‌های امنیتی مواجه‌اند نفوذ پیدا کند. این ریسک‌ها عمدتاً با جنگ داخلی سوریه، انزوای دیپلماتیک آنکارا به‌سبب حمایتش از قطر و دور شدن از آمریکا و نیز بروز مشکلات اقتصادی در داخل مرتبط بوده است. به اعتقاد نویسنده، از این‌روست که ترکیه ناچار خواهد بود از بسیاری از سیاست‌های درپیش‌گرفته خود در سراسر خاورمیانه دست بردارد. به ادعای نویسنده، ممکن است که ثبات خود ترکیه در این‌میان زیر سؤال برود. در چنین سناریویی، موقعیت ترکیه تضعیف شده و این به‌منزله پایان گرفتن اشتیاق و آرزوهای آنکارا برای برعهده گرفتن نقش رهبری در منطقه است.

## ۳۷

میسون شقیر در یادداشتی با عنوان «قتل‌عام سوریه و رسانه جهانی» که در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸ در تارنمای مرکز العربی‌الجدید منتشر شده است بیان می‌دارد که رسانه



به‌عنوان قدرت چهارم، توانایی ورود به افکار و احساسات انسان‌ها را دارد. «رسانه» قدرت حقیقی‌ای است که از قدرت قضایی، قانونی و اجرایی فراتر می‌رود و به‌تنهایی توانایی اثرگذاری بر تمام قوا را دارد. به اعتقاد وی، رسانه در برابر جنگ هشت‌ساله سوریه کوتاهی کرده و به تبریّه کردن وقایع رخ‌داده در سوریه پرداخته است.

به باور نویسنده، روزنامه انگلیسی تایمز و شبکه فرانسوی «فرانس انفو» نقش بارزی در انتقال اخبار دروغین درخصوص قتل‌عام سوریه داشته‌اند. همچنین احزاب محافظه‌کار، از جمله رهبران مسیحی با محور اسلام‌هراسی، گسترش فرهنگ کشورهای پیشرفته مبنی بر ادامه یافتن تجارت اسلحه و ایجاد ترس از مسلمانان افراطی نیز منجر به نگاه تک‌بعدی به مسئله سوریه شده است.

نویسنده اذعان دارد که پس از کشته شدن یک میلیون نفر و آواره شدن ده‌ها هزار نفر، رسانه از عملکرد راست‌گرایان اروپایی در سوریه عذرخواهی کرد. در ادامه، برخی مطالب رسانه‌های اروپایی بیان می‌شود:

**– روزنامه تایمز انگلستان:** این روزنامه در ۲۷ اکتبر بیان داشت که «حامیان بشار اسد، کشیش‌ها و نمایندگان مجلسی هستند که درخصوص مسئولیت اخلاقی درگیری‌ها در سوریه افکار گمراه‌کننده دارند». همچنین بیان داشت که آنچه در سوریه رخ داد دقیقاً جنگ داخلی نبوده است؛ زیرا جنگ داخلی نیازمند دو طرف هم‌سطح است، درحالی‌که در سوریه دیکتاتور وجود دارد.

**– شبکه فرانسوی فرانس انفو:** گزارشی را درخصوص زندان‌های سوریه با عنوان «درون جهنم سوریه» نشان داد و در آخر این سؤال را بیان داشت که آیا روزی بشار اسد محاکمه خواهد شد.

نویسنده معتقد است که مردم سوریه دلیل عذرخواهی روزنامه تایمز را نمی‌دانند. همچنین به نیروهای قضایی، برای مجازات کسانی که فرزندان، رؤیاهای، آرزوها و آینده آنان را نابود کردند هیچ اعتمادی ندارند.



سیمون مابون، در پرتو توجه به بحران‌های غرب آسیا، به بررسی سیاست خارجی تهران و ریاض پرداخته است. به باور نویسندگان، غرب آسیا شاهد گسترش اختلافات فرقه‌ای و رقابت ایران و عربستان سعودی است. این کشورها در بحرین، عراق، لبنان، سوریه و یمن جنگ نیابتی خود را به نمایش گذاشته‌اند و از آنجا که این رقابت در بعد فرقه‌ای صورت می‌گیرد، در جوامع شکننده و دارای شکاف‌های فرقه‌ای ظاهر شده است.

به گفته نویسنده، در این دو کشور، سیاست داخلی با توجه به چهارچوب گسترده‌تر رخدادهای ژئوپلیتیکی اعمال می‌شود. حضور هم‌پیمانان و نایبان در سراسر منطقه، که اغلب در خطوط مبتنی بر مذهب محلی هستند موجب شده است که تهران و ریاض بتوانند با ابزارهایی که برای شکل دادن به زندگی سیاسی در اختیار دارند با رقیب خود و نفوذ آن مقابله کنند. این دو حکومت در سراسر منطقه حضور دارند و از زبان فرقه‌ای به‌عنوان ابزار حفظ قدرت و تبیین اختلاف در داخل جوامع استفاده می‌کنند. زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌سرعت می‌تواند از خلال منشور فرقه‌ای دگرگون شود.

با این توضیحات، نویسندگان به تبیین برخی توصیه‌ها پرداخته‌اند که عبارت‌اند از: تلاش برای ایجاد معامله بزرگی که موجب شود تهران و ریاض هر دو وارد نظام دولت‌های منطقه‌ای شوند؛ تسهیل گفتگو و ایجاد اعتماد بین تهران و ریاض؛ تلاش برای آتش‌بس در یمن و سوریه؛ اجتناب کشورهای غربی از برافروختن آتش؛ و اجتناب از ایجاد طرح‌هایی با اساس منافع سیاسی در جوامع دارای شکاف.

### ۳۹

گوکهان اره‌لی در مقاله‌ای که با عنوان «سیاست‌های تحریمی آمریکا و تأثیر آن بر منطقه خلیج فارس» در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۸ در پایگاه اینترنتی مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه منتشر کرده است، در بررسی تأثیرات سیاست‌های تحریم آمریکا علیه برخی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: تحریم‌ها از یک‌سو، ایران را با شرایط دشوار اقتصادی مواجه می‌سازد و از سوی دیگر، برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مانند عربستان و امارات متحده عربی با بالا بردن تولید نفت هم به درآمد بیشتری دست می‌یابند و هم از افزایش ناگهانی قیمت نفت که ضربه بزرگی به اقتصاد کشورهای غربی می‌زند جلوگیری می‌کنند. به عقیده نویسنده، این رفتار در منطقه عربی



حاشیه خلیج فارس مختص عربستان و امارات متحده عربی است و به‌جز این دو، فقط بحرین از تحریم‌های ایران حمایت می‌کند؛ ولی بقیه کشورهای حاشیه خلیج فارس شامل کویت، قطر و عمان به‌سبب روابط اقتصادی روزافزون با ایران موافق این تحریم‌ها نیستند؛ از همین رو، به عقیده نویسنده، در آینده شاهد گسترش روابط اقتصادی ایران و قطر خواهیم بود و در طرف مقابل، بن سلمان که در فضای سیاسی عربستان به‌شدت تحت فشار است ممکن است در آینده در توسعه روابط با آمریکا و یا حداقل همراهی کامل با سیاست‌های منطقه‌ای واشینگتن با احتیاط بیشتری عمل کند. همچنین از نگاه نویسنده، سیاست‌های تحریمی و سختگیرانه اقتصادی آمریکا علاوه‌بر ایران، روسیه و چین را نیز در شرایط دشواری قرار می‌دهد که این امر نیز تأثیر منفی بر اقتصاد خارجی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس خواهد گذاشت. به‌طور کلی، نویسنده در این مقاله شرایط آتی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را شرایط مناسبی نمی‌داند و مسبب این شرایط را نیز سیاست‌های تهاجمی دونالد ترامپ می‌داند.

#### ۴۰

جیمز دورسی، پژوهشگر غیرمقیم مؤسسه مطالعات امنیت ملی در مقاله «**شکندگی ائتلاف‌ها در غرب آسیا**» که روز ۱۲ نوامبر توسط این اندیشکده صهیونیستی انتشار یافته، دلایل و پیامدهای بی‌رغبتی کشورهای غرب آسیا به داشتن ائتلاف‌های پایدار با یکدیگر و با قدرت‌های فرامنطقه‌ای را بررسی کرده است.

نویسنده با اشاره به سه مورد اختلاف بین متحدان فعلی و پیشین (اختلاف روسیه و ترکیه در زمینه ادلب سوریه، درگیری ایران با روسیه بر سر بازسازی سوریه و رقابت امارات متحده عربی با ترکیه برای به‌دست گرفتن کنترل مسیرهای هوایی بین‌المللی) مدعی شده است که در تمام این موارد یک نکته مشترک وجود دارد: تلاش مضاعف رقبا منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در چهارچوب ائتلاف‌های مختلف در غرب آسیا برای کسب منافع اقتصادی و تجاری بیشتر. این درحالی است که ماهیت این ائتلاف‌ها نظامی و ژئوپلیتیک است. به باور دورسی، درگیری بین این رقبای همزمان با پررنگ‌تر شدن ابعاد ژئوپلیتیک رقابت بین آنها صورت می‌گیرد.

به ادعای نویسنده، ائتلاف روسیه - ترکیه - ایران با هدف خارج کردن استان ادلب از



کنترل مخالفان مسلح دولت سوریه، با وجود حمایت تهران از حمله به آن منطقه، به دلیل امتناع مسکو از همکاری با آنکارا به تأخیر افتاده که یک دلیل اصلی آن نگرانی ترکیه از سرازیر شدن صدها هزاران یا شاید میلیون‌ها آواره جدید سوری به سمت مرزهای مشترک ترکیه و سوریه به سبب حمله مشترک ارتش‌های روسیه و سوریه است.

در همین حال، به باور دورسی، ایران که شاید ضعیف‌ترین ارتباط را با موضوع ادلب داشته باشد، اکنون قدرتمندتر از قبل سعی دارد با روسیه در مسئله بازسازی سوریه رقابت کند. وی مدعی است که روس‌ها نیز در ظاهر در زمینه تداوم حضور نظامی ایرانیان در سوریه پس‌اجنگ تردید دارند؛ زیرا این امر به معنای افزایش احتمال حملات نظامی رژیم صهیونیستی و تکرار ماجرای سقوط جنگنده روسی در خاک سوریه خواهد بود.

نویسنده اذعان دارد که برنده این اختلافات ادعایی، ائتلاف سعودی - امارات است که با هدف مقابله با ایران، سایر کشورهای خلیج فارس را به همکاری با تل‌آویو ترغیب می‌کند. از سوی دیگر، امارات متحده که از سیاست‌های حمایتی ترکیه در قبال قطر، ایران و تقویت اسلام‌گرایی موردنظر اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه ناراضی است، در رقابت با این کشور درصد است بر شمار پروازهای خطوط هوایی اصلی امارات (ایمارات و الإتحاد) به سراسر جهان بیفزاید. ترکیه اکنون ۳۰۹ پرواز به ۱۲۰ کشور و امارات ۲۵۶ پرواز به هشتاد کشور دارد.

## ۴۱

**بهنام طالبو،** از کارشناسان بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در یادداشتی با عنوان «**حزب‌الله لبنان از پایه‌های حیاتی راهبرد ایران در منطقه است**» (۱۴ نوامبر) در واکنش به اقدام وزارت خارجه و وزارت خزانه‌داری آمریکا در تحریم پنج فرد و نهاد لبنانی و فلسطینی از جمله جواد نصرالله، فرزند رهبر حزب‌الله لبنان و افزودن گروه فلسطینی المجاهدین به فهرست گروه‌های تروریستی معتقد است: اگر دولت آمریکا قصد دارد کمپین فشار حداکثری را علیه ایران به‌صورتی علنی اجرا کند، باید در کشورهایی که جمهوری اسلامی نفوذ خود را در آنها بسط داده است، قدرت تحریمی خود را اعمال نماید. ایران نفوذ خود را در منطقه گسترش داده است و افراد و نهادهای موردنظر در فهرست خزانه‌داری آمریکا نقش بسیار مهمی در صدور انقلاب اسلامی موردنظر ایران برعهده دارند. اکنون نیز زمان آن رسیده است که آمریکا علیه این افراد و نهادها دست به اقدام بزند و آنها را متلاشی کند.



طالبلو در ادامه با اشاره به توانمندی‌های متعارف و نامتعارف حزب‌الله لبنان در پاسخ به تهدیدات معتقد است ایران از این گروه در بیشتر مناطق خاورمیانه از جمله مراقبت از مرزهای شمالی سرزمین‌های اشغالی، آموزش شبه‌نظامیان شیعه در عراق و جنگ داخلی در سوریه استفاده می‌کند و گزارش‌هایی در دست است که شبه‌نظامیان حوثی در یمن را نیز آموزش می‌دهند. حزب‌الله بازوی توانمند ایران است که باید قطع شود.

## ۴۲

حقی/ویغور، معاون مرکز مطالعات ایرانی آنکارا در ۱ نوامبر ۲۰۱۸ در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات تحریم‌های سنگین آمریکا بر منطقه» گفته است: فشار بر ایران از سوی ترامپ فقط معطوف به به‌صفر رساندن فروش نفت ایران و ازهم پاشیدن اقتصاد این کشور نیست. حمله تروریستی اهواز، افزایش درگیری مخالفان جدایی‌طلب کُرد با نیروهای امنیتی ایران و همچنین حضور نزدیکان ترامپ از جمله رودی جولیان در گردهمایی سازمان مجاهدین خلق در پاریس، افزایش شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران و مصاحبه‌های آنها با رضا پهلوی، همگی نشانگر تصمیم دولت آمریکا برای اجرای تغییرات سیاسی در ایران است. به‌هرحال، اگر تهران شروط مطرح‌شده توسط آمریکا را قبول نکند، نه‌تنها تحریم‌های اقتصادی افزایش خواهد یافت، بلکه آمریکا برای تغییر نظام حکومتی ایران نیز گزینه‌هایی را در نظر خواهد گرفت.

ایران با توجه به این موضوع که سه کشور عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی به‌دنبال ایجاد درگیری نظامی بین ایران و آمریکا در منطقه هستند، همواره خود را از چنین مخمصه‌ای دور نگه داشته است. این کشور در قضیه حمله به نیروهای مسلح در اهواز هیچ اقدامی انجام نداد. همچنین اگرچه ایران در مسئله تخلیه حلب از نیروهای مخالف اسد عکس‌العمل شدیدی از خود نشان داده بود، در قضیه ادلب نه‌تنها هیچ اعتراضی به توافق دو کشور ترکیه و روسیه نکرد، بلکه از آن استقبال نیز کرد. همزمان تهران در روند تشکیل دولت در عراق، به‌جای پافشاری بر روی شخصیت‌هایی مثل نوری المالکی و هادی عامری که نفوذ زیادی بر آنها دارد، درمورد انتخاب نخست‌وزیری میان‌رو مخالفت جدی از خود نشان نداد. با توجه به این اقدامات می‌توان گفت که ایران در کوتاه‌مدت به‌دنبال کاهش درگیری‌ها و تنش‌های منطقه‌ای است تا بتواند به بحران‌های



اقتصادی داخلی بپردازد.

با توجه به فشارهای اقتصادی و سیاسی که بر ایران وجود دارد، استراتژی حکومت این کشور در کاهش منازعات منطقه‌ای می‌تواند به برقراری روابط سیاسی بهتر با کشورهای همسایه و به‌خصوص ترکیه منجر شود. به‌طور خاص، اگر ایران در مورد کاهش اختلافات در عراق و سوریه قدمی مثبت بردارد، ترکیه نیز در دوره تحریم، نقش مهمی برای کاهش فشارها بر ایران بازی خواهد کرد. همچنین افزایش هزینه همکاری با عربستان سعودی پس از بحران قطر و رسوایی بزرگ‌تری که ریاض در روزهای اخیر به‌وجود آورد نیز می‌تواند موجب بهتر شدن روابط سنتی تقریباً متوازن میان ایران و ترکیه شود.

### ۴۳

مهمت علی بؤیوک کارا، استاد دانشگاه در ترکیه، طی مصاحبه‌ای که در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸ با خبرگزاری آناتولی داشته، با عنوان «**یمن، قربانی زورآزمایی ایران و عربستان**»، ضمن تشریح موقعیت ژئوپلیتیکی یمن از حیث انتقال منابع انرژی بین آسیا و اروپا معتقد است: ایران با در دست گرفتن کنترل و هدایت حوثی‌های یمن در این کشور پیروزی زرگری به‌دست آورده است و اگر بتواند این موفقیت خود را پایدار سازد، در آینده بر روی جریان انتقال انرژی از خلیج عدن اثرگذار خواهد بود؛ ولی عربستان سعودی، امارات متحده عربی و آمریکا به‌رغم اینکه در نظر دارند بحران یمن هرچه زودتر حل شود و جریان انتقال منابع انرژی از این منطقه بدون هیچ مانعی استمرار داشته باشد، از آنجاکه نمی‌خواهند ایران در این منطقه صاحب نفوذ و تسلط باشد، گام جدی و اساسی برای حل این بحران بر نمی‌دارند. به اعتقاد این کارشناس، همچنین حل نهایی بحران سوریه نیز می‌تواند تأثیر مثبتی بر روند حل مسئله یمن داشته باشد.

بخش دیگری از این مصاحبه به نقش احتمالی ترکیه در حل و فصل بحران یمن اختصاص یافته است. در این زمینه، بؤیوک کارا بر این باور است که ترکیه علی‌رغم داشتن پیوندهای عمیق و تاریخی با مردم یمن به‌سبب درگیر شدن در مسائل سوریه و عراق نتوانست در مسئله این کشور اثرگذار باشد. این کارشناس همچنین با القاء این تفکر که «زیدی‌های یمن همگی از نظر مذهبی و فرهنگی وابسته به ایران هستند» مخالف است و در این خصوص ادعا می‌کند که ترکیه مشترکات زیادی با زیدی‌های یمن دارد که تاکنون از



آنها استفاده نکرده است. به‌طور خلاصه، جمع‌بندی این کارشناس ترک این است که ترکیه در صورت ورود به فرایند حل بحران یمن می‌تواند کارساز باشد. پیشنهاد مشخص این کارشناس استفاده ترکیه از فرصت قرابت فرهنگی و تاریخی ترک‌ها و زیدی‌های یمن است که هرچند در فرایند حل بحران یمن ممکن است کفه حوثی‌های یمن سنگین‌تر شود، این به معنی تلاش ترکیه برای کاهش نفوذ ایران در بین زیدی‌های یمن خواهد بود.

#### ۴۴

مراد/ارجان و علی یایاتا، دو تن از اساتید دانشگاه‌های ترکیه در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در شماره سپتامبر - اکتبر ۲۰۱۸ دوماهنامه علمی - پژوهشی نگاه آکادمیک وابسته به بنیاد تحقیقات جهان ترک مقاله‌ای را با عنوان «استمرارپذیری سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا در نظام بین‌المللی متحول‌شده» درج کرده‌اند که در آن، میزان پذیرش سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه از سوی کشورهای منطقه به‌ویژه ترکیه، ایران و روسیه مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان در این خصوص بر این باورند که اساس سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا مبتنی بر نظم نوین جهانی است که از دهه ۲۰۰۰ توسط کاخ سفید دنبال می‌شود و در این خصوص، آمریکا ضمن درک اهمیت ترکیه با در نظر گرفتن موقعیت کنونی کشور و نیز سابقه تاریخی سرزمین ترکیه، این کشور را مهم‌ترین بازیگر منطقه‌ای می‌داند و از همین رو، درصدد است که ارتباط این کشور با دیگر بازیگران مهم منطقه یعنی ایران و روسیه را کنترل کند و پس از مشاهده سیاست‌های مستقل ترکیه به رهبری اردوغان در پیی تحت فشار قرار دادن آنکارا از طریق تقویت گروه‌های تروریستی علیه ترکیه است. به اعتقاد نویسنده، علاوه بر ترکیه سایر قدرت‌های جهانی از جمله برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه نیز اخیراً «هژمونی آمریکا در منطقه را با به‌نمایش گذاشتن سیاست‌های مستقل به‌چالش کشیده‌اند».

نویسندگان همچنین بر این باورند که آمریکا اکثر کشورهای منطقه را مانعی بر سر راه هژمونی منطقه‌ای خود می‌داند؛ ولی برای آنها سطح تعریف کرده است که کشورهای ایران، سوریه، لبنان، عراق، فلسطین و کره شمالی در سطح اول؛ کشورهای ترکیه و برخی کشورهای عربی مانند قطر و عمان در رده دوم؛ و روسیه، افغانستان و پاکستان نیز در سطح سوم، موانع بر سر راه سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا به‌شمار می‌روند. نویسندگان همکاری‌های چندجانبه





کشورهای منطقه را عامل مهم شکست سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه می‌دانند و در این راه، همکاری سه‌جانبه ترکیه - ایران - روسیه را عامل ناکامی سیاست‌های آمریکا در سوریه و مواضع مشترک ترکیه - ایران - عراق در برابر اعلام استقلال کردستان عراق را عامل شکست برنامه ایجاد دولت وابسته به آمریکا در عراق می‌دانند.

## ۴۵

*لنا دلوزیر*، پژوهشگر برنامه برنشتاین درمورد خلیج فارس و سیاست انرژی در مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک، و *اگوست پلاگر*، سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا، مقاله‌ای را با عنوان «**مساعی مقامات واشینگتن برای پیشبرد مذاکرات یمن**» در ۳۱ اکتبر در وبگاه مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک منتشر کردند. نویسندگان در این مقاله معتقدند که تغییر ناگهانی لحن و رویکرد واشینگتن درقبال یمن می‌تواند باعث تقویت تلاش‌های فرستاده سازمان ملل متحد برای پایان بخشیدن به جنگ و از سرگیری هرچه زودتر مذاکرات صلح شود. نویسندگان به موضع‌گیری علنی سی‌ام اکتبر دولت آمریکا که نشان‌دهنده تغییر رویکرد مایکل پامپئو و جیمز ماتیس، وزیر امور خارجه و دفاع آمریکا است، اشاره کردند و گفتند که آنها از طرف‌های درگیر خواسته‌اند گفتگوهای صلح را در ماه نوامبر آغاز کنند. به اعتقاد دلوزیر و پلاگر، تغییر مواضع واشینگتن در برابر افکار عمومی در نتیجه موضوع قتل خاشقجی و به دلیل افزایش فشار کنگره با هدف پایان جنگ و یا توقف حمایت ایالات متحده از ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی صورت پذیرفته است. علاوه بر این، مقام‌های سازمان ملل متحد هشدار داده بودند که یمن در معرض سقوط به یک قحطی بزرگ است.

در همین حال، اعلامیه پامپئو خواستار توقف حملات موشکی و پهپاد از نواحی تحت کنترل حوثی‌ها به عربستان سعودی و امارات متحده عربی و نیز توقف حملات هوایی به نواحی مسکونی یمن است. از انتخاب دقیق کلمات پامپئو به نظر می‌رسد که این درخواست‌ها شامل حملات حوثی‌ها در داخل یمن یا حملات هوایی ائتلاف به مناطق نظامی متعلق به حوثی‌ها نمی‌شود. وی همچنین از اشاره به ایران ادعا کرد که پامپئو همچنین ایران را نادیده گرفت و به نگرانی‌های آمریکا درمورد نقشش در یمن اشاره‌ای نکرد.

به عقیده نویسندگان، اگر آمریکا نشان دهد که حمایتش از مذاکرات صلح یمن واقعی و بادوام است، گریفت، مسئول مذاکرات صلح یمن در سازمان ملل متحد، این امکان را



می‌یابد که شانس‌های احتمالی برای از سرگیری گفتگوهای صلح در ماه آینده را متصور شود. ماتیس اظهار می‌کند که عربستان سعودی و امارات متحده عربی آماده همکاری با این گفتگوها هستند، هرچند که براساس گزارش‌ها، نیروهای ائتلاف محاصره بند الحدیده را کامل کرده‌اند و این اقدام می‌تواند حاکی از آن باشد که آنها طرح دیگری را در کوتاه‌مدت در دست اجرا داشته باشند.

## ۴۶

متن حاضر یادداشتی است با عنوان «**تحولات استراتژیک رژیم صهیونیستی در برابر سوریه و مرحله بعد از سقوط هواپیمای روسیه**» که به قلم محمود جرابه در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۸ در تارنمای مرکز مطالعات الجزیره منتشر شده است. به اعتقاد نویسنده، پس از سقوط هواپیمای روسیه در سوریه، روسیه رژیم صهیونیستی را عامل اصلی این اتفاق دانست. بلافاصله بعد از این اتفاق، سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه بیان داشت که این کشور مجهز به موشک‌های پیشرفته اس ۳۰۰ است. قابل تأمل است که این نوع از موشک‌ها قادر به انهدام موشک‌های بالستیک و اهداف موردنظر تا فاصله سیصد کیلومتری هستند. از نظر نویسنده، استراتژی رژیم صهیونیستی عبارت است از:

۱. **مقابله با چالش‌های نظامی:** سرکوب شدید هرگونه اقدام نظامی مخالف با این رژیم؛
  ۲. **از بین بردن نفوذ ایران و هم‌پیمانانش:** رژیم صهیونیستی برای مقابله با نفوذ ایران در سوریه از دو روش فشار سیاسی و فعالیت نظامی استفاده می‌کند. در سطح فشار سیاسی با دو رقیب ایران (عربستان سعودی و امارات متحد عربی) ارتباط نزدیک برقرار کرده و آمریکا را نیز به افزایش فعالیت‌های نظامی در منطقه تشویق می‌کند. در سطح نظامی نیز این رژیم با حملات نظامی به سوریه درصدد ممانعت از به‌کارگیری موشک‌های ایرانی در سوریه و علیه خود است.
  ۳. **استفاده از دخالت‌های روسیه در سوریه:** رژیم صهیونیستی وجود روسیه در سوریه را حافظ امنیت و استقرار خود می‌داند. همچنین در تلاش است که با حمایت روسیه، اهداف ژئوپلیتیک خود را در سوریه و منطقه دریای مدیترانه محقق کند.
- از نظر نویسنده، برنامه رژیم صهیونیستی برای آینده عبارت است از: ۱. اجتناب از درگیری مستقیم، ۲. نزدیکی به روسیه به‌منظور اخراج ایران از سوریه، ۳. تثبیت سیاست



بازدارندگی، و ۴. استفاده از رقابت‌های منطقه‌ای. رژیم صهیونیستی درصدد برقراری رابطه نزدیک با روسیه است و این موضوع را می‌داند که خشمگین کردن روسیه ممکن است منجر به متزلزل شدن قدرت این رژیم در منطقه و در مراحل مقابله با ایران و هم‌پیمانانش شود.

## ۴۷

متن حاضر یادداشتی است با عنوان «**تهدید امنیتی سوریه از فرات شرقی**» که به قلم *باسل الحاج جاسم* در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸ در تارنمای مرکز العربی الجدید منتشر شده است. به اعتقاد نویسنده، پس از اتحاد جامعه بین‌الملل برای مبارزه با داعش در سال ۲۰۱۴، ایالات متحده آمریکا با حزب کارگران سوریه متحد شد. این اقدام مخالفت‌های ترکیه، ایران، عراق و دولت سوریه را دربرداشت و هریک درصدد حفظ منافع خود در سوریه بودند. گفتنی است که آمریکا با وجود این مخالفت‌ها موضع خود را تغییر نداد.

آمریکا در سال جاری از تشکیل نیروی جدید سی هزار نفری متشکل از نیروهای دموکراتیک سوریه و حزب کارگران کرد ترکیه خبر داد. آمریکا بیان داشت که این نیروها از شمال در مرز سوریه با ترکیه و از جنوب شرقی تا رود فرات در مرز سوریه و عراق مستقر خواهند شد. همچنین این نیروها قادر به اشغال منطقه کشورهای عربی هستند و مانع ورود ایران به سوریه از طریق عراق می‌شوند. بعد از پدیدار شدن داعش در سوریه و تغییر موضع آمریکا، ترکیه و سوریه اعلام کردند که ترکیب جمعیتی این نیروها با آنچه آمریکا بیان داشته متفاوت است.

نویسنده اذعان دارد که آمریکا با حمایت از حزب کارگران سوریه درصدد است که ساکنان عرب سوریه را گوشه‌گیر کند. شایان ذکر است که اعراب بیشتر ساکنان مناطق شرق فرات را تشکیل می‌دهند. در شهر رقه ۹۲ درصد و در شهر منبج ۹۵ درصد ساکنان عرب هستند. طبق گزارش‌های سازمان عفو بین‌المللی، آمریکا سعی دارد با حمایت از اقلیت‌های نژادی (کردها، ترک‌ها و آشوری‌ها) در مناطق شرقی فرات اعراب این مناطق را منزوی کند.

نویسنده معتقد است خطر بزرگی که آینده سوریه را تهدید می‌کند شهر ادلب نیست، بلکه این خطر از سوی مناطق شرقی فرات است. روسیه از این خطر آگاه است. ترکیه نیز درصدد انجام سومین عملیات نظامی با هدف مبارزه با تروریسم، حمایت از خاک سوریه و



حفظ امنیت منطقه است. قابل ذکر است که این اقدام با منافع روسیه تضادی ندارد و بیانگر سیاست آشکار ترکیه (هیچ جایی برای رژیم‌های نژادی و قبیله‌ای وجود ندارد) است.

## ۴۸

فیصل جولور در متنی با عنوان «مثلث مقاومت: آبرو، زمین و هویت سوری» که در ۲ نوامبر ۲۰۱۸ در تارنمای شبکه المیادین منتشر شده است، ضمن اشاره به درخواست مردم الجزایر برای رأی‌گیری در آن هنگام که مستعمره فرانسه بودند بیان می‌دارد: رژیم صهیونیستی نیز در سوریه در نقش کشور بی‌طرف، رأی‌گیری برای ایجاد قانون داخلی بی‌طرف را پیشنهاد می‌دهد. به اعتقاد وی، این اقدام به‌ظاهر دموکراتیک، فریبی بیش نیست. رژیم صهیونیستی در راستای سیاست یهودی‌سازی خود در تلاش است که مردم سوریه را پایبند به قوانین و مقررات غاصبانه خود معرفی کند.

بلندی‌های جولان منطقه‌ای کوهستانی واقع در جنوب‌غربی‌ترین بخش خاک سوریه است که هم‌اکنون در اشغال رژیم صهیونیستی قرار دارد. گفتنی است که این منطقه چهل درصد از آب مورد نیاز رژیم صهیونیستی را تأمین می‌کند. همچنین پنجاه کیلومتر با دمشق، پایتخت سوریه فاصله دارد و به‌دلیل وجود پستی و بلندی‌های فراوان این ناحیه، در صورت بروز جنگ ناگهانی، دولت سوریه به‌آسانی نمی‌تواند مقاومت کند.

به باور نویسنده، رژیم صهیونیستی به‌دلیل امکانات فراوان و شرایط استراتژیک بلندی‌های جولان درصدد یهودی‌سازی آن است. در همین راستا، بسیاری از مردم جولان را فقط در پنج ناحیه اسکان داده، نام مناطق و روستاهای آن را از عربی به عبری تغییر داده و به شهرک‌سازی در این منطقه پرداخته است. به اعتقاد وی، رژیم صهیونیستی درصدد است که بلندی‌های جولان و فلسطین اشغالی را به‌صورت کشور یکپارچه درآورد.

نویسنده معتقد است که موضوع اصلی در مقاومت مردم جولان این است که بزرگان و رهبران دینی نقشی اساسی در تعیین موضع‌های بنیادین دارند. همان‌گونه که عدم مشارکت در انتخابات اخیر را نشانه عقلانیت دانسته‌اند، اکنون نیز می‌توانند به مقابله با رژیم صهیونیستی بپردازند. نویسنده بیان می‌دارد که جایگزینی برای مبارزه مسلحانه وجود ندارد؛ اما مقاومت مردم این منطقه منجر به حفظ هویت آن تا بازگشت به کشور سوریه می‌شود.



متن حاضر یادداشتی است با عنوان «تا چه زمانی ایران به حوثی‌ها سلاح ارسال

**خواهد کرد؟»** که به قلم *علی عاطف حسان* در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۸ در تارنمای مرکز مطالعات و تحقیقات العربی منتشر شده است. به اعتقاد نویسنده، بسیاری از کشورهای عربی و غربی از ارسال سلاح‌های پیشرفته به یمن توسط جمهوری اسلامی ایران انتقاد کرده‌اند. در همین راستا، ورود ایران به یمن مطابق با اهداف استراتژیک و منطقه‌ای این کشور صورت گرفته است که این اهداف عبارت‌اند از:

- گسترش انقلاب اسلامی در منطقه و ضرورت قیام علیه ظالم طبق شعار دفاع از مستضعفان؛

- مذاکره با کشورهای قدرتمند از جمله آمریکا از طریق افزایش قدرت در یمن؛

- تحقق اهداف استراتژیک مشابه آنچه در سوریه رخ داد.

به اعتقاد نویسنده، علت اصلی ورود ایران به یمن، سیاست هجومی این کشور است؛ بدین معنا که هنگام احساس خطر، قبل از تبدیل آن به تهدید سعی می‌کند بر آن منطقه مسلط شود.

کمک‌های ایران به حوثی‌های یمن محدود به سلاح‌های کلاسیک نیست، بلکه شامل موشک‌های پیشرفته و بالستیک نیز می‌شود. به باور نویسنده، ارسال اسلحه به حوثی‌ها از راه‌های آبی صورت می‌گیرد. همچنین ایران در تلاش است که از این طریق، حوثی‌ها را به مشاوران نظامی باتجربه و مهجربه به سلاح‌های پیشرفته در جنگ‌های هجومی تبدیل کند.

نویسنده معتقد است که ایران با کمک حزب‌الله لبنان نه تنها سلاح‌های پیشرفته موشکی به یمن ارسال می‌کند، بلکه به آموزش نیروهای حوثی نیز مبادرت می‌ورزد. شایان ذکر است که یمن از سلاح‌های ایرانی در پاسخ به تهدیدهای همسایگان خود به‌ویژه عربستان سعودی استفاده می‌کند. آخرین سلاح ارسالی از ایران به یمن «پدر p1» بوده است.



## ایران و سایر بازیگران

در مجموعه گزارش‌های راهبردی - تحلیلی و مقاله‌های گردآوری شده در این بخش، مهم‌ترین تحلیل‌ها و رویکردهای مطرح شده توسط تحلیل‌گران و کارشناسان کشورهای مختلف در مورد روابط ایران با سایر بازیگران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### ۵۰

جیمز فیلیپس در روز ۱۳ نوامبر مقاله‌ای را با عنوان «اروپا با تضعیف تحریم‌های ایران به ریسک خطرناکی دست می‌زند» در وبگاه نشنال اینترست منتشر کرد. وی در این مقاله بر این نظر است که کارزار اتحادیه اروپا برای حفاظت از ایران در برابر تحریم‌ها محتوم به شکست است. به اعتقاد نویسنده، شرکت‌های اروپایی بیش از تروریسم و موشک‌های صادراتی ایران نگران «امپریالیسم اقتصادی» ادعایی آمریکا هستند. با این حال، نویسنده معتقد است خطر در ادامه تجارت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی کوچک‌تر در ایران است که تماس و تجارتی با ایالات متحده ندارند. این امر بر تحریم‌های آمریکا اثر منفی می‌گذارد و از تأثیرشان می‌کاهد. نویسنده در ادامه با تشریح سازکار ویژه مالی اروپا «اس‌پی‌وی» برای تعامل با ایران بر این نظر است که واشینگتن می‌تواند بانکهایی را هدف تحریم قرار دهد که به حساب «اس‌پی‌وی» پول تحویل می‌دهند و تحویل می‌گیرند و همچنین مقام‌هایی را تحریم کند که این حساب را راه‌اندازی و یا با آن همکاری می‌کنند. به گفته وی، هرچند آمریکا تصویری دقیق از فعالیت‌های «اس‌پی‌وی» در مقایسه با «سوئیفت» نخواهد داشت، می‌تواند مؤسساتی را که در تجارت با «اس‌پی‌وی» شرکت می‌کنند تحریم کند. این امر عمده مؤسسات به‌غیر از شرکت‌های کوچک را از مشارکت در آن بازمی‌دارد.



نویسنده در ادامه می‌افزاید: اقدامات اروپا در راه‌اندازی «اس‌پی‌وی» و تصویب «مقررات منع» که هدف از آن، ترغیب شرکت‌های اروپایی به عدم پیروی از تحریم‌های آمریکاست، بعید است تأمین‌کننده نظر تهران برای باقی ماندن در توافق هسته‌ای باشد. وی در ادامه، تأثیر سازگار ویژه مالی اروپا «اس‌پی‌وی» بر منافع چین و روسیه را بررسی می‌کند و بر این نظر است که دسترسی مؤسسات غیراروپایی به «اس‌پی‌وی» به این معنی است که چین و روسیه قادر خواهند بود منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی خودشان را در ارتباط با ایران به‌پیش ببرند. وی در پایان می‌نویسد: اروپا در تلاشی خطرناک برای مامشات با تهران با امنیت شهروندان خود و امنیت متحدانش در خاورمیانه که از سوی ایران تهدید شده‌اند قمار می‌کند.

## ۵۱

«رویکرد خیال‌پردازانه اتحادیه اروپا نسبت به ایران» عنوان مقاله‌ای از *رافائل جی بوئینیکی* چن، سرهنگ بازنشسته و تحلیل‌گر ارشد واحد اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی و *دنی شوهاام*، افسر پیشین اطلاعات ارتش صهیونیستی، کارشناس جنگ شیمیایی و بیولوژیک در غرب آسیا و پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز مطالعات استراتژیک بگین - سادات است. این مقاله که در ۲۴ اکتبر از سوی همین مرکز مطالعاتی منتشر شده، به بررسی انتقادی عملکرد اتحادیه اروپا در قبال ایران پس از خروج آمریکا از برجام پرداخته است. نویسندگان، اروپا را متهم می‌کنند که پس از برجام و درمورد موشک بالستیک این کشور، بیش از اندازه مامشات می‌کند و به‌شکلی خفت‌بار با کارناوال تبلیغاتی جمهوری اسلامی در سطح جهان که هدفی جز حفظ برجام و افزایش شکاف بین آمریکا و اروپا ندارد همراهی می‌کند؛ درحالی‌که به ادعای آنها، در خود ایران، درخصوص وعده‌های سه قدرت اروپایی (آلمان، فرانسه، و بریتانیا) درمورد ارائه «تضمین‌های عملی» به جمهوری اسلامی و کمک به اقتصاد تحریم‌شده آن اختلاف وجود دارد. مقام معظم رهبری ایران، برجام را هدف کشور ندانسته و هشدار داده است که اگر نتایج موردنظر ایران به‌لحاظ حفظ منافع ملی‌اش با اجرای آن حاصل نشود، از برجام خارج خواهد شد. فرمانده کل سپاه پاسداران نیز این توافق را حتی پیش از خروج آمریکا از آن نامعتبر خوانده است؛ اما آقای روحانی همچنان از پابندی ایران به حفظ برجام سخن می‌گوید.

از دید نویسندگان، در این شرایط، اگر تهران همچنان قصد ماندن در برجام را دارد،



به‌ناچار باید شروط مشخصی را برای همکاری تعیین کند: پایبند ماندن اتحادیه اروپا به تجارت نفتی با ایران و ارائه تضمین لازم برای فروش نفت این کشور در بازار جهانی ازسوی بروکسل؛ ارائه راهکارهای عملی برای دور زدن نظام پولی آمریکا از طریق پرداخت مستقیم پول نفت ایران به یورو به بانک مرکزی این کشور؛ سرمایه‌گذاری بیشتر اتحادیه اروپا در ایران؛ و تعهد اتحادیه به خودداری از تلاش برای مذاکره با جمهوری اسلامی درمورد برنامه موشکی و فعالیت‌های آن در غرب آسیا.

دو تحلیل‌گر صهیونیست در ادامه، اتحادیه اروپا را متهم می‌کنند که به بخشی از شروط بالا تن داده و از جمله به تلاش بروکسل برای ایجاد سازکار هدف خاص (اس‌پی‌وی) و تصمیم آن اتحادیه برای اجرای مجدد «قانون انسداد» با هدف تسهیل در پرداخت پول صادرات کالای ایرانی، از جمله نفت و سیانت از اروپا در برابر تحریم‌های آمریکا استناد می‌کنند. با این حال، به ادعای آنها، اتحادیه اروپا ذات جمهوری اسلامی را نشناخته و متوجه نیست که گرایش استراتژیک آشکار تهران به سمت روسیه، چین، کره شمالی و نظام بشار اسد در سوریه است و در ضمن، از توسعه برنامه موشک بالستیک و گسترش نفوذ خود در غرب آسیا دست برنخواهد داشت.

## ۵۲

اندیشکده ایریس فرانسه یادداشتی با عنوان «تحریم‌های آمریکایی علیه ایران: تأسف بر ضعف سیاسی اروپا» به قلم تیری کویل در ۵ نوامبر ۲۰۱۸ منتشر کرده است. به باور نویسنده، هدف تحریم‌های آمریکایی انسداد کامل روابط اقتصادی و مالی ایران با بقیه جهان است. به ادعای نویسنده، اگرچه اقتصاد ایرانی چندان موفق نبوده است، پس از رفع تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵، با رشد قابل توجهی مواجه شد و امیدهای بسیاری برای آینده آن به‌وجود آمد.

از دید نویسنده، مهم‌ترین پیامدهای تحریم‌های فعلی آمریکا، از بین رفتن امید است که با انعقاد برجام به‌وجود آمده بود. به باور او، وضعیت اقتصادی در ایران فاجعه‌آمیز است و دلار ۲۸۰ درصد در برابر پول ایرانی محاسبه می‌شود. بنابراین، سقوط کامل پول ایرانی را شاهد هستیم که به تورم در این کشور شتاب بخشیده است. به لحاظ آمار رسمی، تورم در ایران به بیست درصد رسیده و ممکن است درحقیقت اندکی بیشتر از این آمار رسمی باشد و





بی‌تردید، با قطع نبض نفتی ایران در سال آینده به سی تا چهل درصد خواهد رسید و اقتصادی خفه را در سال آینده شاهد خواهیم بود.

به گفته کویل، از نظر روان‌شناختی، ایرانیان در ناامیدی هستند؛ با این حال، با توجه به تحریم‌هایی که از سال ۲۰۱۲ مردم این کشور متحمل شده‌اند ممکن است شرایط فعلی برای آنان چندان غیرطبیعی به نظر نرسد. به گفته نویسنده، اعلان جنگ آقای روحانی علیه تحریم‌های آمریکایی به معنای در نظر گرفتن هدف حفظ صادرات نفتی تا جای ممکن است. از دید کویل، آنچه در ایران شاهد هستیم بازی آمریکایی و غیرتصادفی و عامدانه است. واشینگتن با تحمیل تحریم کامل نفتی علیه ایران که به برخی کشورها معافیت داد و مشروعیت تحریم‌ها را حفظ کرد، در نظر دارد ایران را در منگنه قرار دهد و در این شرایط، افسوس بزرگ ضعف سیاسی اروپا و ناتوانی آن در مبارزه با تحریم‌های آمریکایی است.

## ۵۳

اندیشکده کارنگی اروپا در یادداشتی با عنوان «آیا توافق هسته‌ای ایران می‌تواند **نجات یابد؟**» به قلم جودی دمپسی در ۸ نوامبر ۲۰۱۸، به بررسی آراء کارشناسان سیاست خارجی و امنیتی متخصص در حوزه چالش‌های نقش اروپا در جهان، در خصوص آینده برجام پرداخته است. آزاده ضمیرپاد، از مؤسسه آلمانی امور بین‌المللی و امنیتی؛ پی‌یر ویمونت، از مؤسسه کارنگی اروپا؛ صنم وکیل، از اندیشکده چتم‌هاوس؛ علی واعظ، از گروه بین‌المللی بحران؛ استفان سزابو، استاد دانشگاه جان‌هاپکینز؛ شیمون استن، از دانشگاه تل‌آویو؛ ماریت شاک، عضو پارلمان اروپا؛ نورا مولر، از بنیاد کوریر؛ دنیس مکشان، وزیر اسبق بریتانیایی؛ الی گرانمایه، از اندیشکده شورای روابط خارجی اروپا؛ و جرت بلان و کرنلیوس ادبهر، از کارنگی کارشناسانی بوده‌اند که جودی دمپسی پرسش‌های خود را برای آنها مطرح کرده است.

برخی از این کارشناسان به صراحت ادامه بقای برجام را غیرممکن می‌دانند. از دید آنها، آمریکا همچنان قدرت انکارناپذیر در مسئله ایران است و تازمانی که این کشور مسئله‌اش را با تهران حل نکند، برجام ادامه نخواهد یافت. از دید آنها، ممکن است برجام با خروج ترامپ زیر سؤال رفته باشد؛ اما همچنان بخشی از آن می‌تواند اجرایی باشد. جالب است که این افراد بیشتر دیپلمات‌ها هستند تا اعضای آکادمیک.

برخی دیگر که به آینده برجام خوش‌بین هستند تردید ندارند که در کوتاه‌مدت این



توافق پابرجا خواهد بود و در طولانی‌مدت به همکاری کشورهای اتحادیه اروپا، چین و روسیه بستگی دارد. از دید برخی دیگر از این کارشناسان، با توجه به اینکه توافق هسته‌ای برای افراد مختلف معانی مختلفی دارد، تا آنجا که ایران به توافق متعهد بماند، این قرارداد می‌توانست حتی به سنگ بنای همکاری‌های منطقه‌ای و موضوعات امنیتی تبدیل شود. با این حال، در حال حاضر، توافق به موضوعی ژئوپلیتیک تبدیل شده است: به آن معنا که پرسش اساسی این است که آیا واشینگتن می‌تواند اراده خود را بر کشورهای و شرکت‌ها در مقیاس جهانی تحمیل کند و آیا دیگر قدرت‌ها می‌توانند از اهداف کوتاه‌بینانه و یکجانبه آمریکا فرار کنند یا خیر.

## ۵۴

اندیشکده نیروهای متحد سلطنتی بریتانیا (روسی)، یادداشتی را با عنوان «**طرح اتحادیه اروپا برای تجارت غیردلاری و فروش نفت**» به قلم جان آیریش، فرانسوا مورفی، و رابین اموت در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸، از خبرگزاری رویترز بازنشر داده است. به گفته نویسندگان، اس‌پی‌وی می‌تواند از تجارت با ایران در برابر تحریم‌های جدید آمریکایی حمایت کند. قدرت‌های بزرگ اروپایی، شامل آلمان، فرانسه و بریتانیا فشار بر لوکزامبورگ را پس از رد آن از سوی اتریش بیشتر کرده‌اند.

به گفته مقامات اروپایی، اتحادیه نمی‌تواند بپذیرد که قدرتی خارجی حتی یکی از نزدیک‌ترین دوستان و هم‌پیمانان خودش در مورد تجارت مشروع این نهاد و اعضای آن با کشوری دیگر تصمیم‌گیری کند. به نظر نویسندگان، این رویکرد اروپا به این دلیل است که ایران تهدید به خروج از برجام کرده است و اروپا تلاش دارد هرطور شده، تهران را در توافق هسته‌ای نگاه دارد.

سازکار اس‌پی‌وی می‌تواند به صادرات نفت و گاز ایران و خرید کالاهای اروپایی از اتحادیه اروپا کمک کند. هدف اروپا این بود که این سازکار را پیش از سال نو میلادی اجرایی کند؛ اما هیچ کشوری در اروپا تاکنون میزبانی آن را نپذیرفته است. اتریش، بلژیک و لوکزامبورگ کشورهایی هستند که شرایط پذیرش این سازکار را دارند؛ اما به نظر می‌رسد هیچ‌کدام مایل به پذیرش آن نخواهند بود. ترس این کشور این است که بانک‌های محلی با جریمه‌های مالی اروپایی روبه‌رو شوند و دسترسی به بازارهای آمریکایی برای آنها دشوار شود.



به باور نویسندگان، شکست اروپا برای حل مشکل اقتصادی برجام می‌تواند موجب تقویت اصول‌گرایان ضد غربی در ایران و حتی بروز حرکت‌های تهاجمی‌تر تهران در منطقه شود. به گفته مقامات اروپایی، هنوز معلوم نیست که میزبانی اس‌پی‌وی به چه معنایی می‌تواند باشد و چه ابعادی را دربر خواهد گرفت. از دید کارشناسان متخصص ایران در اروپا، مانند الی گرانامیه، از اندیشکده شورای روابط خارجی اروپا، کشورهایی مانند آلمان و فرانسه که میزبانی اس‌پی‌وی را رد کرده‌اند، باید وارد عمل شوند و وظیفه خود را در حفظ برجام انجام دهند.

## ۵۵

**دیپیکا ساراسوات، پژوهشگر مقیم شورای امور جهانی هند، در مقاله «نگاه همگرایانه ایران به سیاست خود در قبال شرق: آشتی دادن سیاست خارجی استقلال طلب و همگرایی اقتصادی»** که روز ۳۰ اکتبر توسط آن اندیشکده منتشر شده، دلایل و پیامدهای گرایش ایران به کشورهای شرقی پس از امضای برجام را بررسی کرده است.

به باور نویسنده، رویکرد جمهوری اسلامی به همگرایی بیشتر با کشورهای شرقی برآمده از خواست مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. در واقع، ایشان همواره طی یک سال اخیر، مکرر به مقامات دولتی ایران توصیه کرده‌اند که شرق، به‌خصوص همسایگان ایران را که منافع مشترکی با این کشور دارند در مسئله برجام بر غرب (درواقع اروپا) ترجیح بدهند. به‌علاوه، ناتوانی اروپایی‌ها در ارائه ضمانت‌های اقتصادی لازم به ایران در مورد دور زدن تحریم‌های یکجانبه آمریکا و مخالفت آنها با برنامه موشک بالستیک ایران، دیدگاه رهبر معظم جمهوری اسلامی در زمینه لزوم گرایش به شرق را که هم‌نواایی بیشتری با هویت انقلاب اسلامی و با منافع بلندمدت استراتژیک و اقتصادی ایران دارد تقویت کرده است.

باین‌حال، به ادعای ساراسوات، سیاست نگاه به شرق نخستین‌بار در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد در پیش گرفته شد و او بود که برای مقابله با فشار غرب به ایران در مورد برنامه هسته‌ای و بیش از آن، اهداف بلندپروازانه‌اش مطابق سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی، به تعمیق روابط تهران با روسیه، چین و هند (سه قدرت نوظهور شرقی) اقدام کرد. گسترش روابط با «بلوک شرق» با الهام از دیدگاه رهبر معظم ایران درباره نظام بین‌الملل تنظیم شد. براساس این دیدگاه، نظام بین‌الملل یک نظام پویا در



دوران انتقال قدرت از اقتصاد تک‌قطبی و قدرت سیاسی فائده غربی به شرقی به رهبری آسیای‌هاست.

از دید نویسنده، دولت آقای روحانی نیز بر مبنای همین نگاه به شرق سعی دارد با کشورهای آسیایی هم‌زمان با تضعیف روابط آنها با آمریکا و چرخش سیاست ایران از صادرات نفت به سمت جلب سرمایه‌گذاری خارجی ارتباط برقرار کند.

تحلیل‌گر هندی نتیجه می‌گیرد که کشورش در کنار روسیه و چین می‌تواند راه را برای همگرایی بیشتر ایران با اقتصاد جهانی و کسب منافع از این طریق بدون وابستگی به غرب با حفظ هویت انقلابی سیاست خارجی مستقل خودش هموار کند، ضمن آنکه رابطه با تهران فرصتی مغتنم برای هند و چین است تا پروژه‌های منطقه‌ای‌شان را با کمک ایران - به‌عنوان پل ارتباطی حیاتی میان اروپا و آسیا - عملیاتی کنند.

## ۵۶

مایک لاسوسا، روزنامه‌نگار مستقل، در یادداشتی در تارنمای تحلیلی لوب‌لاگ با عنوان «**نقصان در تحقیقات مرتبط با حملات تروریستی آرژانتین**» (۹ نوامبر) می‌نویسد: آلبرتو زوپپی، وکیل آرژانتینی که وکالت قربانیان این حادثه را برعهده داشت، به‌تازگی افشا کرده که بررسی‌ها برای حل این ماجرا چیزی بیش از لاپوشانی بوده است. زوپپی استدلال می‌کند مدارک پرونده آمیا عمداً دستکاری شده تا عوامل اصلی این حمله کشف نشوند و بالا رفتن تنش میان ایران و ایالات متحده، خود دلیلی محکم برای رساندن این پیام ضد ایرانی است.

نویسنده در ادامه می‌گوید: زوپپی که در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود میلادی در دادگاه‌های قضایی جنایتکاران نازی تجاری کسب کرده بود، به‌گونه‌ای به گروهی از بازماندگان حادثه آمیا و نزدیکان قربانیان این حادثه سوق داده شد. زوپپی می‌نویسد: این گروه از تلاش‌های وکلای آمیا ناامید شده بودند و درباره تحقیقات این وکلا تردید داشتند. رسیدگی به شهادت افراد هم مشکوک بود. چندین شاهد مهم از همان ابتدا حق مصاحبه نداشتند و مدارک هم نشان داد که به خوان خوزه گاله انو، قاضی مسئول بررسی این پرونده، چهارصد هزار دلار رشوه پیشنهاد داده شده است تا مستندات کلیدی این پرونده را فاش نکند. نویسنده ادامه می‌دهد: اگرچه زوپپی معتقد است تمامی شواهد برای بررسی زوایای این



حادثه باید در نظر گرفته شود، انتقال اصلی او به حجم توجه به ایران بود که این کشور را متهم اصلی حادثه آمیا می‌دانست. او بر این باور بود که تئوری دست داشتن ایران در این پرونده از همان روز اول طرح‌ریزی شده بود. او معتقد بود که تمرکز بر شواهد، دال بر نقش ایران در این حادثه، بی‌شک انگیزه‌های سیاسی داشته است.

نویسنده در پایان می‌گوید: علی‌رغم نقص‌های مستند در تحقیقات بمب‌گذاری در آرژانتین، تئوری اتهامات ایران هنوز به‌طور گسترده‌ای حل نشده باقی مانده است؛ زیرا فقط چند هفته پیش و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، رئیس‌جمهوری آرژانتین، از ایران خواست که در ادامه بررسی در موضوع بمب‌گذاری کمک کند. باین‌حال، زوپی معتقد است هنوز هم فرصت برای کشف حقیقت و یافتن شواهد بیشتر در مورد حمله آمیا وجود دارد.

## ۵۷

پنل «تأثیر تحریم‌های ایران بر ترکیه و منطقه» به همت بنیاد پژوهش‌های مسائل سیاسی، اقتصادی - اجتماعی «ستا» و با حضور اساتید دانشگاه و همچنین دانشجویان در سالن کنفرانس این نهاد در استانبول برگزار شد و توسط خبرگزاری آناتولی منتشر شد. شاهین دمیر در گزارشی از این پنل که در ۱ نوامبر ۲۰۱۸ منتشر کرده، به نقل از دو نفر از سخنرانان این پنل در این خصوص این‌گونه می‌نویسد:

**حقی اوینغور، معاون مرکز مطالعات ایران:** ایران دو راه در پیش دارد: انتظار و مقاومت تا پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ و مذاکره مستقیم. ایران در کنار آرمان‌های داخلی می‌داند که اقتصاد مهم‌ترین محرک این کشور است. این امر از لحاظ آمریکا با توجه به نفوذ ایران در خاورمیانه نیز بسیار اهمیت دارد. ایران در تمام کنش‌های سیاسی منطقه حضور داشته است. ترکیه به ثبات منطقه‌ای بیش از هر چیزی اهمیت می‌دهد. آنکارا می‌داند که برخی کشورها خواستار تغییر ساختاری این منطقه هستند. ترکیه برای توازن منطقه‌ای اهمیت بسیاری قائل است. در صورت افزایش قدرت کشوری در منطقه، ترکیه سیاستی را برای کاهش آن در پیش خواهد گرفت.

**کمال اینات، کارشناس مسائل سیاسی و روابط بین‌الملل و استاد دانشگاه ساکاریای ترکیه:** یکی از اهداف اصلی تحریم‌های آمریکا به‌صفر رساندن صادرات نفت ایران است. آشکارترین واکنش به این تصمیم آمریکا را اتحادیه اروپا نشان



داده است. با وجود این، شرکت‌های بزرگ اروپایی از بازار ایران خارج شده‌اند. چین هم در صورت نیاز می‌تواند به این موضوع بی‌اعتنایی کند و در کنار ایران قرار نگیرد. مقامات آنکارا در گذشته نیز گفته‌اند که تحریم‌های بین‌المللی را اعمال می‌کنند؛ اما تصمیم یک‌طرفه آمریکا را نمی‌پذیرند. نقش آمریکا در کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه و اقدامات گروه‌های تروریستی پ‌ک‌ک، پی‌دی، و ی‌پ‌گ و همچنین اظهارات و عملکرد ترامپ چنین وضعیتی را ایجاد کرده است. آمریکا در این زمینه تنه‌است و اتحادیه اروپا نیز در مقابل این کشور قرار دارد. این امر موجب تقویت رویکرد ترکیه در قبال تحریم‌ها می‌شود. تأیید پایبندی ایران به تعهداتش توسط نهادهای بین‌المللی نیز به این امر کمک می‌کند. ترکیه خواهان معافیت از تحریم‌هاست، اما احتمال موفقیت آن ضعیف است. بیشترین تبادل تجاری ترکیه با ایران نیز در دوره تحریم‌های آمریکا انجام شده است.

## ۵۸

*کمال اینات* نیز در بنیاد مطالعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه، در ۸ و ۱۰ نوامبر ۲۰۱۸ طی دو یادداشت با عنوان «تأثیر تحریم‌های ایران بر ترکیه» بیان داشته است: همان‌گونه که تحریم‌های سال ۲۰۱۰ سبب محدودیت زیاد در روابط ایران و ترکیه شد، در این دوره از تحریم‌ها نیز ترکیه از حیث اقتصاد خارجی زیان خواهد دید. به اعتقاد این کارشناس ترکیه، دو راه بیشتر در این زمینه وجود ندارد که راه اول، پیدا کردن تأمین‌کنندگان جدید برای بازار مصرف نفت و گاز کشور است و راه دوم این است که باید در این زمینه مرتب با آمریکا دوره پراختلاف و پرتنش را بگذرانند که هر دو راه برای ترکیه هزینه‌بر خواهد داشت.

اینات در ادامه می‌گوید: هرچند ایران در پاره‌ای مسائل منطقه‌ای بر ضد ترکیه عمل کرده و سبب ناخشنودی آنکارا شده است، ضربه به اقتصاد خارجی و داخلی ایران آثار منفی زیادی بر اقتصاد ترکیه خواهد داشت. به اعتقاد این نویسنده، در این خصوص، علاوه بر اختلال واردات نفت و گاز ترکیه، ضرباتی که تحریم‌ها بر اقتصاد داخلی ایران می‌زند سبب کاهش قدرت خرید مردم ایران می‌شود و این امر برای فروش کالاهای ترکیه که بازار مناسبی در ایران دارند ناخوشایند خواهد بود. به اعتقاد اینات، همچنین از آنجاکه سیاست‌های تحریمی آمریکا علیه ایران در راستای محدود ساختن قدرت منطقه‌ای ایران و افزایش قدرت محور



عربستان - رژیم صهیونیستی در منطقه می‌شود، این موضوع نیز برای منافع ملی و منطقه‌ای ترکیه زیانبار خواهد بود.

## ۵۹

*اصلاحان بالچی*، کارشناس مسائل جنوب آسیا و شبه‌قاره هند که عضو هیئت‌مدیره مرکز تحقیقات استراتژیک جنوب آسیا در ترکیه و نیز طرفدار پاکستان و مخالف سیاست‌های هندوستان در منطقه است، در مقاله‌ای با نام «**ایران نباید پاکستان را از خود دور کند**» که در ۳ نوامبر ۲۰۱۸ در پایگاه اینترنتی این مرکز درج شده است، از همکاری ایران با هندوستان، روسیه، افغانستان و چین بدون در نظر گرفتن قابلیت‌های همکاری با پاکستان انتقاد کرده است. به اعتقاد وی، در شرایط کنونی، هم ایران و هم پاکستان در معرض تهدید سیاست‌های مداخله‌جویانه منطقه‌ای آمریکا هستند و در شرایطی که همکاری بیشتر ایران و پاکستان مورد انتظار است و پاکستان نیز در این زمینه تلاش می‌کند، سیاست خارجی ایران در قبال اسلام‌آباد زیاد دوستانه نیست. نویسنده در این خصوص ادعا می‌کند که ایران در مسائلی نظیر تحریک گروه‌های شیعی در پاکستان و نیز اختلاف مرزی بین پاکستان و افغانستان مواضع دوستانه‌ای در مقابل پاکستان ندارد. از دیدگاه این نویسنده، همچنین همکاری‌های ایران با هندوستان نیز حساسیت پاکستان را برانگیخته و لازم است ایران در این خصوص به ملاحظات پاکستان نیز توجه داشته باشد. نویسنده ضمن تشریح تهدیدهای طالبان و القاعده که دست‌پرورده آمریکا و انگلیس هستند و نیز وهابی‌گری مورد حمایت عربستان برای امنیت پاکستان مدعی است که توسعه‌طلبی مذهب‌محور ایرانی که با بهانه قرار دادن مذهب شیعه، گروه‌های شیعی را به سمت ایجاد ناامنی در پاکستان سوق می‌دهد نیز مانند تلاش‌های آمریکا، انگلیس و عربستان برای پاکستان تهدید به‌شمار می‌رود.

## ۶۰

مجله ژئوپلیتیک فرانسه، دیپلومب، یادداشتی را با عنوان «**ایران و پاکستان (۱۹۴۷-۲۰۱۵): از جنگ سرد تا توافق هسته‌ای**» به قلم کلمان ترم در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۸ منتشر کرده است. به باور نویسنده، منافع ایران مبتنی بر حفظ روابط دوجانبه خوب با



هند و همزمان با پاکستان است. روابط ایران و پاکستان هم بر مبنای جغرافیا و هم بر اصل انتخاب سیاسی هم‌پیمانی استوار است. از نظر ترم، روابط دو کشور در بافتار بین‌الملل پس از جنگ سرد شکوفا شده و تا اندازه‌ای ایران توانسته است نزدیکی سه‌جانبه‌ای با حضور هند در این روابط ایجاد کند. از دید او، تا سال ۱۹۷۹، عنصر پاکستانی وزن بسیار مهمی در روابط هند و ایران داشته است.

به گفته نویسنده، روابط ایران و پاکستان سه مسئله مهم: بلوچستان، طالبان و مواد مخدر را شامل می‌شود. از نظر پاکستان، رابطه با ایران به‌عنوان تنها کشوری که دشمن نیست، اصل مهم سیاست خارجی این کشور است. از دید او، توسعه روابط تهران و پکن، هم‌پیمان اقتصادی اسلام‌آباد می‌تواند موجب افزایش اعتماد بین ایران و پاکستان شود. در سطح منطقه‌ای، رقابتی بین محورهای تهران - دهلی‌نو و ریاض - اسلام‌آباد دیده می‌شود، ولی ایران مایل است روابط خود را هم با هند و هم با پاکستان حفظ کند. این قطبی شدن نشان‌دهنده تنش‌های فرقه‌ای در غرب آسیاست و می‌تواند نتایج منفی بر روابط سنی - شیعی در این فضا با بسیج مبارزان افغانستان یا پاکستان در جنگ سوریه داشته باشد.

همچنین از نظر نویسنده، سیاست جدید دولت ترامپ که همزمان علیه ایران، پاکستان و چین است می‌تواند پاکستان را در موقعیت دشواری قرار دهد. سیاست ضد هند اسلام‌آباد جایگزین‌های ممکن به‌جای همکاری نظامی با آمریکا را برای این کشور محدود می‌کند. به‌طور خلاصه، پاکستان و ایران هر دو با یک چالش روبه‌رو هستند و آن، ظهور اقتصادی این دو در پیرامون منطقه‌ای بی‌ثبات است. پاکستان باید بین کشوری مردم‌سالار، صلح‌جو و فدرال و سیاست خارجی‌ای ماجراجویانه و افراط‌گرا نیز دست به انتخاب بزند. بنابراین، ایران نیز با چالش‌های مشابهی روبه‌روست و هم در داخل و هم در خارج باید انتخاب‌های دشواری داشته باشد.





## مسائل ایران

در مجموعه گزارش‌های راهبردی - تحلیلی و مقاله‌های گردآوری شده در این بخش، نگاهی به مهم‌ترین تحلیل‌ها و رویکردهایی می‌اندازیم که تحلیل‌گران و کارشناسان کشورهای مختلف در مورد مسائل ایران داشته‌اند.

### ۶۱

اندیشکده مرکز سیاست خارجی، که اتاق فکر بریتانیایی است، یادداشتی را با عنوان «**مذهب و ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران**» به قلم/دوآرد وستنیچ در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۸ منتشر کرده است. به باور نویسنده، عربستان و ایران کارگزاران کلیدی قدرت در غرب آسیا هستند و همچنان روابط دوجانبه خود را بر مبنای جنگ برای نفوذ در منطقه گذاشته‌اند و رقابت آنها با ویژگی شکاف فرقه‌ای شناخته می‌شود.

از دید نویسنده، در حالی که تعهد ایران به عنصر انقلابی و موضوعاتی مانند عدالت، مقاومت و گسترش شبکه شیعی در سیاست خارجی تجلی یافته است، دیپلماسی ایرانی مبتنی بر افق‌های دید رؤسای جمهور این کشور است که هر یک برنامه‌های خاص خود را دنبال کرده‌اند. توانایی ایران برای استفاده از پیوندهای فراملی اجتماعات شیعی به توسعه منطقه‌ای این کشور کمک کرده است. چنانکه امروز می‌توان شاهد حمایت مالی ایران از حزب‌الله و گسترش نفوذ تهران در سوریه و عراق بود. ایران به‌عنوان جامعه‌ای شیعی خود را قربانی فرقه‌گرایی در منطقه می‌بیند.

جمهوری اسلامی این مبارزه تاریخی شیعی - سنی را با روایت مقاومت پایدار خود پیوند زده و رویکرد خاص مبارزه علیه ترور را در برابر تهدید تکفیری‌ها در پیش گرفته است. ایران شبکه‌ای گسترده از شیعیان دارد و توانسته در تعهدات جنگ نرم و سخت موفق عمل کند.



شبکه مذهبی ایران ورای اصل صدور انقلاب است که به ادعای نویسنده، در سال‌های ۱۹۸۰، از سیاست خارجی ایران کنار گذاشته شد. پس از آن به گفته او، ایران کوشید بر زیرساخت دیپلماتیک و مذهبی خود سرمایه‌گذاری کند و کنش مذهبی خود را در سراسر جهان شیعی گسترش دهد. پیوندهای مذهبی فراملی ایران به فعالیت‌های این کشور در منطقه مشروعیت بخشیده‌اند. ایران به بهانه دفاع از مذهب تشیع یا حرمین شریفه تعهد نظامی فعالی در سوریه و عراق داشته است. از دید نویسنده، این ویژگی سیاست خارجی ایران می‌تواند در مقطع کنونی به ارتباطات فرهنگی و دیپلماتیک، همچنین در بحث سازندگی به کمک‌های مالی ایران برای اجتماعات مسلمانان در سراسر جهان تبدیل شود.

## ۶۲

یاسمین کونوکچو، در ۶ نوامبر ۲۰۱۸، در کانون پژوهشی خاورمیانه و آفریقا، مقاله‌ای با نام «حرکت‌های ضدنظام در ایران؛ مورد گروهک منافقین» دارد که در آن، ضمن تشریح چگونگی تأسیس این سازمان در دوره قبل از انقلاب، فعالیت‌های این گروهک بعد از انقلاب اسلامی ایران و دلایل روی آوردن آن به فعالیت‌های مسلحانه را تشریح کرده است. نویسنده در ادامه به جایگاه این سازمان در اتحادیه اروپا و آمریکا می‌پردازد و معتقد است: استقرار این سازمان در عراق و هم‌پیمانی با صدام حسین در زمان حمله عراق علیه ایران و فراتر از آن، کمک این سازمان به دولت صدام در سرکوب کردها و شیعیان معترض عراق ضربه بزرگی به وجهه این سازمان زده است و از این‌رو، مشروعیت این سازمان در بین مردم ایران را باید محل تردید دانست. به همین علت، نویسنده معتقد است عملکرد ناموفق این سازمان سبب شده است کسانی که در خارج به فکر تغییر نظام در ایران هستند، روی این سازمان حساسی باز نکنند.

نویسنده در ادامه به رویه‌های برخورد جمهوری اسلامی ایران با اقدامات ضدنظام جمهوری اسلامی در داخل پرداخته و معتقد است: دولت ایران هرچند در مقابله با نارضایتی‌ها و مخالفت‌های سیاسی با نظام جمهوری اسلامی برخورد بسیار قاطع و خشنی دارد، در برابر اعتراضات حول مسائل اقتصادی و معیشتی مردم تاکنون با خویشتن‌داری و ملایمت رفتار کرده است که این رویه سبب می‌شود تا پتانسیل بسیج توده‌های عمومی علیه نظام جمهوری اسلامی ضعیف شود. به باور نویسنده، گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی



ایران در خارج با درک این موضوع سعی دارند از پتانسیل‌های موجود در اعتراضات اقتصادی و معیشتی مردم و پیوند این مسائل یا اعتراضات سیاسی بهره ببرند و سازمان مجاهدین خلق نیز از این قاعده مستثنا نبوده و گویا در این زمینه برنامه‌ریزی هم کرده است.

## ۶۳

*سیاستین رابلین*، کارشناس حل و فصل مناقشات از دانشگاه جورج تاون، مقاله‌ای را با عنوان «ایران خواهان جنگنده رادارگریز است، اما قاهر چنین جنگنده‌ای نیست» در ۵ نوامبر در نشریه نشنال اینترست منتشر کرد. نویسنده در این مقاله می‌گوید: ایران دلایلی برای خواستش مبنی بر مجهز شدن به جنگنده‌های رادارگریز دارد. مهم‌ترین این دلایل ترس ایران از مورد حمله قرار گرفتن از سوی رژیم صهیونیستی است که کارآمدترین هواپیماهای جنگی جهان را در اختیار دارند. علاوه بر این، ایران برای کسب تسلط منطقه‌ای در رقابت با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به سر می‌برد که آنها نیز به پیشرفته‌ترین جنگنده‌های جهان مانند F-15، F-16، رافال و تایفون مجهز هستند.

رابلین در ادامه مدعی می‌شود: ایران به آرامی در حال ساخت نمونه متعلق به خود جنگنده رادارگریز است که نقطه عطف این برنامه به ۲ فوریه ۲۰۱۳ بازمی‌گردد؛ هنگامی که یکی از این هواپیماها به نمایش گذاشته شد و آقای احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت ایران از آن بازدید کرد. جنگنده قاهر ۳۱۳ با ابعادی کوچک با ویژگی‌های فرم بدنه خود بود. نویسنده سپس با استناد به اظهارات دیوید سنسوتی از نشریه «آوی ایشونیست» ادعا می‌کند که کاکپیت این هواپیماها برای جا دادن یک انسان در خود فضای کافی ندارد و محل قرار گرفتن ابزارآلات دقیق این هواپیما نیز تقریباً بسیار ساده است. این جت فاقد محلی برای خروج گاز داغ موتور و همچنین فاقد جایگاه یا محفظه برای حمل سیستم‌های حسگرها و تسلیحات است.

نویسنده در بخش دیگری از این مقاله مدعی می‌شود که اگرچه تلاش برای ساخت یک جت رادارگریز روندی بسیار پرهزینه، اما راه‌حلی برای پاسخگویی به چالش‌های پیش روی ایران است. در همین حال، اشتیاق تهران برای ساخت سرهم‌بندی شده شواهدی دال بر توانایی‌های نظامی این کشور حاکی از احساس مداوم عدم امنیت از سوی یک کشور انقلابی است.



## معرفی پژوهش

۶۴

دیوید مورت لوک و نیکی کرون در گزارش پژوهشی شانزده صفحه‌ای با عنوان «نقشه راه تحریم‌های باز تحمیل شده به ایران» که از سوی شورای آتلانتیک در روز ۲۸ نوامبر منتشر شد، به بررسی جامع تحریم‌های ثانویه علیه ایران که در روز ۲۵ نوامبر اجرایی شده پرداخته‌اند. نویسندگان در ابتدا با اشاره به فرایند سیاست‌های ترامپ برای باز تحمیل دو مرحله از تحریم‌های ایران در اوت و نوامبر ۲۰۱۸، به بررسی مهم‌ترین ابعاد تحریم‌های ایران پرداخته و بر این اساس، موارد زیر را تحلیل کرده است: دادوستدها و نهادهای مشمول تحریم ایران، تعاملات و دادوستدهای مربوط به فعالیت‌های مرتبط با ایران، معافیت‌های مشمول تحریم ایران، معافیت‌های مشمول تعامل و دادوستد با ایران. بر این اساس، موضوعاتی مثل: نوع تعاملات مالی مورد تحریم ایران، نوع تعاملات مالی ایرانیان با دیگر افراد خاص مشمول تحریم‌ها، تحریم بانک مرکزی و دیگر نهادهای مالی، فروش مواد گرانبها از سوی دولت ایران، تحریم بخش‌های کشتیرانی، کشتی‌سازی و عملیات‌های بندری ایران و غیره مورد بررسی قرار گرفته است.

۶۵

متن حاضر گزارش پژوهشی دوازده صفحه‌ای با عنوان «چگونه ایران با تحریم‌های آمریکا روبه‌رو خواهد شد» به قلم هالی دگریس و باریارا اسلاوین است که در روز ۱۴ نوامبر توسط شورای آتلانتیک منتشر شده است. نویسندگان با اشاره به تحریم‌های آمریکا علیه ایران بر این نظرند که حتی قبل از اجرایی شدن تحریم‌ها، شاهد تأثیرات آن بر اقتصاد ایران به خصوص کاهش ارزش ریال بوده‌ایم. کمپانی‌های غربی نیز عمدتاً از این تحریم‌ها



حمایت کرده‌اند؛ با این حال، به اعتقاد نویسندگان، دولت‌های اروپایی و شرکای آسیایی ایران به حمایت خود از ایران ادامه داده و ایران امیدوار است که پس از انتخابات آمریکا و احتمالاً شکست ترامپ، آمریکا به برجام بازگردد. به هر حال، در این گزارش، نویسندگان راه‌هایی را بررسی کرده‌اند که ایران می‌تواند از تحریم‌های آمریکا عبور کند. بر این اساس، موضوعاتی مثل چگونگی عبور از تحریم‌های مالی و بانکی، محرک‌های ارائه‌شده از سوی ایران به حفظ صادرات نفتی خود، نقش همسایه‌ها و کشورهای اروپای شرقی در دور زدن تحریم‌ها، چگونگی استفاده از شرکت‌های صوری مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان در این گزارش بر این باورند که ایران طی چهار دهه گذشته، توانایی خود را در جان سالم به‌در بردن از مشکلات اقتصادی نشان داده است. در این میان، مردم ایران اگرچه با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد، ایرانی‌ها بیش از یک سال است که خود را برای واکنش به تحریم آماده کرده‌اند، ضمن اینکه این بار دولت ایران راحت‌تر می‌تواند آمریکا را مقصر تحریم‌ها و دشمنی با مردم نشان دهد؛ زیرا این کشور (آمریکا) بوده که برجام را نقض کرده است.



## جمع‌بندی پایانی

با مروری بر نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه گزارش‌های راهبردی - تحلیلی، مقاله‌ها و پژوهش‌های منتشرشده از سوی اتاق‌های فکر، اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی در کشورهای مختلف می‌توان دریافت که مهم‌ترین موضوع مربوط به جمهوری اسلامی ایران همچنان چالش با آمریکا است. مهم‌ترین مباحث مربوط به این چالش عبارت‌اند از:

### ۱. بررسی احتمال جنگ میان ایران و آمریکا: یکی از مباحث مطرح‌شده در

مراکز پژوهشی و اندیشکده‌ها موضوع جنگ احتمالی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران است. این موضوع، گرچه در مقایسه با هفته‌های گذشته فروکش کرده، همچنان مباحث آن به‌صورت بررسی و تحلیل جنگ احتمالی آینده وجود دارد. در دو هفته اخیر، با توجه به شدت جنگ لفظی میان مقامات ایرانی و آمریکایی برخی از اندیشکده‌ها به بررسی جنگ احتمالی ایران و آمریکا پرداخته‌اند. به عقیده تحلیل‌گرانی همچون هری کانزبانیس، واشینگتن و تهران در میان ستیزه‌های ژئوپلیتیکی طولانی‌مدت با یکدیگر در غرب آسیا دهه‌هاست که گیر افتاده‌اند و در طول این مدت، کشمکش آمریکا - ایران در این منطقه وضعیتی را به‌وجود آورده که هر لحظه امکان جنگ در آن وجود دارد و به عقیده تحلیل‌گرانی همچون رابرت فارلی در صورت وقوع این جنگ، مدیریت آن برای آمریکا آسان نخواهد بود.

### ۲. اثربخشی تحریم‌های دور دوم: یکی از مباحث مهم مطرح‌شده در مورد چالش

ایران و آمریکا، اثرگذاری تحریم‌های دور دوم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است که با اجرایی شدن آن اهمیت یافته است. برخی تحلیل‌گران همچون افرین افضل، دانیل برومبرگ، جان گلاسر و بونی کریستین، تحریم‌ها را در تغییر سیاست ایران مؤثر نمی‌دانند و می‌گویند اگرچه این تحریم‌ها موجب افزایش مشکلات داخلی و اقتصادی خواهد شد، تغییر موردنظر کاخ سفید را تأمین نخواهد کرد. درمقابل نیز برخی تحلیل‌گران، این تحریم‌ها را در تغییر رفتار ایران مؤثر می‌دانند و



بر این نظرند که هرچه فشار تحریم‌ها بیشتر شود، مقامات جمهوری اسلامی ایران به‌سوی مذاکره و تغییر رفتار بین‌المللی و منطقه‌ای پیش خواهند رفت.

موضوع مهم دیگر مربوط به تمرکز مراکز و اندیشکده‌ها بر مباحث منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. اهمیت این موضوع در دو هفته اخیر بیش‌ازپیش شده است که علت آن را باید در راهبرد ضد ایرانی ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران دانست که بعد از اعمال تحریم‌ها به‌نوعی موجب توجه مراکز فکری و اندیشکده‌ها به این موضوع شده است. مهم‌ترین مباحث مربوط به این موضوع عبارت‌اند از:

### ۱. افزایش یا کاهش نقش منطقه‌ای ایران: افزایش یا کاهش نقش منطقه‌ای

ایران یکی از نقاط مورد بحث مراکز و اندیشکده‌هایی است که در دو هفته اخیر به آن پرداخته شده است. برخی از تحلیل‌گران با توجه به تحریم‌های اخیر و همچنین فشارهای آمریکا، نظر به کاهش نقش منطقه‌ای ایران داشته‌اند. درمقابل، برخی دیگر معتقدند که در شرایط کنونی، نه تنها نقش منطقه‌ای ایران کاسته نشده، بلکه افزایش نیز یافته است و با آوردن مصادیقی از یمن، بر آن تأکید می‌کنند. با توجه به این بحث باید چند نکته را مدنظر داشت: نخست، بخشی از تحلیل‌های مربوط به کاهش نقش منطقه‌ای ایران مربوط به مراکز نزدیک به کاخ سفید است و این امر از روحیه ترامپ نشئت گرفته است که می‌خواهد بر اثربخشی سیاست‌های خود هرچند در کوتاه‌مدت تأکید کند؛ دوم، تحلیل‌هایی که به افزایش نقش منطقه‌ای ایران اختصاص دارند، مربوط به مراکز همسو با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران هستند؛ سوم، برخی دیگر از مراکز نزدیک به صهیونیست‌ها و کشورهای عربی هستند که سعی دارند با بزرگنمایی تهدید ایران و تبدیل کردن آن به ابرتهدید برای عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه نقش‌آفرینی بیشتر آمریکا و همچنین اجماع‌سازی علیه ایران را فراهم کنند.

### ۲. تداوم بحران آفرینی قتل جمال خاشقچی برای عربستان سعودی:

داستان قتل خاشقچی و اینکه چه کسی عامل اصلی قتل او بوده بسیار مهم است؛ ولی آنچه مهم‌تر می‌نماید بررسی پیامدهای این قتل برای ژئوپلیتیک غرب آسیا، آینده سیاسی محمد بن سلمان، آینده روابط عربستان با آمریکا و موازنه قدرت در غرب آسیا خواهد بود؛ به‌همین دلیل، مراکز پژوهشی و اندیشکده‌ها به این موضوع



ورود جدی کرده‌اند. به عقیده برخی از کارشناسان، همچون الدار مامودف، جیمز دورسی، جیمز کلاپر، النا دلوزیر و اگوست پلاگر، در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، این قتل دردسر بزرگی را برای عربستان به وجود آورده و فرصت‌های متعددی را در اختیار بازیگران رقیب همچون جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

یکی دیگر از مباحث مهم، مراکز پژوهشی و اندیشکده‌های مربوط به روابط ایران با سایر بازیگران هستند. این مراکز و اندیشکده‌ها سعی دارند که نوع جهت‌گیری سایر بازیگران، به خصوص اروپا، چین، هند، روسیه و ترکیه را در این زمینه بررسی کنند:

### ۱. تلاش اروپا برای مقابله با خواست آمریکا: از دید کارشناسی همچون

جان آیریش، فرانسوا مورفی و رایین اموت، اقدام اخیر اروپا برای ایجاد فضای مبادله‌ای جهت تجارت بین ایران و اتحادیه اروپا می‌تواند گامی مثبت و تا اندازه‌ای ملموس ارزیابی شود. در مقابل، برخی از تحلیل‌گران همچون رافائل جی بوشنیک چن و دنی شوهم معتقدند که اروپا از ابزارهای کافی برای مقابله با سیاست‌های تحریمی آمریکا برخوردار نیست که نشانه آن را شکست راهکارهای ارائه شده توسط این کشورها برای مقابله با تحریم‌های ایران، و این امر را شکست اتحادیه اروپا در قبال آمریکا می‌دانند.

### ۲. مقاومت کشورها در برابر تحریم‌های آمریکا علیه ایران: با توجه به

مطالب ارائه شده در این شماره، همچون تحلیل دیپیکا ساراسوات، اکثر بازیگران درگیر به خصوص هند، ترکیه، عراق، چین و روسیه در موضوع ایران سعی دارند هم استقلال خود را از سیاست‌های آمریکا در قبال ایران حفظ کنند و هم مانع از ورود به چالش با آمریکا شوند. در این میان، مراکز فکری و تحلیل‌گران ترکیه‌ای همچون شاهین دمیر و کمال اینات نیز به شکل ویژه‌ای به این موضوع ورود کرده‌اند.

در خصوص مسائل ایران نیز می‌توان گفت اگرچه از سطح تحلیل‌ها از وضعیت داخلی ایران کاسته شده است، این امر همچنان در مرکز توجه این مراکز و اندیشکده‌ها قرار دارد. مهم‌ترین مباحث مرتبط با مسائل ایران در این شماره، تأثیرات تحریم بر اقتصاد و قدرت هوایی و موشکی جمهوری اسلامی ایران است که تحلیل‌گرانی همچون ادوارد وستنیچ، یاسمین کونوکچو و سباستین رابلین به این موضوع پرداخته‌اند.